

در ادامه این گزارشات آمده است که در طول این زد و خورد ها (۶) پوسته امنیتی رژیم کارمل در ولسوالی مذکور توسط مجاهدین از بین برده شده و (بیست) نفر افراد روسی و ده نفر سربازان رژیم کارمل به هلاکت رسانیده شدند گزارش می افزاید که چهار نفر سربازان کارملی با چهار میل ماشیندار کلاشینکوف به مجاهدین قهرمان تسلیم شدند و بیست میل کلاشینکوف، سه میل ماشیندار قلیل یک میل ماشیندار زیگویک، یک میل ماشیندار کرینکوف و یکصد و پنجاه میل تفنگ های مختلف النوع توسط سربازان راه اسلام به غنیمت گرفته شده است.

گفته شده که در جریان این درگیری ها چهار نفر مجاهدین دلیر و با شهادت شهید و سه نفر دیگر جراحت خفیف برداشته اند.

کابل :

در ادامه عملیات مجاهدین مسلمان افغانستان علیه نیروهای مشترک شوروی و کارملی طی ماه گذشته در منطقه زرشخ و خواجه مسافر ولسوالی پغمان طی یک حمله بر قوای اشغالگر روسی و کارملی (۲۲) تن از

نیروهای دشمن را به هلاکت رسانیده و سه عراده تانک زرهی و یک موتر نفر بر را به آتش کشیدند.

در گزارش آمده است این حادثه وقتی صورت گرفت که یک قوای بزرگ روسی جهت تلاشی این مناطق آمده بود که مورد حمله سربازان اسلام قرار گرفت در یک خبر دیگر آمده است سربازان اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان طی ماه گذشته دو تن از باند های خلق و پرچم را در منطقه خوشحال خان مینه و شیر شاه مینه به هلاکت رسانیده اند و موتر حامل آنها را به آتش کشیدند.

کنز :

از ولایت کندز گزارش رسیده که قهرمانان اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان در ولسوالی ارچی ولایت کندز بتاريخ (۶۲-۹-۲۵) یک نفر افراد کارملی را هلاک شانزده نفر افراد کارملی را شدیداً مجروح نمودند و درین جریان هفت نفر افراد کارملی به مجاهدین جبهه فرقانیه تسلیم شدند.

منبع می افزاید که این جنگ وقتی صورت گرفت که یک کندک او پراتیف کارملی

در یک کیلومتری ولسوالی ارچی برای جمع آوری خوب و مواد ارتزاقی بر آمده بودند که مورد حمله و ضربات کوبنده مجاهدین راه حق به فرماندهی فیض الرحمن قرار گرفته و هم چنان از ولایت کندز گذارش میرسد که پاسداران لوی توحید در حوزه سلمان فارس (رض) اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان بتاريخ (۹-۹-۶۲) در قریه حضرت سلطان یازده نفر سربازان کارملی را به شمول دو نفر افراد روسی هلاک و یک دستگاه تانک زرهدار دشمن را توسط راکت حریق نمودند.

این جنگ وقتی صورت گرفت که قوای ملحد نسبت تلاشی به قریه رفته کشان ولایت کندز در حال حرکت بوده قهرمانان اسلام در حصه قریه حضرت سلطان بر ایشان کمین گرفته به فرماندهی اسلام دوست یازده نفر ملحد هلاک و یازده دستگاه تانک زرهدار دشمن معه سرنشینان حریق گردیدند.

هرات :

طی زد و خورد شدید بین مجاهدین و عمال روسی بیست تن از خود فروختگان رژیم کارملی به شمول یک تن صاحب منصب از بین رفتند گزارشات موصوله

درباره حاکمیت درین جنگ که
تاریخ (۹۲-۹۳) در هفت
کیلومتری فرودگاه نظامی روسها
در شنیدند بوقوع پیوست (۱۲)
میل سلاح و یک عراده موتر
نفر بر روسی طور غنیمت بدست
پرتوان مجاهدین قرار گرفته
است :

لغمان :
طبقی را پور های واصله
از ولایت لغمان سر بازار حوزه
نورستان اتحاد اسلامی مجاهدین
افغانستان بتاریخ (۹۰-۹۱-۹۲) در
نتیجه یک سلسله عملیات
پیروز ماندنه بالای پوستانه های
دروننه ادهار کچکاره و کنده
پوستانه های مذکور را تجریب
و تعدادی زیادی از ملحدین به
هلاکت رسیدند.

در ادامه این گزارشات
آمده است که در جریان این
زد و خورد (پنجاه) میل اسلحه
مختلف النوع طور غنیمت بدست
رز مندان راه اسلام در آمدند.
گفته شده است که سربازان
اسلام در طول این عملیات از
یک روحیه نهایت عالی برخوردار
بوده اند.

خبر لگاری اتحاد اسلامی
مجاهدین افغانستان در لغمان ،
میافزاید که طی چند ماه گذشته

سال جاری نقاط ذیل از طرف
مجاهدین لغمان فتح شده است :

- ۱ - پوستانه ده بلخ
- ۲ - پوستانه کراوو
- ۳ - اولسوالی قرغدی
- ۴ - پوستانه پل تگری
- ۵ - اولسوالی الیشنگ
- ۶ - پوستانه مند راور
- ۷ - پوستانه کج

وهم چنان گزارش شده
است که مجاهدین قهرمان ده
زیات هنگام شکستن یک محاصره
از طرف شب هنگام هجده نفر از
کمونستانها را مردار و چهل نفر
آنها را به اسارت گرفته اند -
منبع علاوه میکند که اولسوالی
الینگار همین حالا زیر محاصره
مجاهدین جان بر کف است و
حلقه محاصره لحظه به لحظه بر
کمونستانها تنگتر شده میروند.

غنائمی که از ناحیه فتح این
پوستانه های دشمن به دست
مجاهدین قهرمان افتاده است
تعداد سلاح خفیه آن از ۳۰۰

میل کلاشینکوف و سلاحهای
مختلف النوع تجاوز میکند و
اندازه مهمات آن خیلی زیاد است.
کاپیسا :

مجاهدین حوزه مرکزی
ولایت پروان مربوط به اتحاد
اسلامی مجاهدین افغانستان در

ماه گذشته با حمله به یک پوستانه
اشغالگران روسی در ولسوالی
جبل السراج توانسته اند که (۵)
نفر سربازان و (۹) نفر افراد
کارملی را هلاک و سه قبضه
سلاح با یک مقدار اسلحه و
مهمات به غنیمت بگیرند.

یک راهپو دیگر حاکمیت
که مجاهدین جان بر کف یک ماه
قبل در یک دو گیری بایک ستون
نظامی روسها در حصه پل
دو دستگیر تانک روسی با سر
نشینان آن ازین برده و از اثرمین
گزارای مجاهدین در حصه بگرام
سه عراده تانک قوای روس
منفجر و سر بشینان آنها به
قتل رسیدند.

به اساس اخبار واصله نیرو
های تجاوز گران روس با ادامه
اعمال جنايتکارانه و وحشیانه
خویش درین اواخر یک بار دیگر
مناطق عبدالله برج قلعه پهلوان
کوه و دیگر مناطق مربوط کاپیسا
را تحت گلوله باری او بوس

هاوان ، توپ های (۷۰) صحرا
بمباران طیارات قرار داده یک
تعداد زیاد اطفال زنان و ریش
سفیدن به درجه عالی شهادت
نایل گردیدند.

گفته شده که از اثر
بمباران بی رحمانه روسها ده ها



در بند حویلی مسکونی مردمی در دفاع آن مناطق تخریب شدند. جوز جان : سپاهیان اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان بتاریخ ۱۳۶۲-۸-۲۹ سه دستگاه تانک زرهدار دشمن را منهدم و چهار نفر افراد کارملی با سه میل پاپشه یک میل کلاشینکوف یک میل یازده تیره و یک اندازه

مراسی به قهر مازان راه حق یک جا شدند این جنگ وقتی صورت گرفت که جانبازان اسلام در ولسوالی اقچه بالای پوسته ملحدین حمله شجاعانه نموده در نتیجه پوسته مذکور را توسط راکت از بین برده و چهار نفر افراد با سلاح شان به مجاهدین راه حق پیوستند.

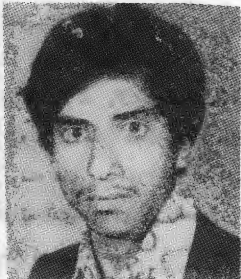
از ولایت جوزجان گزارش رسیده است که جانبازان اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان در ولسوالی فکجک در ماه گذشته بالای پوسته ملحدین در حصه

دحضرت محمد «ص»

حذیفه بن الیمان به دخرما حاصلات لیکل او زید بن ثابت به پادشهانو ته خطونه لیکل دغه ځانگی او شعبی ځنی په ابتدای او بسیط شکل سره موجودی وی داسی چی د وستیو منظمو پر مختللیو دفترونو - ځانگی او شعبی زوی (تخم) یی گڼی شو او ځینی نور په منظم ډول سره موجود

کلاشینکوف یک میل ماشیندار (اوه، دی، پی) یک ماشیندار برنو هفت صد انفلاق گرت دستی و یک مقدار مهمات را به جان برکفان اسلام تسلیم نمودند.

واقعه چنین صورت گرفته است که مجاهدین قهرمان ده روز مسلسل ولسوالی مذکور را تحت محاصره قرار داده بودند افراد مذکور از توس و بیم جان دادن در سنگر الحاد با مجاهدین تماس گرفته تسلیم شدند.



شاهد علی محمد د علی جان زوی د هلمند ولایت دناد علی ولسوالی اوسیدونکی ږبه ۱۳۶۱-۲-۲۱ هـ ش کال د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

(اِنَّ اللهَ وَاٰلِهٖ رَاجِعُونَ)

ؤ د یوه غوره مثالی او اوچت اداري نظام انځور موږ له هجرت نه وروسته د نوي جوړ شوي اسلامي دولت په هنداره کي ليدلای شو که څه هم ځيني ځانگي په ابتدايي شکل سره وي خو هغه په خپل ځای د راتلونکو منظمو ځانگو مقدمه او بنسټ و .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناكثاً
لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله (ص) ' يعمل
فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغتر علیه بفعل
ولا قول كان علی الله ان یدخله مدخله .

(حدیث)

ترجمہ : ہر کس سلطان جائری را ببند کہ حرامهای خدا (ج) را حلال
میشمارد و پیمان خدا (ج) را نقض میکند و با سنت پیغمبر صلی الله
علیه وسلم مخالفت میورزد و در میان بندگان خدا (ج) با گناه و تجاوز
رفتار میکند و با فعل یا قول برا و اعتراض نکند بر خدا (ج) است کہ این
شخص را همانجا ببرد کہ ظالم را میبرد .

حق الاشتراک

در داخل سالانہ ۳۶ روپیہ
شش ماہہ ۱۸ روپیہ

حق الاشتراک در خارج

سالانہ ۱۲ دالر

شش ماہہ ۶ دالر

پتہ : د افغانستان د

مجاہدینو اسلامی اتحاد

فرہنگی کمیټہ د

نشراتو آمریت ' د

شہید پیغام د مجلی

مدیریت . پوست بکس

۱۸۵ پاکستان پشینور

آدرس ہانکی : الائیڈ ہانک . پاکستان - پشاور - سٹیج آباد برانچ (نمبر ۳۷۱)



بازتاب هجوم شهسای مادر تالار ملل متحد

سازمان جهانی ملل متحد چگونه بتواند در ملل سال افغانستان سهم بگیرد؟

دکتور محمد ظاهر صدیق

روسهای وحشی را به قلمروهای آسیای میانه، به مناطق شمالی تا انتهای شرق آسیا، به قلمروهای اروپای شرق و درین اواخر به قلمروهای افریقا و امریکای لاتین از نظرها پنهان کنند. این اغواگران کهنه کار و این شیادان عصر در هر اجتماع، در هر کنفرانس و در هر اجلاس جهانی پیشنهاداتی گویا برای دفاع از صلح، برای دفاع از آزادی، برای حمایت از همکاری و برای پشتیبانی از استقرار اوضاع و امنیت در جهان ارائه میداشتند و در سالهای اخیر بار بار کاری تمام چنین ادعا میکردند که گویا یک صد و ده پلان و پیشنهاد صلح و همکاری را در ملل متحد ارائه داشته اند و همزمان با ارائه پیشنهادات فربکارانه خویش، سردمداران کرمین چهره های دست نشاندۀ خود را و ادار می ساختند تا در ملل متحد و در دیگر کنفرانس ها و نشست های جهانی و منطقه ای، اتحاد شوروی را به دروغ کشور صلح و همکاری و کشور به غلط شوراهای عنوان دهند و سردمداران آن از جمله بریژنف یا این جلد قرن را شاسیون صلح (۱۹) نام دهند.

اثرات جهانی جهاد ما :

اما هجوم وحشیانه روسهای وحشی به افغانستان و آغاز کشتار بیرحمانه آنان در خاک ما بیکبارگی نقاب کذب و ریا را از چهره کثیف سردمداران کرمین فرو افکند و چهره روسهای وحشی و تجاوزگر بهمان شکل اولی در برابر انظار جهانیان قرار گرفت

در جریان چهار سال گذشته چهار بار تالار سازمان جهانی ملل متحد شاهد بیانات پرشور و مباحثات هیجان آور بوده است، این بیانات و این مباحثات مربوط میشد به مسأله افغانستان، مسأله هجوم قوای اشغالگر روس به افغانستان، موضوع کشتار بیرحمانه جوانان و کتله های عظیم مردم بی دفاع ما بدست روسهای وطنی و ویران شدن بیرحمانه میهن ما بدست نیروهای انسان دشمن روس.

توطئه و تلاش مذبحخانه سردمداران کرمین برای مطرح نشدن موضوع افغانستان در ملل متحد نه تنها بجای نرسید، بلکه سلسله بیانات و جریان مباحثات، مشت روسهای خونخوار را بیشتر کشود و دشمنی آنها را در برابر انسانیت، در برابر دیانت، در برابر آزادی و در برابر کرامت و ارزشهای والای انسانی آشکار ساخت.

ریا کاری روسهای تزاری :

تا هنگام هجوم وحشیانه بخاک ما، همیشه روسها پرده ریا به چهره انداخته و می داد میزدند که صلح میخواهند، طرفدار آزادی ملل اند، دیانت و ارزشهای دیگران را حرمت میگذارند، دوست صمیمی کشور های نو خاسته و مددگار راستین کشور های عقب مانده اند. این ادعاها هم بیشتر از جهتی عنوان میشد تا جریان هجوم و اشغالگری

را تعیین و در فضای آزاد در بهترین خویش زندگی کنند.

اگرچه هر بار این صدا و این فیصله از طرف روسیه تجاوزگر ناشنیده مانده، اما بهر صورت محکومیت سرتاسری جهان، بیدماغان کرملین را گیج ساخته و آنها را متوجه این حقیقت گردانیده است که نمیشود چنگل جهانکشایی خود را در قلمرو مسلمان و آزاده افغانستان فروبرند و احساس آزادی دوستی و دیانت شعاری مردم قهرمان ما را پامال سازند.

روسها ضربه میخورند:

جریان جهاد مسلحانه و گرم مردم قهرمان ما در برابر روسهای وحشی و محکومیت پیگیر کرملین در تمام حلقه های بین المللی، بالاخره روسها را نه تنها در میدان نبرد بزانو در آورد بلکه در صحنه جهانی هم محکوم شده و در انزوای تمام قرار گرفتند. ضربه های کاری و پیهم مجاهدین قهرمان ما بر جسد گندیده ترازهای روس، مردمان در بند کشیده را در قلمروهای تحت تسلط و استبداد روس و ادار به قسام و طغیان کرد؛ مردم پولیند بخصوص کارگران و حلقه های کلیسای آن همه بیک صدا علیه استبداد روس و استبداد رژیم هوا خواه کرملین در میهن شان به پا شدند، حلقه های آزادیخواه در آلمان شرقی تحت اشغال علیه فرمانروایی وحشیانه روس به حرکت آمدند، در چکوسلواکیا آزادیخواهان نهضت اصلاح طلبی پانزده سال قبل و در نهایت بیرون شدن از حیطه تسلط تزارهای سرخ را از سر گرفتند، موجودیت ساتور استبداد روس حلقه های وطن دوست بلغاریا و مجارستان را نیز توانست آرام نگذارد، در رومانی و یوگوسلاویا احساسات ضد روسی و داشتن موقف مستقل از کرملین اوج گرفت. در قلمروهای دیگر تحت تسلط روس در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین،

و آنهایی که اندک هم فریب حرافی و یافه گویی روسها را خورده بودند، بخود آمده دانستند در عقب این چهره دروغین صلح طلب، آزادی دوست و همکار کشورهای عقب مانده، چهره کثیف و انسان دشمن قرارداد که نباید فریب آنرا خورد و به آن مجال داد که باز هم پلانه های شوم جهانگیری خود را دنبال کند.

جریان چهار سال مبارزه قهرمانانه مردم مسلمان افغانستان در برابر روسهای اشغالگر، در انتظار قرارداد کشتارهای وحشیانه آن در میهن ما، ویران ساختن اکثریت کامل شهرها، قصبیات و آبادیهای وطن ما بدست نیروهای وحشی آب و آواره سازی میلیون ها هموطن بیدفاع ما از طرف بلشویکهای خدا ناشناس، اینک بشریت هوا خواه دیانت و کرامت انسان، آزادی و همکاری را بر آن وداشته تا متوجه آینده خود و مصیبت عظیمی شوند که از ناحیه هجوم و بربریت روسهای انسان دشمن در برابر مردمان مؤمن و آزادی دوست جهان قرارداد.

حمایت جهانی از جهاد ما:

سال بسال تعداد بیشتر ملل جهان در سازمان ملل متحد در صف حامیان حقوق، دیانت و آزادی مردم مسلمان افغانستان ایستادند و هر بار چند حلقه محدود فروخته شده و دست نشانده ببحث نماینده نامنایند حکومت نصب شده اروپای شرقی و بعضی رژیمهای مزدور در آمریکا و آفریقا که تعداد شان از شمار انگشت هم بالا نمیرفت، بیک صدا از اجاره داران کرملین خواستند که بدون قید و شرط قوای وحشی و تجاوزگر خود را از خاک افغانستان خارج سازند، مردم مسلمان افغانستان خود سرنوشت خویش را بدست گیرند، مهاجرین افغانی با آبرو و عزت تمام دوباره روانه دیار خود گردند و باین صورت افغانان حق داشته باشند خود سرنوشت خود

جهاد پیروزمند مردم مسلمان افغانستان این روحیه را تقویت بخشید که روسها در تلاش بسط تسلط خود اند نه در صدد حایه حقوق دیگران. در بین ملل تحت تسلط آسیای میانه روسیه احساس آزادیخواهی و پیروی از احکام الهی روز تا روز اوج گرفت. مردم استبداد پسند روس که همیشه وسیله دست تجاوزگران و مزرعه کشت دغا بازان و انسان کشان جهان چون دیوان مخوف، لینن کثیف و برژنیل جلاط بوده اند، هر روز با مشاهده جسد های کثیف فرزندان ناخلف خویش بدست مجاهدین قهرمان افغان احساس شرمساری کردند، این همه جریانات که در مجموع نتیجه در هم شکستن طلسم شکست ناپذیری تجاوزگران روسیه سرخ بدست مجاهدین افغان و با اثر گذاری این قیام بر حق بر جریانات جهان بود، سردمداران کرملین را و ادشت باین که بالاخره خلاف خواست شان برای بار اول بعد از نیم قرن جهانکشی و انسان کشی به این موضوع تن در دهند که با افغانهای مؤمن و قهرمان نمیشود بالشکر کشی و جنگ رویارویی پیروز شد، بلکه باید برای نجات از گرداب و شکستی بمذاکره تن در داد همان بود که در برابر ابتکار ملل متحد برای (حل سیاسی مسأله افغانستان) به توافق سرشوراند و ملل متحد نیز بحیث بزرگترین قانون جهانی برای دفاع از صلح و آزادی ملل خود را مطابق منشور خویش مکلف یافت که بیشتر ازین خاموش نشستن در برابر کشتار بیرحمانه روسها و ویران شدن شین وسیع این کشور نو آغاز بدست قوای مهاجم روس در واقع تسلیم شدن است به قدرت انسان دشمن جهان یا کرملین نشینان ملحد.

مکلفیت های اساسی ملل متحد:

سازمان جهانی ملل متحد با داشتن مسؤولیت عظیم در برابر مردم مسلمان، آزاده و در عین حال

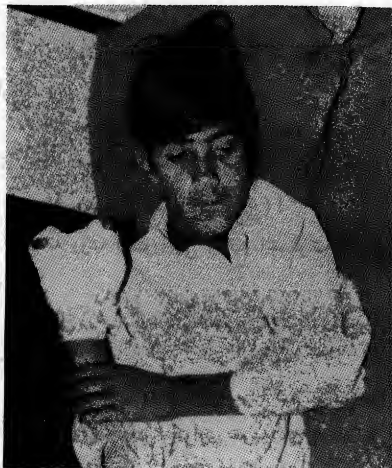
بیدفاع افغانستان و برخوردار بودن از حمایت اخلاقی جهان نمیتواند در زمینه خاموشی اختیار کند. لذا با احساس همین مسؤولیت بود که سرافشایی ملل متحد معاون خویش کور دویز را موظف ساخت تا جهت دریافت راه حل برای مشکل افغانستان دست به اقدام شود. تا حال نماینده ملل متحد دو بار در منطقه ماموریت های برای این منظور انجام داده اما این روسیه تزاری است که در برابر موفقیت این ماموریت ها سنگ اندازی می کند، در قدم اول با آنکه روسیه خود به افغانستان تجاوز کرده و محکوم همه بشریت است، لیکن موضوع هجوم خود به افغانستان را (مسأله اطراف افغانستان) عنوان می کند، ثانیاً چنان نشان میدهد که گویا دست های شان تا آرنج به خون شهدای ما فرو نرفته است، ثالثاً خولریزهای موجوده افغانستان را نه بخود بلکه به آتهای نسبت میدهد که از حقوق مردم مسلمان افغانستان دفاع می کنند و پیشرفته تر اینکه میگوید با رژیم دست نشاندۀ در کابل تماس مستقیم حاصل شود، در حالیکه خود میدانند این رژیم مشکل است از شستی جاسوس و وطن فروش و میهن اسلامی و آزاده ما موجودیت آنها را در دامان پاک خویش تنگ میداند.

این یک واقعیت روشن است که در سئاله افغانستان در یک طرف روسهای تجاوزگر و انسانکش قرار دارد و در جانب دیگر مجاهدین قهرمان و یا وارثان دیانت، آزادی و خونهای ریخته شهدای گلگون کفن ما.

راه حل اساسی معضله:

لذا در حل معضله افغانستان و یا در واقعیت تجاوز و سلسله کشتار بیرحمانه روسها در کشور ما پایان یافته میتواند که در حل معضله یک جانب مجاهدین قهرمان ما بحیث جانب برحق و در طرف

سرمشی ملل متحد به ماموریت خویش برای حل مسأله افغانستان در منطقه شروع می‌کند. امید است درین ماموریت خواسته‌های مردم شهید پرور ما در نظر باشد و باینصورت به یگانه راه حل موضوع موافقه حاصل شود که آن عبارت است از خروج بدون قید و شرط قوای مهاجم روس از افغانستان، استقرار یک حکومت اسلامی در کشور، بازگشت ابرومندانه تمام مهاجرین به خانه‌های شان و چیران عادلانه این همه کشتارهای وحشیانه و ویرانی‌های بی‌مثل که همه بدست قوای وحشی روس صورت گرفته است. در غیر آن مردم مسلمان افغانستان به تصمیم اولی خویش پایدار و استوار اند که آن ادامه جهاد مسلحانه تا خروج آخرین عسکر روس از افغانستان میباشد. ما به پیروزی خود درین راه در یک صف و از یک سنگر ایمان کامل داریم.



دست این نوجوان معصوم گراهی میدهد که
چکسی دورا به این حال رسانده
رسنت . . .

دیگر روسهای اشغالگر بحیث جانب مهاجم قرارگیرند و تمام مساعی ملل متحد نیز تمرکز بر همین موضوع و دریافت راه حل بین همین دو طرف باشد. زیرا این حقیقت برای همه چون آفتاب روشن است که روسها بعد از زمینه سازیها به افغانستان هجوم آوردند و یک شست فروخته شده‌ها را در خدمت گرفتند، همچنان این مجاهدین اند که بحیث نیروی مقاومت در برابر تجاوزگران روس قراردادند و با ضربات کاری خویش به مسکوحالی ساختند که به هیچصورت نمیتواند یک شست فروخته شده را بر مردم ما تحمیل کند.

در عین حال در هرگونه تماس و مباحثه روی مسأله افغانستان این حقایق تلخ و جانسوز در صدر مسأیل قرار داشته باشد که روسها تا حال اضافه از یک میلیون نفر از جوانان، کودکان و مردم بی‌دفاع ما را شهید ساخته اند، در حدود پنج میلیون نفر ما را آواره و بی‌خانمان ساخته اند، اضافه از هشتاد فیصد آبادی، مزارع و مناطق سرسبز ما را ویران و آتش زده اند و بیشتر از شصت فیصد مواشی ما را از بین برده اند. این‌ها همه جنایاتی است که روسهای وحشی مرتکب آن شده اند و انعکاس خون شهدای ما، ناله‌های جانسوز مادران داغ‌دیده ما و گریه‌های رقت انگیز یتیمان ما همین اکنون در تالار بزرگ ملل متحد، در همه مجامع بین‌المللی و در هر جا که حب انسانی و احساس آزادیخواهی موجود است با درخشش تمام انعکاس دارد.

ما از بشریت در زمینه حکم عدالت و رسیدن به حق را می‌خواهیم و بهترین مرجع این دادخواهی و به سطح جهانی سازمان ملل متحد است.

قرار اعلامیه کنفرانس عالی "کاسا بلانکا" که اخیراً به اشتراک سران تمام کشورهای اسلامی دایر گردیده بود، اینک در ماه اپریل باز کوردوویز معاون

برکتی پسی

ژباړن : محمد آصف «صمیم»

دژان، بازار ته روان شول . په لاری د پیغمبر سترګی
پریوی وینځی ولګیدی ، چی ژړل یی ، ورنژدی شو
او ویی پوښتنه .
«ولی ژاړی ؟»

«د کور میرمنی می د بازار د سودا لپاره
څلور درهمه را کړی وو ، پوه نه شوم خورانه ورکې
شوی ، اوس زړه نه شم کولی چی کورته ستنه شم» .
رسول الله علیه السلام له هغو دولسو درهمونه
څلور درهمه ورکړل ، او ورته ویی ویل : «هرڅه
چی دی پری اخستل وایي خله او کورته لاره شه» .
پخپله بازار ته روان شو او په څلور درهمه یی
یو کمیس واخیست او وایي غوست .

په راستنیدوکی یی یو برنښه ولیده ، کمیس یی
له واره واست او هغه برنښه ته یی ورکړ .
بیا بازار ته لاړ او په څلور درهمه یی بل کمیس
واخیست او وایي غوست ، کورته را روان شو .
په لارکی یی بیا هماغه وینځه ولیده ، چی هکه
پکه خواشینی ناسته ده ، ورته ویی ویل !

«ولی کورته نه یی تللی ؟»

«یا رسول الله ، ډیره وختلیدم وبریږم چی
وبه می وهي» .

پیغمبر اکرم (ﷺ) حضرت علی کرم الله وجهه
بازار ته په یوه کمیس پسی ولیږه . هغه لار او په
دولس درهمه یی یو کمیس واخیست ، رسول الله (ﷺ)
تری پوښتنه وکړه :

«دادی په څو واخیست ؟»

«په دولس درهمه» .
«دا خوسی خوښ نه شو که له دی نه لږ
ارزانه وي .
دکاندار به د معاملی له سره کیدو ته غاړه
کېږدي ؟»

«نه پوهیږم یا رسول الله (ﷺ) !
ته ورشه وگوره چی بیرته اخستو ته غاړه
ږدي ؟»

علی (رض) کمیس له ځان سره واخیست
بازار ته لاړ .

دکاندار ته یی وویل : پیغمبر اکرم (ﷺ) لدی
نه یو ارزانت کمیس غواړي خوښه دی نه ده چی
دا کمیس واخلي او پسی بیرته را کړی ؟»

دکاندار ومنله . علی (رض) پسی را واخستی
او پیغمبر اکرم (ﷺ) ته ورغی .

داخل رسول الله (ﷺ) او حضرت علی (رض)

جی تاسو یی! .

- «زویاسو ولی خواب وځنډاوه؟»

- «یا رسول الله (ﷺ) پر مونږ ستا سلام ښه

لگیده چی بیا بیایي واورو، ستا سلام زمونږ کورته
فیض او برکت دی.»

رسول الله: «ستاسی داوینځه ځنډیدلی ده، زه

ورسره راغلی یم، غواړم چی څه ورته ونه وایي!»

- «یا رسول الله ستاسو د مبارک راتگ په خاطر
می له همدی شبی نه آزاده کړه.»

پیغمبر اکرم وفرمایي! «شکر دی خدایه! څه

برکتی دوسل درهمه وو، دوه پری برېښه پټ شول،

او یوه پری وینځه آزاده شوه»^(۱).

۱- بحار الانوار- شپږم ټوک «مکارم الاخلاق» باب

- «څه چی څو» کور دی راوښه، زه به ښځگړی

شم چی څه درته ونه وایي.

رسول اکرم له وینځی سره روان شو څه توتیه

چی لاپل وینځی وویل! «دا کور دی» رسول اکرم

دوره له شانه په لوړ آواز وویل!

«د کور خلکو السلام علیکم».

خواب وانه وریدل شو، بیایي سلام وکړ.

خواب یی وانه ورید، دریم ځل یی سلام وکړ. سلام

را غبرگ شو.

«السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته یا رسول الله!»

رسول الله: ولی مولوسړی خواب رانکړ؟

زما آواز مونه اوریده؟

- «ولی مو وانه وریده، لوسړی غړمو وپیژانده

یکی از خطبه های فاروق اعظم (رض) به زیر

دستانش:

آگاه باشید من شما را امیر و سخت گیر مقرر

نکرده ام، بلکه امام هدایت مقرر کرده ام که

مردم پیروی شما بکنند، شما را باید که حقوق

مردم را ادا کنید و آنها را زود کوب نکنید که

ذلیل میشوند و تعریف بیجا هم نکنید که در مغالطه

مبتلا نشوند و در های خود را بروی داد خواهان

مبندید که زیر دستان زیر دستان را نخورند و خود

را در هیچ امر بر آنها ترجیح ندهید که درین

صورت بر آنها جفا روا داشتن است.

نگاهی بر علل سقوط حکومت اسلامی در اندلس

اسلامی و حقیقی درخشا قرآن را با فلسفه‌های بیگانه و افکار دیگران عوض کردند، دوران بدبختی و سیاه‌روزی مسلمانان شروع گردید، بهر اندازه‌ی که از دین فاصله گرفتند، بهمان اندازه از عزت، سعادت، فلاح و کامیابی دور شدند.

علامه طنطاوی (رحمة الله علیه) این نکته را واضح ساخته است که انحطاط مسلمین و ترقی اروپا از یک نقطه شروع شده، و آن اعراض از دین است، ما مسلمین از دینیکه سعادت بخش بود رو گردانیدیم و از وراثت آن اوهام و خرافاتی که بنام دین پذیرفته بودند دست باز داشته و از همان دستورات عالی اسلام که مسلمین را به حرکت، ترقی و تکامل رسانده بود استفاده کردند از خواب‌گران بیدار شدند و جلو رفتند.

اینک به علل و عواملیکه باعث شکست مسلمین و سقوط حکومت اسلامی در اندلس گردید می‌پردازیم: مسلمانان اسپانیا و اندلس از روزیکه از مسیر عمل بقوانین اسلام دور شدند، صمیمیت و اخوت دینی آنها نابود گردید، اتفاق و شقاق درین زمانداران مرکزی و ایالت‌های کشور اسلامی ایجاد شد، زمانداران در عیاشی و بی‌بند و باری قدم گذاردند و اکثریت بی‌اراده و متزلزل ملت هم‌که در هر حال پیرو زمانداران خود بودند، از آنها پیروی نمودند، نتیجتاً روحیه شجاعت و سلحشوری از سربازان مسلمان رخت برپست و تجمعات فریبنده، دولت و ملت مسلمان

آنچه همه برآن اتفاق داریم اینست که هیچ مسلمان با دینی نیست که تاریخ درخشان اسلام و گذشته پرافتخار و تمدن خیره‌کننده مسلمین را بخاطر آورد و اوضاع رقت انگیز و فلاکت بار مسلمان‌های امروز را نظر کند، متأثر نشود و یکبار دیگر آن سیادت و بهروزی را که مسلمین با آنکا به نیروی ایمان و امثال از آیین زندگیز اسلام بدست آورده بودند، آرزو نکند و در پی تجدید مجد و عظمت گذشته جهان اسلام نشود.

آری! تمدن باشکوه اسلام با فتوحات برق آسایش در مدت کمی از یک قرن قسمت بزرگی از آسیا و افریقا را فرا گرفت بزرگترین امپراتوری‌های زمان مثل روم و فارس در برابر عظمت مسلمین وقت بزانو درآمد، و سقوط کردند، و حتی مسلمانان از آبنای جبل الطارق گذشته اندلس آفرور (اسپانیا و پرتگال امروز) را فتح و بدین اسلام مشرف ساختند و چنان تمدن پر شکوهی را در آنجا بنا کردند که اندلس آفرور چه از نگاه دانش، دانشگاه‌ها، مراکز تربیتی و تعلیمی، صنعتی، ثقافتی و هنری و هم در بخش زندگی اجتماعی و معاشرتی پیش رفته‌ترین نقطه اروپا به شامی رفت.

ولی با تأسف باید گفت علت بدبختی و سیاه‌روزی مسلمانان آفرور را همانند مسلمین امروز تنها در ترک عمل بقوانین اسلام و پیروی از بیگانگان جستجو باید کرد؛ از روزیکه اندیشه‌های گرانها و اخیل

اندلس را بخود مشغول ساخت ، در چنین روزگار عزت و سیادت مسلمین بسر رسید . داکتر گوستا و لویون در کتاب تمدن اسلام و عرب از قول یک مؤرخ عرب مینویسد : "هنگامیکه سربازان مسلمان بطرف کشور فرانسه حمله برده بودند ، عده ای از افسران ارتش فرانسه به نزد شارل پادشاه فرانسه رفته از مسلمین شکایت کردند و اظهار داشتند : چقدر شرم آور است مردمی که حتی اسلحه و آلات جنگ آنها ناقص و افسران آنها دارای لباس نظامی نیستند بر نیروی کشوری که اسلحه وی کامل است غالب آیند ؟ شارل پادشاه فرانسه در جواب چنین گفت : "بگذارید مسلمانها جلو بروند ، زیرا آنها اکنون در شدت جوش و خروشند مانند سیل هر مانعی را از سر راه باخود برداشته و باخود می برند ، لیکن بعد از

پاسخ ایشان چنین گفت که : نمیتوان مسلمانها را بزور شمشیر و نیروی سرباز از اندلس بیرون کرد . زمامداران مسیحی گفتند ، پس برای اخراج آنها چه باید کرد ؟

براق خیانتکار برای ایشان چنین مشوره داد : در مرحله اول دین مسیح را در بین مسلمان ها رواج دهید ، اگرچه این موضوع باعث نخواهد شد که مسلمانی به دین مسیح روی آورد ، لیکن این فایده را دارد که جوانان مسلمان را در دین شان لا ابالی و متزلزل میسازد ، در مرحله دوم امتیاز باز کردن مدارس مجانی را در بین کشور مسلمین از دولت آنها بگیرید ، در مرحله سوم روابط تجاری خود را با مسلمین توسعه دهید ، تا بدین وسیله در اثر رفت و آمد زیاد با آنان ، هم روحیه دینی آنها را ضعیف

حکومت اسلامی هنگامی تحقق می یابد که
قانون اجرا شود و افکار و مبادی اسلام حکومت
کند و اصول و نظاماتش حکومت و شکل اجتماع
را تعیین کند همه حرف همین است
استاد سید قطب شهید (رح)

سازید و هم مشروبات الکلی را در بین آنان رواج دهید و آنها را به نوشیدن آن معتاد سازید ، در صورت تحقق آنها ، کار لشکری مسلمین ازهم خواهد پاشید و بزودی بر آنها مسلط خواهید شد .

زمامداران مسیحی که از روحیه مسلمین سخت بیضناک بودند ، با شنیدن رهنمایی های براق خاين فردای آنروز صلحنامه یی به انضمام آن سه عملی که براق دستور داده بود نوشته و برای مالک بن عباده حاکم کل اندلس فرستادند !!! مالک بن عباده که خود را برای جنگ با ملل اروپا بی آماده میکرد ، با

آنکه غنایم زیاد بدست آوردند و در خانه های خوب به تن آسای و تنعم مشغول شدند و زمامداران آنها پدام هوی و هوس گرفتار آمدند و حتی در افراد مسلمان این هو سرانی سرایت کرد ، دچار اختلالات داخلی گردیدند ، آن وقت است که مایه آنها حمله برده یقیناً غالب خواهیم آمد ."

روزی زمامداران مسیحی به براق بن عمار سردار خاين مسلمین گفتند در نقشه یی که برای اخراج مسلمین از خاک اندلس طرح می کنیم بما مساعدت و کمک نما . براق افسر خاين مسلمین در

مستشاران مسیحی روحیه سلطنتی خود را از دست دادند، و خلاصه تمام این علل و عوامل دست بدست هم داده حالات ذیل را برای مسلمانان ایجاد کردند.۴-

شراپخوری در این عموم مخصوصاً در این جوانان و محاصره به نشانه تجد و روشفکری!!! علناً رواج یافت، علاوه ازین جوانان شرابی پدران خود را حقیر شمرده و آنها را دور از تمدن و مرتجع خواندند. مسجد در انحصار پیر مردان قرار گرفت، و جوانان را با مسجد و نماز سروکاری نبود، دختران نیمه عریان اروپایی طوری وظیفه شان را انجام میدادند که نتیجتاً بسیاری از جوانان مسلمان تا نیمه شب ها در هوتل ها و رقص خانه ها که جای آمدن دختران اروپایی بود، بسر می بردند.

بصورت عموم خوش گذرانی و عیاشی درین مردم شیوع یافت و هم رقابت در تجملات زندگی شروع شد، عایدات مشروع که نمیتوانست این همه تجملات را پوره آکنده باشد، در نتیجه ماسورین و عمال دولت شروع به رشوه خواری و اختلاس نمودند.

شموترانی و عیاشی درین مردم مخصوصاً زمامداران تاحدی بالا گرفت که معتصم بن صباح حاکم ایالتی الماریا (یکی از ایالت های کشور اسلامی اندلس) عاشق یک دختر نصرانی شد و خواست با تهدید او را از پدرش برباید، آن دختر به جندل بن محمود حاکم ایالت اشبیلیه (یکی دیگر از ایالت های کشور اسلامی اندلس) پناهده شده چندان که از مدت ها قبل از طرف زمامداران مسیحی در صورت همکاری اش با آنان وعده فرمائروای کل اندلس باو داده شده بود. زمامداران مسیحی کمک نظامی خواست، مسیحیون که در انتظار چنین روزی لحظه شماری میکردند، لشکر مجهزی به کمک جندل فرستادند و معتصم را بقتل رساندند.

دریافت پیشنهاد صلح، اسرای خود را احضار و در مورد پیشنهاد صلح و آن سه موضوع مندرج در صلح نامه با آنها به مشوره پرداخت، اسرای تن پرور و عیاش همگی به صلح رضایت دادند تنها درین آنها قیس بن مصعب اعلام مخالفت نمود، ولی چون در اقلیت بود به مخالفتش توجهی نشد و معاهده صلح با زمامداران مسیحی اروپایی بسته شد و در نتیجه تمام پلارن های مقدماتی زمامداران مسیحی پیاده شدن گرفت، و برای اولین مرتبه در کنار رودخانه "قرطبه" (پایتخت مملکت) باغ بزرگی بنام تفریحگاه عمومی احداث شد، که در آن همه روزه یک تعداد از دختران اروپایی را بغرض منحرف ساختن جوانان مسلمان بگردش میآوردند، اسراء و بزرگان مملکت و جوانان روزها بغرض تفریح و مخصوصاً دیدن دختران نیمه عریان اروپایی به آن باغ میرفتند، در قدم دوم مطابق پلان طرح شده مدارس از طرف مسیحیون احداث گردید، و در قدم سوم مشروبات الکلی از ممالک اروپایی به اندلس آورده میشد و در اختیار جوانان مسلمان قرار میگرفت و حتی یکی از کشیشان در یک سال تمام انگورهای قرطبه را پیش خرید کرد و همه آنها را شراب ساخت و سوگند یاد کرد که آن شراب ها را جز به دانشجویان مسلمان به کسی دیگر ندهد.

بغرض پیاده کردن هرچه سریعتر پلان های مسیحیون براق بن عار (همان افسر خاین که قبلاً نام بردیم) یکی از افسران مسیحی را بنام "شیل" باخود بنزد مالک بن عباده حاکم کل اندلس برد و مالک را واداشت بنام تعلیمات نظامی افسر مسیحی را وارد ارتش مسلمین نماید، حتی به او اجازه داد تا هرکس از افسران مسیحی که او انتخاب کند برای تعلیمات جنگی وارد ارتش مسلمین نماید. بالاخره سربازان مسلمان در اثر تماس با

خوشبختی نه که ملل اسلامی بعد از خواب طولانی و غفلت را بترجیح بیدار میشوند و در سراسر جهان اسلام تحولی که از روح عالی دین منشأ میگیرد، در جریان است که اثرات بارز آن مانند جهاد مسلحانه هفت ساله مردم مسلمان الجزایر و بزانو در آمدن استعمار فرانسه در آن مملکت، سقوط رژیم فاسد سلطنتی ایران و محکم شدن جمهوری اسلامی بجای آن، قیام حماسه آفرین و جهاد اسلامی مردم افغانستان که تاکنون بدادن بیش از یک میلیون شهید گلگون کفن و پنج میلیون مهاجر و آواره و ویران شدن تمام آبادی های آن سرزمین ادامه دارد و همه روزه درین راه به تعداد صدها و هزاران مردوزن آزاده و مسلمان قربانی میشوند، همه بحکم ایمان و تحقق حکومت قرآنی در زمین، و تغییر حالات و وضع خود ها از بدی بسوی نیکی است، و انشاء الله روزی فرا خواهد رسید که مسلمین یکبار دیگر خلافت اسلامی را برپا و مجد و عظمت و سیادت از دست رفته خود را دوباره بدست آرند «آمین»

و قصرش را ویران کردند. این واقعه اولین ضربتی بود که به اثر آن معاهده شوم و باز شدن بای بیگانگان به کشور اسلامی نصیب مسلمین گردیده مسیحیون مطابق پلان های طرح شده و منظم خویش بعد ازین واقعه عده از حکمرانان مسلمین را انطمیع و تعدادی را هم با فشار و تهدید و لشکر کشی از بین بردند و بالاخره زمانی که ایلدوفونس زمامدار مسیحی وارد قصر پادشاهی قرطبه گردید و تقریباً در حدود پنجاه دختر زیبا از دختران زمامداران اسلامی را بین افسران خود تقسیم نمود، مسجد جامع قرطبه را به خاک یکسان و کتاب خانه اسلامی قرطبه را که بیشتر از هشتاد هزار جلد کتاب در آن موجود بود آتش زد و ده ها هزار مسلمان را از دم تیغ گذشتاند.

این بود سرنوشت ملتی که خود شان حالات خود را از نیکی به بدی تبدیل کردند و خداوند مطابق حکم و سنت لا یتغیر خود «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم» وضع آنها را از عزت و شرافت به نکبت و پستی تبدیل کرد.





و لا تحزنوا لآل و قتلوا فی سبیل اللہ ما حللنا عندہم برزقونہ

شهید پیغام



د حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ

د زمانې لیکنې

شهرت ننگیال

کې به عبدالله رضی الله عنه د حضرت حدیثو نه لیکل
(صادقه) ؤ .

د قاضی عبدالبر (جامع البیان العلم) نومې
کتاب په ۷۷ مخ کې هم د دغه صادق نوم راغلی
او ذکر شوی دی .

یوځل رسول ﷺ امر ورکړ کومو خلکو چې
تر دې وخته اسلام منلی دي د هغو نومونه دي
ولیکل شي . او لکه چې د دغه حکم په اثر نومونه
لیکل پیل شو، نو د پنځلسو سوو اصحابونو مونه په
دفتر کې ولیکل شول (صحیح البخاری الجهاد) .

خطیب بغدادی په (تقشید العلم) کې دا روایت
هم کړیدی چې «هر کله به حضرت انس رضی الله عنه
ته ډیر خلک د احادیثو د اوريدو لپاره را غونډ
شول ، نو هغه به یوه مجموعه را وو یستله چې دا
هغه حدیثو نه دي چې ما د حضرت محمد ﷺ څخه
اوریدلي او لیکنې دي» .

زیاتره قبیلوته چې حضرت محمد ﷺ د صدقاتو
او زکات په هکله کوم حکمونه لېږلي . هغه هم
تحریري یعنی لیکنې ؤ ، او د احادیثو په کتابونو کې
کتب مټ را نقل شويدي . همدارنگه د هغه وخت
کومو پادشاهانو ته چې د بلنې په باب حضور ﷺ

د حضرت محمد ﷺ د بعثت د زمانې لیکنې

د صحیح البخاری په باب العلم کې د حضرت
ابو هریره دا قول دی چې «په اصحابو کې له ما څخه
چا ډیر حدیثو نه په یاد ندي ساتلي . البته عبدالله
بن عمر لدی څخه مستثنی دی ځکه چې هغه ډه
د حضور ﷺ حدیثونه لیکل او ما نه لیکل» .

په یوه بل روایت کې راغلی دی چې د حضرت
عبدالله بن عمر رضی الله عنه دا عادت ؤ چې څه
به یې له نبی ﷺ څخه اوریدل هغه به یې لیکل .
قریشو دی لدی کار څخه منع کړ او ورته ویي
ویل چې حضرت محمد ﷺ کله د قهر په محالت کې
وی او کله د خوشحالی په حالت کې او ته هر څه
لیکي ، د دغی وینا له مخې عبدالله بن عمر دا کار
پریښود او حضور ﷺ ته یې دغه واقعه بیان کړه .
محمد ﷺ خپلې مبارکې خولې ته اشاره کړه او ورته
ويي ویل چې «تاسې یې لیکنې څه چې لدغه خولې
څه را وخې حق را وخې» طبقات ابن سعد غزوه
بدره ۱ مخ خطیب بغدادی پخپله رساله (تقشید العلم)
کې روایت کړیدی چې د هغه حاشیې نوم چې په هغه

د کوم پېغامونه لېږلې دي هغه هم ليکلي شوي دي .
 د صحيح البخاري په باب (کتابة العلم) کې راغلي دي چې د مکی د فتحې په کال چې يوه خزاعي په حرم کې يو سړی و واژه پدغه وخت کې حضرت محمد ﷺ په يوه اوښه سپور شو او يوه وينا يې وکړه . د دغه خطبې له اورېدلو نه وروسته يو يعنی راغی او دا غوښتنه يې وکړه چې دا خطبه دې زما لپاره وليکل شي . د دغه شخص د غوښتنې په اثر حضرت محمد ﷺ حکم وکړ چې د دې شخص لپاره دې دغه خطبه وليکلې شي .

په يوه بل حديث کې راغلي دي «من ورخ مؤمنا فکانما احياء يعنی چا چې د يوه مومن تاريخ وليکلو گویا هغه يې ژوندی کړ» (کشف الظنون) لدې څخه په پوره او روښانه توګه څرګندېږي چې د حضور ﷺ په زمانه کې د ليک او کتابت لړۍ ښه پرمختلې او د اهميت وړ وه . او دده مبارک تر وفاته پورې زياته او غني ليکلي پانګه برباره کړې شوي وه چې په لاندې ډول ورته اشاره کېږي .

- ۱- هغه حديثونه چې حضرت عبدالله بن عمر يا حضرت علي يا حضرت انس او نورو صحابه رضي الله تعالى عنهم ليکلي ؤ
- ۲- هغه ليکلي شوي حکمونه ، معامدې ، پېغامونه او فرمانونه چې حضور ﷺ د قبيلو په نوم لېږلي ؤ .
- ۳- هغه خطونه چې حضور ﷺ د پادشاهانو او رئيسانو په نوم لېږلي ؤ .
- ۴- د حضور ﷺ ځنې خطبې (لکه چې هغه يې ته ليکل شوي وه)
- ۵- د پنځلسو صحابه ونومونه .
- ۶- د وحې ليکنه .
- ۷- دفتر او ديوان کې ليکلي شوي مکاتيب .

د حضرت محمد ﷺ د تعليمي لور او پاڅه سياست په برکت په ډير کم وخت کې په عربو کې تعليم او پوهه په ډيره چټکتيا سره خپره شوه ، او د ليک لوست زده کړې لمنه ډيره پراخه کړې شوه .

په مکه کې د بلې او دعوت له اعلان څخه وروسته د مسلمانانو خلاف ټول کفری ځواکونه را پورته شول او د پيغمبر ﷺ او مسلمانانو په آزار او اذيت يې لاس پورې کړ . څو حضور ﷺ يثرب (مدينې) ته د هجرت حکم صادر کړ (لدينه مخکې د نبوت په پنځم کال ځينو صحابه و حبشې ته هم هجرت کړې ؤ).

مدينې ته د حضور ﷺ په هجرت سره د مسلمانانو په تاريخ کې نوی پاڼه پرانستل شوه او د مسلمانانو له هجرت څخه يو کال نه ؤ تير شوی چې د نوي اسلامي دولت دستور العمل (قانون) (مدينې پيمان) وليکل شو . چې ځينو هغه د مسلمانانو او انصارو او ځينو د مسلمانانو او يهود و تر منځ بللې دي . او لدې سره جوخت مسلمانانو يو اداري تنظيم را منځ ته کړ . چې ديوان - دقرونه اوداسې نوري ځانګړي پکې شاملې دي .

د حضرت محمد ﷺ له هجرت نه وروسته د اسلامي دولت ليکنې ديوان او دفتر :

د عربو په اصطلاح کې ديوان هغه ځای ته ويلی شي چې په هغه کې کاتبان (ليکونکي) غونډ او ناست وي چې په اوسني اصطلاح د ليکونکو ټولنه ورته ويل کېږي او دفتر هغه دی چې د جنګياليو اهل عطا يعنی کسان چې د راکړې ورکړې خلک دي نوبونه ، سوانح او د کار او وظيفې مشخصات پکې ليکل شوي او درج وي .

د هغه ﷺ په زمانه کې په منظم ډول د ري

دفترونه او دیوانه و

اسلام یې ژبه خوځولی (اسلام یې را وړی دی) ماته
ولیکې نو موږ ورته د (ه.ن) تنو نومونه ولیکل .

همدارنگه د هغه کسانو نومونه لیکل کیدل چې
د جهاد لپاره به ټاکل کیدل په بخاری شریف کې راغلی
دی (ه.ن.) عن ابن عباس انه سمع النبی ﷺ
يقول :

لا یخلون رجل بأمرأة ولا تسافرون الا ومعها
محرم فقام رجل فقال : یا رسول الله اکتبت فی غزوة
کذا وکذا وامرتی حاجه .

له حضرت ابن عباس رضی الله عنه نه روایت
دی چې هغه او ریډلی چې نبی ﷺ و فرمایل خلوت
دی نه کوی (تنها کپړی دی نه) اجنبی سړی له
اجنبی ښځې سره او نه دی سفر کوی خودا چې
څوک محرم ورسره وی - یو سړی پاڅیده او ویي
ویل : ای رسوله : د فلانی او فلانی غزا لپاره
زمانوم ولیکل شو او ښځه می حج ته ځی لدی
څخه معلومیږی چې د عسکرو او لښکرو د
حضرت محمد ﷺ په ژوند کې موجود ؤ چې هلته
د عسکری اسور و په باب اجرات کیدل .

د خراج دفتر :

د حضور ﷺ ژوندګی د غنایمو او د دولت
د عایداتو ځانګړی دفتر ؤ چه نوموړی معاملات
پکې درج کیدل . هغه وخت د عایداتو یوازې
پنځه زریمې وی : غنیمت - فیه - زکات - جزیه
او خراج .

د دغه دفتر کاتب معقیب بن ابی فاطمه
الدوسی ؤ .

پدې کې د صدقاتو د راغونډولو وصول کوونکي
هم ؤ او د وی ته به یو فرمان ورکول کیده چې
په هغه کې به د مالونو اقسام او شمیر ښودل شوی
ؤ چې زکات به پکې مقرر ؤ - او دغه عاملان د دغه
فرمان په تعیمیل مؤظف ؤ - د دغه وظیفې د مامورینو

۱- دیوان الانشاء : د مکتوبو د لیکلو دفتر
(یا دار الانشاء) .

۲- دیوان العیش : د عسکرو د نومونو د ثبت
او د هغوی د خوراکي موادو او نورو مربوط
معاملاتو دفتر .

۳- دیوان الخراج والجبايه : د زکات ، بیت
المال صدقاتو او داسې نورو معاملاتو دفتر
لیدینه پرته ځنې نوری ځانګړی او شعبي هم په
ابتدائی او بسیط شکل سره موجودوی چې د خلفای
را شدينو په زمانه کې یې پراختیا پیدا کړه چې هغه
ته به هم اشاره وشي .

۱- دیوان الانشاء

د دیوان الانشاء په هکله قلشندی ویلي دي :
(انه اول دیوان وضع فی الاسلام و قدتم . وضعه فی
عهد النبی ﷺ)

(صبح الاعشى ۱-۱۹ مخ)

یعنی د انشاء دفتر لومړنی دفتر دی چې د اسلام
له ظهور و روسته منځ ته راغلی دی او پیغمبر ﷺ
په زمانه کې بشپړ شویدی .

۲- دیوان العیش :

په عمومي توګه خو نظر داسې دی چې دغه
دفتر او دیوان د حضرت عمر (رض) په زمانه کې منځ
ته راغلی دی څو ویلای شو چې په لومړني شکل سره
د حضرت محمد ﷺ په ژوند کې منځ ته راغلی او
د حضرت عمر رضی الله عنه د خلافت په وخت کې
وسعت او پراختیا پیدا کړیده .

په صحیح البخاری کې راغلی دی : عن
جذيفة رضى الله عنه قال قال النبی ﷺ اکتبوا لی
من تلتظ بالاسلام من الناس ! فکتبنا له خمسائة رجل)
له حذیفه رضی الله عنه څخه روایت دی چې حضرت
محمد ﷺ و فرمایل د هغو کسانو نومونه چې په

عنه ابی بکر بن حزم او عروه بن الزبیر رضی الله تعالی عنهم سره دغه مینوتونه موجود و (کتاب النبی واکتر مصطفی الاعظمی).

آرشیف:

د حضرت ابوبکر رضی الله عنه سره د صدقاتو په هکله مکاتیب محفوظ و او له حضرت عمر رضی الله عنه سره د هغو معاهدو مکتوبونه محفوظ و چی له ممتازو اشخاصونه وصول شوی و .

(کتاب النبی واکتر مصطفی الاعظمی)

دا خبره په پوره ډول څرګنده ده چی د وحی (قرانی ایتونو) د لیکو لپاره ځانګړی محل ټاکل شوی و - او همدارنګه د دولتی مراسلاتو د لیکلوځای هم معلوم و . . . عن ابن عباس قال کانت المصاحف لاتباع - کان الزجل یأتی بورقة عند النبی ﷺ فيقوم الرجل ويحسب فيكتب ثم يقوم آخر فيكتب حتى يفرغ من المصحف .

له ابن عباس رضی الله عنه څخه روایت دی : چی د رسول ﷺ په زمانه کی مصحفونه (قرآن کریم) نه پلورل کیدل ، چا به چی د رسول اکرم ﷺ حضور ته یوه پاڼه راوړه - نو کاتب به د ثواب ګټلو په هیله قرآن کریم لیکه بیا به بل کاتب پورته کیده او قرآن کریم به یی لیکه ترڅو به چی قرآن کریم ختم شو .

همدارنګه د وحی ایګونکی هم معلوم وو چی تر ځانګړی عنوان لاندی به پری بحث وشي . د نورو معاملاتو لیکونکی هم معلوم و

حضرت علی رضی الله عنه به معاهدی لیکلې مغیره بن شعبه به د دولتی حوایجو کتابت کاوه عبدالله بن ارقم به د خلکو د پورونو او عقودو کتابت کاوه

معقیب بن ابی فاطمه الدوسی به غنایم لیکل

پاتی ۴ ، « ۹۹ » ک

او عاملانو انتخاب به پخپله حضور ﷺ کاوه او هغه چا به چی پخپله د دغه وظیفی د ماموریت غوښتنه وکړه هغه به نه منل کیده .

د ترجمی ځانګه :

روی عبدالله بن حمید من طریق ثابت بن عبيد عن زيد بن ثابت قال : قال لي النبي ﷺ اني اكتب الى قوم فأخاف ان يزيد واعلى او ينقصوا فتعلم السريانية فتعلمتها في سبعة عشر يوماً ، قال (. . .) كتبت الى يهود واقر له اذا كتبوله .

(تاریخ کبیر بخاری)

(. . .) له زيد بن ثابت روایت دی چی حضور ﷺ ما ته وویل : زه (یره) قوم ته څه لیکل غواړم خو ویریدم چی زیاتوالی او کمښت پکی رانهولی نو ته سریانی ژبه زده کړه . زيد بن ثابت رضی الله عنه وای چی ما په (۱۷) ورځوکی دغه ژبه هومره زده کړه چی یهود و ته می په هغه ژبه خط لیکه او پیغمبر ﷺ ته می د هغوی لیک لوسته .

له نور و ځایونونه دواړه مکتوبونو ځواب:

حضور ﷺ حفظه بن الربیع بن المرقع لیکونکی ته امر وکړ چی د وارده خطونو (مکتوبونو) ځواب باید د دریو ورځو په موده کی تیار او ولیکل شی او لدی څخه زیات باید و نه ځنډیږی (کتاب النبی - الدكتور محمد مصطفی الاعظمی ۲۲ مخ) .

د مکتوبونو دیوی نسخی احتفاظ (مینوت ساتل) :

داکتر مصطفی الاعظمی په کتاب النبی کی لیکي : پدی هکله چی ټولو مکتوبونو مینوت ساتل کیده صریح او څرګند ثبوت نشته - خو دا ښکاره خبره ده چی ځینی مکتوبونه مینوت کیدل لکه د حدیبی د معاهدی لیکنه چی د وه نسخی وه چی یوه یی پیغمبر ﷺ سره وه او بله یی له سبیل سره ، همدارنګه د پیغمبر ﷺ د مختلفو مکتوبو بله نسخه (مینوت) له ځینو صحابه و لکه ابن عباس رضی الله

پلانهای

سخن‌داد فالز

استعماری صهیونیستها

کردید ، انگلیسها برخاستن بزرگ ترکیه (اتاترک) شرط گذاشت که انگلیسها خاک ترکیه را زمانی ترک خواهند گفت که شروط آتی تنفیذ شود :

الف : خلافت اسلامی الغاء گردد ، خلیفه از خاک ترکیه تبعید شود و دارائی آن بکلی مصادره گردد . .

ب : کشور ترکیه تعهد بپردازد که هرگونه حرکت و فعالیتیکه طرفداران خلافت ، آنرا برآه اندازند در نقطه خنثی سازند .

ج : ارتباط کشور ترکیه با اسلام بکلی از بین وین قطع گردد .

د : در ترکیه بعضی دستورهاییکه از سرچشمه احکام اسلام سیراب میگردد ، دستورهای ملغی مورد استفاده قرار گیرد . .

علاوه برآن ، محاکم شرعی از بین برود ، مدارس دینی جزء تاریخ و درکام نابودی درآید دروازه اوقاف مسدود گردد ، احکام میراث ملغی شود ، اذان به لغت ترکی درآید ، حروف عربی به حروف لاتینی تبدیل گردد ، بعضی جمعه ، تعطیل بروز یکشنبه بوده باشد . . این همه اهداف سوه به سال

بعد از شکست جنگ های اول صلیبیون جنگهاییکه درجهت برکنی ریشه های عمیق اسلام دو قرن کسل ادامه یافت ، صلیبیون آگاهانه دست بکار شدند ، پلانهای توطئه مآبانه را طرح کردند ، بغرض نابودی امت اسلام به سازشهای تخریبی دست زدند ، به تارمار ساختن اهل اسلام اقدام ورزیدند و نقشه پی ریزی شده ایشان در پنج بخش قرار آتی عیار گردیده بود :

بخش اول : برچیدن گلم حکم اسلامی ، ذریعه از بین بردن خلافت اسلامی بیکه در چهره دولت عثمانی تمثیل یافته بود ، صلیبیتیکه در قیافه انگلیسها ، یونانیها ، ایتالیویها و فرانسویها هرض اندام نموده بود لحظات ضعف دولت عثمانی و ایجاد خلاها و اختلافات در آن را غنیمت شمردند و درین چنین فرصت مناسب ، باعساکر نیرومند و قوای بزرگ خویش بمشابه درنده درهم شکننده بحریم اسلام واهلش سبوعانه یورش آوردند و بدین سان همه اراضی مسلمانان من جمله (استانبول) را تحت تسلط درآوردند .

هرگاه که مذاکرات کنفرانس (لوزان) که بغرض پیمان صلح میان طرفین محار به تشکیل یافته بود آغاز

باشد ، اروپا نمیتواند بر شرق چیره و مسلط گردد و همچنان درین فرصت اروپا در امان نخواهد زیست

۲ : مبشر صلیبی (ویلیام جیفرود بالکراف) میگوید : «هرگاه قرآن و مکه از میان کشورهای عرب برداشته شد ، در آن زمان امکانات میسر خواهد شد که عرب بصورت تدریجی راه مدنیت غرب را در حالیکه از پیغمبر و کتابش دور مانده باشند بیمایند»

۳ : (کاتلی) مبشر حسود میگوید : «واجب و ضروریست که قرآن در حالیکه برنده ترین سلاح اسلامی است علیه اسلام و بر ضد آن استخدام ننمایم تا اسلام را با تار و پودش جملتاً نابود سازد و جیبیه ماست تا به مسلمانان تشریح دهیم : آنچه که از قرآن صحیح و درست است جدید و سازگار با زمانه نیست و آنچه که با زمانه وفق و سازش دارد صحیح نیست» هدف سوء این دشمن کینه جو ایجاد شک در اذهان مسلمانان است .

۴ : حاکم فرانسوی بمردم الجزائر در مراسم برگذاری صد مین سال از اشغال آن میگوید :

«وجیبیه ماست که قرآن عربی را از وجود ایشان بریایم و لسان عربی را از لسانهای ایشان بگیریم ، در آن صورت علیه ایشان پیروز خواهیم شد»

رسیدن به این مرام شوم وضع عجیبی را در فرانسه گذشته بمیان آورد و آن عبارت است از اینکه وقتی از نژاد نسل جوان قرآن و اصول آنرا شست و شو نمودند ، بغرض تجربه عقلی ده نفر از دختران جوان جزائری را انتخاب کردند این دختران را حکومت فرانسه در مکاتب فرانسه شامل ساخت ، بعضی لباسهای اسلامی لباسهای فرانسوی را به آنها پوشاند ، و ثقافت فرانسوی را به ایشان تلقین ولغت فرانسوی را به آنها تعلیم داد ، بدینوسیله این

۱۹۲۸ میلادی انتهاه یافت .

بعد از آن این شروط را خائن تاریخی (اتاترک) تنفیذ کرد و بدون وقفه انگلیس و همپیمانانش استقلال ترکیه را برسمیت شناخت و به اساس الغاء خلافت و محاربه ^{بیم} اصطلاح علمی ساختن دولت ترکیه به (اتا ترک) تبریکی گفت . .

زمانیکه وزیر خارجه انگلیس (کرزون) در شورای ملی بریتانیا بغرض تقدیم را پور جریان ترکیه هر پیشگاه مجلس استاد شد ، برخی از وکلای انگلیسها به احتجاج شدت آمیزی علیه (کرزون) دست زدند و تعجب کنان گفتند : چطور دولت انگلیس ، استقلال ترکیه را پذیرفت ، ترکیه ایکه ممکن بماحول آن کشور های گرد آیند و علیه غرب هجوم آورد . همان بود که (کرزون) فوراً بجوابش مبادرت ورزیده گفت ، بدون تردید ترکیه را طوری از پادر آوردیم که بعد ازین روز به پاستاده نخواهد شد . زیرا همان قوت و نیروی ترکیه را که دود و امر خلاصه شده بود به دیار عدم فرستادم یعنی اسلام و خلافت اسلامی .

در همین لحظه همه وکلای انگلیس به چک چک پرداختند و منازعه را ترک دادند .

بخش دوم : از بین بردن قرآن و محو آن ، زیرا صلیبیت میداند که قرآن کریم مصدر اساسی قوت مسلمانان و راه توصل ایشان بشوکت و عزت از دست رفته ایشان بوده و نیروی گذشته و مدنیت ایشان در این کتاب مضمّن میباشد .

۱ : (گلا دستون) در شورای ملی بریتانیا در حالیکه قرآن کریم را در محضر اعضای مجلس بالا کرد گفت :

(تا روزیکه این قرآن در دست مسلمانان موجود

دختران مسلمان کاملاً مانند دختران فرانسوی گشتند.

و پس از باز ده سال مساعی و تلاشهاییکه درین راه بخروج دادند، محفلی جالبی را جهت برگزاری مراسم فراغت ترتیب و تعدادی از وزراء، مفکرین و ژورنالیستها را به آن دعوت کردند. زمانیکه محفل افتتاح شد نا آگاه همه ای از دختران جوان الجزایری بالباسهای اسلامی وارد صحنه می شوند باشاهده این صحنه احساسات ژورنالیستهای فرانسوی برمی انگیزد و بسوآلات خویش آغاز مینمایند: فرانسه در الجزائر امروز بعد از مرور یکصد و بیست و هشت سال چه کاری را پیش برده و چه تحویلی را بمیان آورده است !!! ؟

۳: همان بود که وزیر مستعمرات فرانسه (لاکوست) جواب داد (ما چه کرده میتوانیم در حالیکه قرآن از فرانسه قویتر و نیرومند تر بوده باشد ؟ !!).

بخش سوم: تخریب مفکره اسلامی در مغز مسلمانان و قطع رابطه آنها با خداوند (ج) . .

(برهائی از نظام اسلام و حرکت بسوی الحاد و اباحت تن دادن، و به این ترتیب از اسلام محروم گردیدن . .

۱- رئیس گروه های مبشرین (صمونیل زومبر) در کنفرانسیکه به سال ۱۹۳۰ م برای مبشرین تشکیل شده بود میگوید:

(وظیفه مهم و با ارزش تبشیریکه دولتهای مسیحی، شما مبشرین را بخاطر انجام آن در شهرهای محمدی مکلف ساخته است صرف این نیست که مسلمانان را در مسیحیت داخل سازید، زیرا درین کار اعزاز و تکریم نهفته و مضر است، بلکه وظیفه مهم شما

این است که مسلمان را از اسلام بدرکشید و آنرا از چارچوپ پیروی اسلام بیرون آرید تا انسانی از آن ساخته شود که باخدا علاقه و ارتباطش بکلی بگسلد و در مرحله ثانی پیوندش با اخلاقی قطع گردد که زندگی استها به آن ارتباط ناگسستی دارد و به این وسیله شما دروازه و روزنه فتح و پیروزی به کشورهای اسلامی باز می سازید، متوجه باشید که شما تمام ذهنیتها را در ممالک اسلامی برای پذیرفتن حرکت در راهیکه در جهت آن سعی وزریدید آماده نموده اید، آگاه باشید که آن راه، راه بیرون کشیدن مسلمان از اسلام است. .

شما در کشورهای اسلامی نسل جنیدی را بمیان آوردید و آماده مبارزه ساختید که مفهوم ارتباط باخدارا اصلاً نمیشناسند و حتی اراده و تصمیم معرفت آنرا ندارند، و بدینوسیله در حقیقت شما مسلمان را از اسلام بی بهره نمودید و در مسیحیت رنگ آمیزی و داخل نکردید و در نتیجه نسل جدید اسلامی طبق خواسته استعمار باز می آید، به مقدسات و بزرگان اهتمام نمیزورند، با راحت و کسالت و بی کاری دلچسبی و علاقه میگیرد، بهیچ امری از حیات تمایل نشان نمیدهد مگر بمنظور اشباع غرائز شهوانی، وقتی دانش می آسوزد بغرض ارضای شهوات به آن اقدام مینماید، اگر دارایی و مادیات بدست میآورد جز اهداف شهوانی مراعی ندارد، هرگاه به عالیترین مراکز خود مراجعه میکنند آرمان شهوانی براهش می اندازد خلاصه بهر نوع جود و سخا و هرگونه حرکتیکه دست میزند جز رسیدن به یک سلسله مطالب شهوانی چیزی دیگری او را بحرکت وایامیدار . . .

ای مبشرین: اهداف شما به کامل ترین صورتش برآورده شده و می شود.

متفرق و باهم دشمن بوده باشند درینصورت هیچ وزن و تأثیری نخواهد داشت. »

۳- در سال ۱۹۰۷ کنفرانس بزرگ اروپایی که نخبه ترین مفکرین و سیاستمداران اروپا در آن اشتراک ورزیده بودند تشکیل گردید ریاست این کنفرانس را وزیر خارجه بریتانیا بعهده داشت موصوف درافتتاحیه کنفرانس گفت :

«بدون شک مدنیت اروپایی به نابودی و انحلال تهدید می شود ، وجیهه ما برما حکم میکند که درین کنفرانس در ماحول همان وسائل فعال و مؤثر بحث و صحبت نماییم که از نابودی مدنیت مابجولگیری میکند»

همان بود که کنفرانس یکاه کامل بمناقشه و تدقیقات خود ادامه داد و اشتراک کنندگان نظریات خویش را پیرامون خطرهای خارجی که امکانات انحلال و نابودی مدنیت غربی را میسر می سازد بشکل اخطار آمیز تقدیم میکردند ، بالاخره در یافتند بزرگترین خطر که اروپا را تهدید مینماید عبارت است از

مسلمانان متمسک به اسلام ، لذا فیصله نمودند که بغرض جلوگیری از هرگونه اتفاق و اتحاد بین کشورهای شرق میانه پلان و پروگرامی را طرح باید کرد که تمام امکانات و نیروهای دست داشته را درین زمینه به تلاشهای پیگیر و مسلسل وا دارد ، زیرا یگانه خطر که در برابر آینده اروپا عرض اندام خواهد کرد همانا بوجود آمدن شرق میانه مسلمان و متحد خواهد بود .

و در نتیجه تصویب نمودند که در شرق قنات سویس یک قوتیت یهودی غربی را که با عرب و مسلمانان دشمنی آشتی ناپذیری در رک رک وجود شان تعبیه شده باشد بمیان آورده شود تا همیشه

۲- (زویمر) موصوف در کتاب (الغارة علی العالم الاسلامی) مینویسد : «مبشرین در برابر مدنیت غربی دو وظیفه بعهده دارند : یکی وظیفه ویرانی دومی وظیفه آبادی .

هدف از وظیفه ویرانی ، بیرون کشیدن مسلمانان از دینش بوده . و غرض از آبادی این است که در صورت امکان یک مسلمان طوری صبغه و ذهنیت نصرانیت را برگزیند تا در پهلوی مدنیت غربی بضد مسلک و قوش قیام نماید» .

۳- مبشر (تکلی) مینگوید : «وجیهه ماست که شجاعانه به تشکیل مکاتب بطرز غربی و علمی اقدام نمایم ، زیرا قسمت بیشتری از مسلمانان نسبت به اسلام و قرآن عقیدتاً در تردد و تزلزل فرو رفته اند و همین است نتیجه تدریس کتابهای مکاتب غربی و تعلم سیستم اجانب» .

۴- از بین بردن وحدت مسلمانان ، نامسلمانان ضعیف ، ذلیل و محروم از عزت ، قوت و موجودیت سیاسی برده وار زندگی نمایند .

۱- (سیمون) دانشمند غربی مینگوید : «وحدت اسلامی به آمال و آرزوهای ملل مسلمان انجام می بخشد و در رهائی از تسلط اروپا مساعدت مینماید ، در حالیکه تبشیر عامل بزرگیست در کسر شوکت این حرکت ، روی همین اساس وجیهه ماست که ذریعه تبشیر توجه مسلمانان را از وحدت اسلامی منحرف سازیم» .

۲- یکی از مبشرین بنام (لورانس براون) مینگوید : «هرگاه مسلمانان در انبیا طوری عربی متحد شوند ، ممکن جهان را با خطر بزرگ روبرو سازد و یا شاید نعمتی را بمجهانیان به ارمغان آورد ، ولی اگر

مسلمانان را متفرق و باهم در ستیز و دشمنی نگهدارند، روی همین فیصله بریتانیا پلانیها و قرارات همبستگی و تعاون خود را با صهیونیستهای جهانی استحکام بخشید تا بدینوسیله در ایجاد دولت یهودی در فلسطین دست یست هم داده باشند.

پنجم: فاسد ساختن طبقه زنان مسلمان: این مرام وقتی برآورده میگردد که به فعالیت های آزادی طبقه نسوان اهتمام و توجه عمیق مبذول شود، در ماحول حقوق و مساوات زن با مرد بمناقشات و گفت و شنودها دامن زده شود، و نظام اسلام در باره تعدد زنان نقض گردد، و طلاق از طرف زن مجاز داده شود. این همه تپ و تلاش ها بغرض ایجاد اشتباهات و شکوک در قسمت صلاحیت شریعت برای تنظیم امور زندگی بشر براه انداخته شود. (زویمر) رئیس گروه تبشیر، رساله ای را عنوان (جهان اسلامی امروز) تالیف و در آن نگاشته است «هیچ مفکوره و عقیده ای مبنی بر توحید و همبستگی، بزرگتر و موثر تر از عقیده دین اسلام، در تاریخ جهان و جودی ندارد، عقیده ای که دو قاره وسیع آسیا و افریقا را برق آسا در برکشید و عقائد، شرایع و مقررات آن در عمق وجود دو صد میلیون نفوس بشر ریشه دوانید. و رشته ارتباط خود را بالسان عربی مستحکمتر ساخت».

این دشمن اسلام در خاتمه کلام خود به مشیرین توصیه عدم یأس مینماید و وایمود می سازد که سیاست (آزادی زن) در مغز و استخوان جامعه اسلامی نفوذ نموده نقش خود را ایفاء میکند او بصراحت میگوید: «هرگاه مشیرین احساس مینماید که نتیجه تبشیر آنها در میان مسلمانان، بول موثری نداشته و بعضی در آن بمشاهده میرسد نباید مایوس

کردید، زیرا هویدا و محقق است که مسأله آزادی زن و علوم اروپایان در قلوب و مغز مسلمانان روز بروز ریشه میدواند و ذهبت ایشانرا بسوی آن متمایل می سازد».

نویسنده مشهور فرانسوی بنام (مسیواتین لاسی) مقاله ای را در مجله (العالمین) فرانسوی شماره ۱۵ سپتمبر ۱۹۰۱ م به نشر سپرده و بغرض از بین بردن و تحریف اسلام پلان و طرز العمل آتی را مورد تایید قرار داده و آنرا نهایتاً مؤثر خوانده.

وی مختصراً گفته: «حقا که تربیه اولاد مسلمانان مثلیکه قبلاً اشاره نمودیم دارای نقش مؤثری بوده، ولی تربیه دختران در مکاتب راهبه ها بهترین وسیله رسیدن به عین هدفیست که جهت دستیابی به آن مساعی همه جانبه را براه انداخته ایم، بل باید گفت که تربیه دخترها بهمین طرز، یگانه راه مؤثر یست در مورد نابودی اسلام ذریعه اهل اسلام».

(آن میلیگان) مبشر میگوید: «توانستیم در پوهنتون دخترانه قاهره، اجتماعی از دختران را تشکیل دهیم و هیچ امکان نداشت جای دیگری تدارک شود که به این تعداد از دختران مسلمان تحت نفوذ مسیحیت در آن گرد آیند، خلاصه نسبت به این مکتب هیچ طریقه مؤثر تر و نزدیکتر به تحریف چار دیوار اسلام سراغ شده نمیتواند».

ای برادر مربی! آیا با برخی از همان قسمتی از نقشه ها و پلانیهای صلیبیون کثیف آشنائی حاصل کردید که بمنظور نابودی عقیده و مفکوره اسلامی از مغز پسران و دختران جوان ما و بغرض قطع روابط ایشان با اسلام پیریزی و طرح شده است؟ آیا درک کردید که بزرگترین هدف صهیونیستها پارچه یقیه در صفحه (۵۵)



د شهید مرتبه

قیام الدین یکنه

لا تشعرون . (هغه چا ته چی د خدای په لاره کی وژل کیږی مړه مه وائی هغوی ژوندی دی خو تاسی شعور او ادراک نلری). مونږ په اسلامی شریعت کی گورو چی له خاص قسم شهیدانو سره د مړو معاملہ نه بلکی د ژوند یو معاملہ کیږی . مثلاً وینه پلټه ده د لمانځه په وخت کی ئی وینځل فرض دی خو د دغه شان شهیدانو وینه به نه وینځل کیږی . په مرگ سره د انسان په جسم کی پلټی خوربیری نو د مړي غسل واجب دی خو هغه ته غسل نشته . مړي نه د ژوند د جامو ویستل او د هغی په ځای کفن ورکول واجب دی خو هغه ته کفن نشته له خپلو په وینو رنگینو جامو سره به پری د جنازی لمونځ اداء کیږی او دفن کیږی به، چی دغه ټولی په واقع کی د مرگ نه بلکی د ژوند نښانی دی .

د قرآن په تعبیر سره شهید له خپل خالق سره د څرخولو اخستلو معامله کوی دده له خوا سر او مال او د خدای له خوا جنت او دیدار . الله تعالی فرمائی : ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم بآب لهم الجنة . الله له خپلو مؤمنو بندگانو څخه د هغو سر او مال په بیه اخیستی دی چی د هغی قیمت جنت دی . د انسان سر او مال هر څه خوښی

څوک چی د خدای درضاء په خاطر د خدای (جل جلاله) د دین او کلمی د لوړولو په خاطر د کفری قوانینو په ځای د الهی قوانینو د حاکمولو په خاطر وجنگیږی او په دی لاره کی خپلی محبوبی او گرانی وینی توی کسری او د خپل خالق دربار ته ئی د اندازی په توگه پیشکش کړی ؛ دغه انسان ته اسلام د شهید لقب ورکوی .

دی که په ظاهره د انسانانو په نظر مړ ښکاري خو په حقیقت کی مړ نه بلکه د همیش لپاره ژوندی دی . په دی هکله د الله تعالی په پاک او عظیم الشان کلام کی متعدد آیاتونه دی مثلاً : ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا . بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله . . . « کوم خلک چی د الله په لاره کی ووژل شی هغه مړه مه گڼئ . هغوی خو ژوندی دی ، د خپل پروردگار په وړاندی روزی موسی . الله تعالی چی په فضل پر هغو پیرزوینه کړیده پر هغی باندی خوښی او خوشحالی کوی . البته زمونږ شعور او ادراک دومره حد ته نه دی رسیدلی چی د دې زمانی د نویو علومو په رڼا کی د شهید ژوند محسوس کړو خو د هغه ژوند په قرآن سره یو ثابت حقیقت دی . الله تعالی فرمائی : (ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء ولكن

فرمان خدا (ج)



ان الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعاَ لست منهم في شيء انما امرهم
الى الله ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون .
(الانعام : ١٦٠)

ترجمه

هر آینه کسانی که تفرقه (و نفاق و اختلاف و فتنه) انداختند در دین خود (از زیر نوای وحدت اسلامی خارج شده) و گروه، گروه شدند : (ای پیامبر جرم ایشان از ذمه تو ساقط است) و نیستی از ایشان در هیچ حساب (خداوند از شما مؤاخذه نخواهند کرد) جان سخن این است که کار ایشان برای خدا (ج) گذاشته شده است ، البته ایشان را خبر میدهد به انجام آنچه که میکردند .

واذا اردنا ان نهلك قرية ارسلنا سرفیها ففسدوا فیها فحق علیها القول
فدمرناها تدمیرا ○
(الاسراء : ١٦)

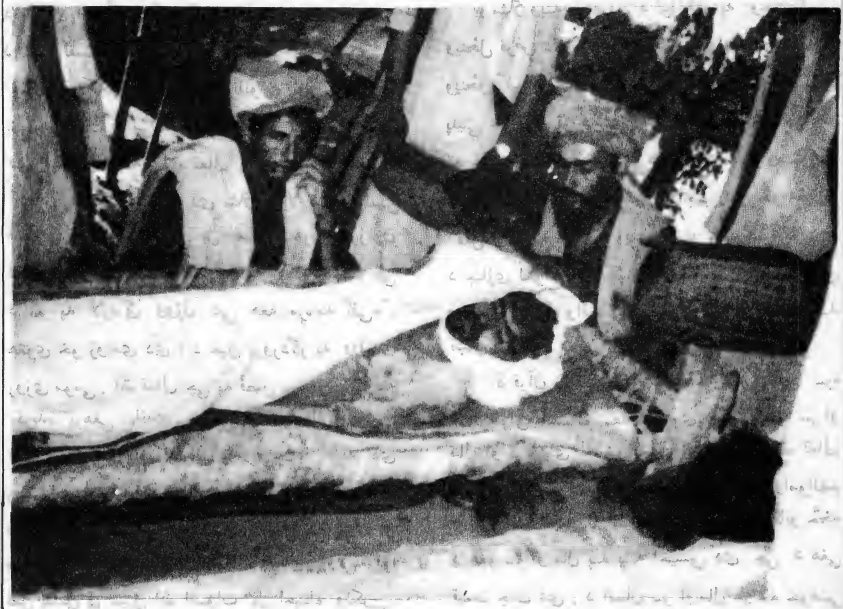
هنگامیکه اراده نمائیم تا قریه ی (قومی ، ملتی ، جامعه ی و جهانی) را هلاک کنیم میفرماییم
به سرکشان آنجا (آنچه خواهیم) پس نافرمانی کردند آنجا : پس ثابت شد بر (آن قوم قریه
و جماعت) وعده عذاب ، پس برهم زدیم (ویران کردیم) ایشان را برهم زدنی .

د خدای (جل جلاله) ملکیت دی . او په دنیا کی
خود همیش لپاره هسی هم ژوند نشي کولای یوه
ورځ به ضرور مړ کېږي مگر څومره نیک بخته دی
شهیدان چی خدای تعالی باندی خپل نفس خرڅوی
او په بدل کی ئی د خدای (جل جلاله) ابدی نعمت
او رضوان او دیدار گټی !

د شهید د درجی او مرتبی د لوړتیا به له دینه
بل لوی دلیل څه وی چی سردار دو جهان حضرت
فخر الرسل محمد مصطفی صلوات الله وسلامه علیه هم
د شهادت د مرگ هیله کړیده : والذی نفسی بیده
لوردت ان اقل فی سبیل الله ثم اخی ثم اقل ثم اخی
ثم اقل . یعنی زما دی په هغه ذات قسم وی چی
زما د روح وا کمن دی چی زه دا ښه گنم او
خوشتعالیم چی د خدای (جل جلاله) په لار کی
ووژل شم بیا را ژوندی شم بیا ووژل شم بیا را
ژوندی شم بیا ووژل شم .

د قیامت په ورځ به د حشر په میدان کی
د شهیدانو د پیژندل کیدو یوه لویه ښه داوی چی
له خپلو زخمونو سره به په وینو رنگ را پاڅیږي .
پدی حلقه د حضرت ابی هریره رضی الله عنه په
روایت، بخاری، مسلم ، ابوداؤد او نسائی یو حدیث
را نقل کړی دی چی حضرت رسول کریم علیه افضل
التحیة والتسلیم فرمایلی : زما په هغه ذات قسم دی
چی هغه زما د روح وا کمن دی د الله (جل جلاله)
په لاره کی چی هر څوک زخمی شی - او الله ښه
پوهیږي چی د هغه په لار کی څوک زخمی کېږي هغه
به د قیامت په ورځ په داسی حال کی راشی چی
د زخمونو رنگ به ئی د ویني وی او بوی به ئی
د مشکو وی .

داؤ د قرآن مجید او مبارکو حدیثو په کرنا کی
د شهید د مرتبی لنه تعریف . والسلام



تحمل سداب و صفات حضرت عبداللہ بن حذافہ (رض)

در راه اسلام

به استناد روایت بیهقی و ابن عساکر در زمان خلافت حضرت عمر فاروق (رض) لشکری از مجاهدین و سربازان اسلام را به منظور مقابله با رومیان بآن سو می فرستند که در یکی از غزوات چند تن از مسلمین بدست رومی ها اسیر می گردند، درین اسیران یکی هم حضرت عبداللہ بن حذافہ (رض) میباشد، امیر رومی ها که قبلاً از شهرامت و شجاعت فوق العاده مسلمین بالخصوص اصحاب پاک پیامبر متحیر میباشد، چون از اسارت عبداللہ ابن حذافہ این صحابی و یار باصفاء پیامبر خبر میشود، مجلس بزرگی تشکیل میدهد و عبداللہ را بآن مجلس حاضر نموده به منظور امتحان و معلوم نمودن شہامت او از او می پرسد «آیا خوش نداری تا دین نصرانیت را قبول کنی؟ و در عوض در پادشاهی و اسارت با من شریک گردی». عبداللہ که از سخن این ظالم و سرکش خیلی متأثر شده بود، با شدت تمام سخن او را رد میکند و می فرماید: «نه خیر، اگر همه آنچه را مالک بوده ای و یا دیگر سلاطین عرب مالک بوده اند، برایم بدهی من حاضر نیستم که به اندازه یک رب زدن چشم از دین پاک حضرت محمد (ﷺ) روگردان شوم». آن سرکش ظالم برایش میگوید: پس بزرگ خود حاضری؟ حضرت عبداللہ می فرماید: بلی آنچه که میخواهی اجرا کن، آن طاعوت ظالم حکم میکند تا عبداللہ را بدار بآویزند و پاها و دست های او را مورد هدف تیرها قرار دهند و باین صورت در هر مرحله ای که عبداللہ بدست و پای خویش

تیر میخورد این ظالم تیرہ رو به حضرت عبداللہ قریب شده او را به سخن قبلی خود دعوت می نماید ولی در هر بار از طرف عبداللہ جواب رد میشوند تا اینکه او از این تکتیک خود مایوس شده، حال دیگری پیش می گیرد و عبداللہ را از بالای دار پائیان می کند و دیگ کلانی را از آب جوشان پر کرده و یک نفر مسلمان را بعد از آنکه دعوت او را رد میکند، در دیگ جوشان انداخته میسوزاند، و سپس بالای عبداللہ امر میکند تا او هم در صورت عدم قبول دعوت، رو بهین دیگ جوشان پرتاب گردد و حینیکه عبداللہ سوی دیگ روان میگردد بگریه میشود و طاعوت ظالم فکر میکند عبداللہ ترسیده و شاید دعوت او را قبول نماید، او را واپس خواسته سبب گریه او را از وی می پرسد: عبداللہ می فرماید: «نه خیر گریه من ازین است که ما چرا من در همین جا بپایان می رسد و من با همین دیگ بحضور خداوند حشر خواهم شد، حالانکه آرزوی من این بود که خداوند کریم بمقابل هر موی بدنم بمن حیات جدید عطا فرماید؛ تا من بتوانم در راه خدا برضاء خدا چندین بار جان خود را فدا کنم و لذت شہادت را بارها بچشم - طاعوت ظالم در حالیکه شہامت و استقامت این قهرمان اسلام او را کمال مہموت کرده بود، برایش میگوید آیا میل داری تا سرم را ابوسی و زہای حاصل کنی، عبداللہ در جواب می فرماید: «نه خیر من هیچ مائل نبوده ام

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ آمَنُوا بِسَبِيلِ اللَّهِ وَالْآخِرَةِ وَلَكِنْ لَا تَعْمَلُونَ

خویش را فدا ساز راه حق

شهیدی انپیشمردان تحریر اسلامی افغانستان



چهل و یک سال قبل منطقه
زبیا و قهرمان پرور مشهد مرکز
ولسوالی کشم - ولادت طفل
معصوم و پاکیزه سرشتی را در
آغوش سر سبز و پر مهر خود
استقبال نمود و با وقوع این
ولادت شور و شفع زیادی در
خانواده آگاه مردی از تبار
پاکبازان بوجود آمده والدینش
تولد وی را نیک و خجسته
پنداشته و نام وی را محمد اکبر
گذاشتند.

از همان وهله اول طفولیت
تحلی شهادت و مردانگی
تقوی و ریاضت، راستی و صداقت
بود که پدر مهربانش با توجه
باین صفات برا زنده نوازدهش به

تربیه وی همت گذاشت و باروحیه
عالی اسلام تقدیم جامعه نمود.
شهید محمد اکبر در عهد
رژیم فرتوت شاهی شامل مکتب
میر فضل الله گردید و هنوز صنف
سوم مکتب را به پایان نرسانیده

بود که پدر بزرگوارش پدرود
حیات گفت و سرپرستی فامیش
بدوش وی گذشته شد و مدتی را
در امور خانوادگی سپری نمود
عشق و علاقه تحصیل و آشنائی
به علم و معرفت ویرا در چار
دیواری خانه آرام نگذاشت راه
مدرسه را در پیش گرفت و به
تحصیلات خصوصی آغاز نمود ،
همزمان با آن در افکار و اندیشه
آب احساسات تازه و خیالات
جدیدی راه یافت و در مورد وطن
زیبا و ناسامانیهای که بآثر ظلم
و ستم دست اندر کاران دستگه
فاسد رژیم شاهی بوجود آمده بود
می اندیشید و در فکر چاره و
علاج آن بود ، سال ها بدینگونه
گذشت و شاهد مقصود مسیر
نگرید.

محمد اکبر شهید بعد از
تفکر و تصق زیاد باین نتیجه
رسید تا بظلمت شناخت بهتر دستگه
کثیف دولتی در یکی از دفاتر
وظیفه بگیرد و از نزدیک آشنائی
حاصل نماید همان بود که در یکی
از شعبات دولتی شامل کار گردید
و با اندک زمانی بر محتوای چرکین
و نا بکار رژیم کاسل حاصل
نمود و با تعدادی از مسلمانان
آگاه و مبارز چون داکتر محمد
عمر شهید و انجمن عبدالهی شهید

و شهید داد خدا «خسته» بخاطر
آگاه ساختن مردم مشوره ها
انجام داد و در جهت جذب و
دعوت مردم از هیچگونه سعی و
تلاش دریغ نورزید و در تشکیل
مراکز تبلیغات و انجمن چا سهم
فعال گرفت.

مامور محمد اکبر شهید
در هنگام وظیفه داری اش در
مناطق مختلف کشور رسالت
اسلامی خویش را فراموش نکرد
و در هر محیطیکه بصفه مامور
موظف می شد قبل از همه با
جوانان مبارز اسلامی ارتباط
خویش را برقرار مینمود و طریق
فعالیت اسلامی خویش را هموار
میساخت ، تلاش شبانه روزی او را
مبارزه و دعوت اسلامی تشکیل
میداد ، شیوه مبارزه و روش
برخورد او با مردم مظلوم و
بیچاره بر اساس اصول و دستورات
اسلام بود .

وی مدتی را در بندر شیر
خان بصفه مامور انحصارات
سپری نمود و فعالیت روس های
جانیکار را مستقیماً در آن منطقه
بررسی نمود ، و برادران مبارز
مسلمان را از عواقب خطر آن
آگاه ساخت ، بعد از کودتای
ننگین کمونستی در سال ۱۳۵۷
که دستور کرمیلتن در کشور

صورت گرفت شهید محمد اکبر
به فعالیت اسلامی خود به شکل
میری شدت بخشید و در جهت
پیوست مردم مظلوم و خداپرست
با سنگر داران آئین مقدس اسلام
فعالیت قابل وصفی را انجام داد
و در راه تحریک و تشویق توده
های پیدفاع وطن علیه رژیم
آدمخوار کمونستی گاههای مؤثری
برداشت . او مدتی را بصفه
ارتباطی در شهر کابل با مؤقتیت
ایفای وظیفه نمود و تعداد
یشماری از پروانه گان مکتب
قرآن را که نزدیک بود در آتش
کمونیسم جهانسوز نابود شوند با
وسایل و طرق مختلف آنها را
نجات داد و مصدر خدشات پس
بزرگ در جنبش عظیم و افتخار
آفرین اسلامی گردید .

شهید محمد اکبر در قیام
فرد کمونستی که بدستکاری
محصلین و معلمین مبارز و همکاری
مردم محیب کابل صورت گرفت
نقش مؤثری را اجرا نموده و در
تنظیم و ترغیب مردم فعالیت
شایان نمود ، همچنان در حرکت
مسلحانه مردم کشم که در برج
حوت ۱۳۵۷ صورت میگرفت از
طرف جان برکفان آن منطقه بیعت
فرمانده عمومی کشم تعین و بنا
بر ایجاد مشکلات این عملیات به



محمد اسحق فرزند
غلام سخی مسکونه قریه نانواي
چار کنت نهر شاهي ولايت پکتکه
در برج سرطان ۱۳۶۰ به
شهادت رسيد.

(انا لله وانا اليه راجعون)

عبدالله خان فرزند
اختر محمد مسکونه قلعه بلند
ولسوالی بگرامی ولايت کابل که
بتاریخ ۷ ثور ۱۳۶۲ به شهادت
رسيد.

(انا لله وانا اليه راجعون)



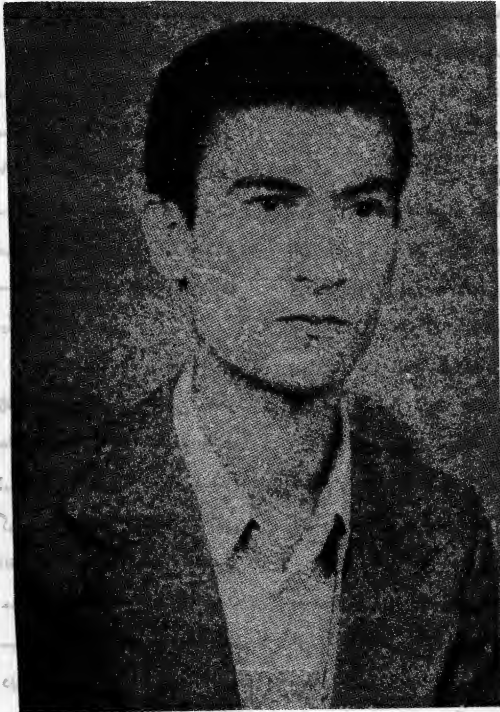
پاک این راد سرد هدمند که
بخاطر کسب رضای خدا (ج) جان
شیرین خود را فدای این راه
نمود و با افتخار عالی انسانی
مقام ارجمند شهادت را مانند دو
برادر قهرمانش نصیب گشت.
(انا لله وانا اليه راجعون)



صاد میر شهید فرزند
خیرن مسکونه قریه ستریل
مربوط ولسوالی خوست
ولايت پکتیا که وظیفه قوماندانی
گروپ را نیز عهده دار بود،
با هجوم روسها به کشور شروع
به جهاد مسلحانه کرد، دلاوری
و شجاعت خاصی داشت، تقوی
و ایمانداری اش او را محبوب
القلوب همه برادران مجاهد ساخته
بود، در جنگ ها علیه قوای
روسی و مزدوران کارملی شان
در صف اول قرار میگرفت، در
فتح تھانه دبی، شیره سیم
نعال گرفت، بالاخره موصوف در
وقت فتح بری تھانه به مقام والای
شهادت نایل شد.

تعویق انگنده شد اما آوازه و
شهرت این حرکت تشویبی
مزدوران روسی را در منطقه
بیشتر نموده و مردم مسلمان را
به انقلاب شکوهمند اسلامی در
کشور امیدوار ساخت.

مبارز قهرمان، شهید محمد
اکبر بعد از افشای پلان
عملیات در کشم مورد تعقیب
دستگاه جاسوسی قرار گرفت،
غلامان حلقه بگوش رژیم،
فعالیت وی را تعقیب نموده و سر
انگیز در برج ثور ۱۳۵۸ توسط
عمال روسی دستگیر و بطرف نا
معلومی انتقال داده شد، او مدتی
را در تعذیب گاههای کابل با
شکنجه و مشقت سپری نموده و
گاهی هم در برابر اعمال دد
منشانه مزدوران چپاولگر و
وحشی سر تسلیم و یا سازش را
خم نکرد و مردانه از هدف و
آمل مقدس خود دفاع نمود و
تا آخرین لحظه درین تصمیم
ثابت قدم ماند تا آنکه رژیم
مزدور و جنایت پیشه تروری او
را مانند دهها هزار جوان انقلابی
و پاکباز در کشتار گاه کمونستی
بقتل رسانیدند و دست کثیف
شانرا با خون این شیر مرد مبارز
و نیکو ساختند - درود بروان



نصیر الدین شہید

000

000

شہید قلب تاریخ است

ولا تقولوا لمن يقتل في
سبيل الله أَمْواتٌ. بل أحياءٌ ولكن
لا تشعرون. صدق الله العظيم و
صدق رسوله الكريم.

شہیدان زندہ اند اللہ اکبر

بِخُونِ اغشته اند الله اكبر

جاودانه باد اسلام عزیز

که باقرتیب فرزندان صدیق و
سلحشورو با شوق آنان به جبهه
های خونین نبرد میان حق و
باطل طلسم سیاه کفر و ظلم
و استکبار را درهم شکسته و با تا
بائیدن خورشید ظلمت ستیز حق
به شب های تاریک حیات نکبت
بار مظلومین و محرومین عالم
پایان من بخشد.

جاودانه باد این مکتب

انسان ساز و تعمرگ افزین که
با تعمیق و ترزیق شعار نجابت
بخش و سعاد تبار لا اله الا الله
محمد رسول الله - در اذهان و
قلوب فرزندان صالح ادم (ع)
طومار جهل و اسارت و بد پختی

راز صحنه دنیا درهم پیچیده
و پیروان خویش را بسوی خیر و
فضیلت و راه رستگاری هدایت
میکند و درود بی پایان
به پیروان مطهر بهترین فرزند
ادم (ع) حضرت خاتم النبیین
محمد مصطفی صلی الله علیه و اله
و سلم که همچون دیگر پیامبران
خدا (ج) بار سنگین رسالت را بر
دوش کشیده و با حاضر شدن
در صحنه های جهاد و پیکار
بر علیه کفر و الحاد و پیدادگری

طواغیت و ستمگران عملاء درس
مردانگی و شہامت را بہ پیروان
راستین راہ نجات بخش خویش
آموخت.

و افتخار بر امت مسلمه

که با تقدیم فرزندان مؤمن و
مجاهد به کاروان نجات آفرین
جهاد مقدس اسلامی عالمی، نژاد
هابلیان عصر را از قابیلیان زمان
ستائیده و کاخ های در ظاهر
فریبده اما در حقیقت بی بنیاد کفر
و جور و استکبار را سرنگون

میسازند.

و مبارکباد بر ملت مؤمن
و شهادت شعار افغانستان انقلابی
که ابراهیم وزیر جگر گوشه های
اسمعیل گونه شان را به سنگر
های حماسه ساز انقلاب اصیل
اسلامی فرستاده و با خون فرزندان
خویش شجره طیبه نهضت نیرومند
اسلامی افغانستان عزیز را آبیاری
میکند.

و تهتیت باد بر مجاهدین
کافرستیز و کمونیزم شکن سنگر
های اگشته بخون جهاد مقدس
اسلامی کشور که ایوب (ع)
گونه با صبر و استقامت اسلامی
انقلابی دشواری های مبارزه و
جهاد را تحمل نموده و باد ریدن
سینه های کثیف و سیاه دشمنان
دین خدا (ج)، راه برادران شهید
خویش راه قاطعانه و تیزگام ادامه
میدهند و سلام بر شما ای
شهیدان گلگون کفن راه خدا (ج)
ای قهرمان میدان جهاد و پیکار
ای برادران همسنگر حمزه (رض)
مصعب - (رض) و یاسر (رض)
و ای قلوب تنیده امت اسلامی.
رحمت وسیع و بی پایان
پروردگار نصیب شان باد که
اینچنین بی باکانه و بی هراس به
لشکر زبون و بی ایمان کفر
و العاد شتافتند و با مالیغ پوز

خرس های قطبی بخلک سیاه
شکست و مزلت کمرد یو وحشی
کفر و کمونیزم را درهم شکستید
مطمئن باشید که برادران
همسنگر و همطریق شما هرگز
باترک جهاد مقدس اسلامی
مرتکب خیانت با خون های پاک
تان نخواهند شد - یاد شما و
کارنامه های جاودانه شما برای
ابد در میان رهروان راستین خط
شهادت جاودانه خواهد ماند
زیرا هر قطره از خون های پاک
تان که بر زمین ریخته است
تداوم راه و هدف و ارمان والای
تان را تضمین میکند.

و اینک طبق معمول بازهم
به مختصر معرفی یکتا دهنیکر
از کاروانیان - کاروان سرخ
شهادت می پردازیم که پادش
چهره بر صلابت یک جوان
مؤمن آگاه و هدفمند را در ذهن
مجسم میسازد.

این شهید گلگون کفن
برادر (نصیرالله جاهدی) فرزند
استاد امان الله «جاهد» است که
در سال ۱۳۳۶ هـ ش دولسوالی
رستاق ولایت تخار در یک قاصیل
متبلن و خدا پرست متولد
گردید.
برادر شهید نصیرالله
جاهدی با استفاده از ذکات فطری

ایکه خالق لا یزال در وجودش
بودیمه گذاشته بوده را مکتب
را در پیش گرفت و دوران
ابتدائی تحصیل راه در مکتب
ابتدائیه رستاق به پایان رسانید -
شهید جاهدی پس از ختم تحصیل
در مکتب ابتدائیه به لیسه تالقان
ولایت تخار شامل شد و با جدیت
و تلاش هر چه تمام در سال
۱۳۵۳ هـ ش از لیسه تخار فارغ
و شامل پوهنخی طب پوهنتون
کابل گشت.

شهید نصیرالله جاهدی
هنوز در صنف اول پوهنخی بود
که روس های جنایتکار بخاطر
جامعه عمل پوشانیدن به بر نامه
های الحادی شان برادر شهید را
باعده دیگر از محصلین افغانی
به یکی از مراکز کفر و الحاد
و فساد یعنی چکوسلواکیا
فرستادند تا بدین طریق بتوالد
با فاسد ساختن اخلاق این
محصلین افکار پوچ و اسارت اور
کمونیستی را دراز هان انها
ترزیق نمایند. اما ایمان و عقیده
محکم برادر جاهدی راسخ تر از ان
بود که با مکرهای - شیطانی
کفار روسی و غلامان انها تضعیف
شود برادر جاهدی هفت سال
در چکوسلواکیا باقی ماند و در
سال ۱۳۶۱ هـ ش با بدست آوردن

دیپلوم ماستری در رشته ریاضیات عالی، با قلبی سرشار از ایمان بخدا و اسلام، موقفانه به افغانستان بازگشت و در آنجا با مشاهده وضع رقتبار ناشی از فاجعه خونین و خالمانسوز ثور بخاطر فعالیت وسیع به نفع اسلام و انقلاب اسلامی راه هجرت را در پیش گرفت و بار و یکار آمدن اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان به عضویت انجمن تاریخ اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان تقرر حاصل کرد.

برادر شهید مان با استفاده از استعداد سرشار خدا دادی در جبهه قلم و فکر خدمات شایانی به جهاد - اسلامی انجام داد و در قسمت تدوین و تهیه جنتری و سائر نشرات انجمن تاریخ تلاش های زیادی کرد. شهید نصیرالله جاهدی چون به لسان های انگلیسی - فرانسوی - چکی - و روسی اشنایی کافی داشت در بخش تهیه مواد از منابع بین المللی برای تدوین تاریخ جهاد اسلامی کشور زحمات بسیار کشید و کارهای ارزنده انجام داد برادر جاهدی از آنجائیکه به جهاد مسلحانه اسلامی علاقه قروانی داشت در ماه شعبان سال ۱۴۰۳ مطابق با ماه جوزای

۱۳۶۲ بایک گروپ از برادران مجاهد عازم جبهه النصره ولایت کندز شده و هنوز از ورودش به منطقه به بیش از پانزده روز نگذشته بود که در یک برخورد رویا رویی با کمونست های مزدور و طغفروش وابسته به باند کثیف خلق و پرچم و چاکران وحشی خصلت کمونیزم بین المللی در بندر خان اباد مرکز کندز در شام روز ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۰۳ در حالی به شهادت رسید که روزه دار بود. اری المقدرات خدای قدیر دران بود که شهید جاهدی روزه را در جنت النعیم افطار کند.

انا لله و انا غلیه راجعون.



شهید خان محمد فرزند

سعفی داد مسکونه قریه فرنجلی ولسوالی غور بند ولایت پروان در سال ۱۳۳۵ هـ ش متولد و تحصیلات خویش در لیسه چاردهی

ولسوالی غور بند ادامه داد، بعداً شامل دارالمعلمین ولایت پروان گردید بعد از فرغت از دارالمعلمین در پروژه خان آباد بحیث مامور اشغال وظیفه نمود با شروع شدن جهاد مسلحانه در افغانستان، با برادران مجاهد یکجا شد و شروع به جهاد مسلحانه نمود، بالاخره بتاريخ اول برج میزان سال ۱۳۶۲ در یک جنگ شدید به مقام شهادت نایل شد.

(انا لله و انا الیه راجعون)

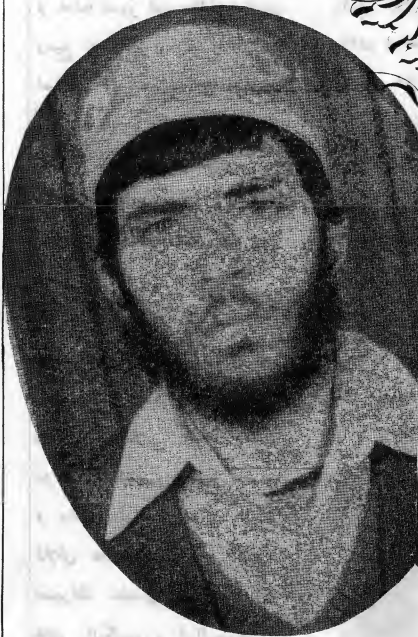


عبدالکریم فرزند سید

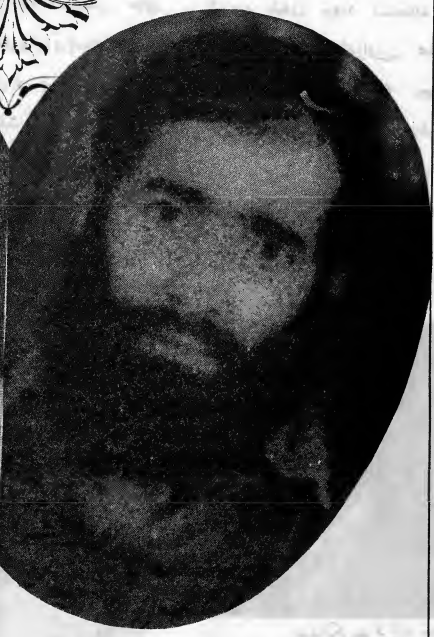
احمد مسکونه ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر در سال ۱۳۶۰ بعد از گذشتن مدتی مهاجرت در کشور اسلامی پاکستان، شروع به جهاد مسلحانه نمود، بالاخره بتاريخ ۱۳۶۲-۴-۵ در یک نبرد رویا رویی با اشغالگران به شهادت رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)

کبریا فی از آشیانه روحیه



محمد فرید شهید



استاد محمد سعید معلم شهید

و پروانه های فضای عشق نور الهی در خور گرم
خوش میغلتنند و میسوزند و چون پروانه در راه رسید
به هدف پرپر میشوند؛ آنجا که مترقین بی بند
و بارو کج کلاهان بی خاصیت و عاشقان جاه و جلال
را دوزخ است و مجاهدان راستین را مکتب ابدیده گی
و آزادی و آزاد منشی راه الله، چه میگردد؟
بر مستضعفان بی دفاع چه میگردد و بر مردم رنج دیده
و ستمکش و مصیبت زده چه؟
در آنجا ما در آن داغ دیده ضجه میکشند و پدران

کسی چه میداند که زیر آسمان نیلوفری؛ آنجا
که هر روز داستان اصحاب اخدود تکرار میشود
و ساخته دلخراش کربلا، آنجا که در کویر آزمون
خدا و بوتۀ ابتلاء او تعالی را در مردان عاشق ایمان
و قرآن چون کبوتران نیم بسمل میتپند، به تکاپو
میافتند و به لطف خداوندی شفا مییابند و خلاف
عادت چون عقابان بلند پرواز بر سیل کرگسان
چپاولگر یورش میبرند و طبق عادت میکشند و کشته
میشوند؛ آنجا که روزمره هزاران جوان پیش مرگ

با کفر و شرک و الحاد که در راه جهاد و مبارزه علیه طاغوت به ارمان مقدسش (شهادت) رسید، نیز در شاره سوم سال اول مجله شهید پیغام دیده شود.

۳- محمد شهید داکتر شهید :

نامش محمد شهید بود و چه نام بجای که قبل از نایل آمدن بمقام رفیع شهادت تسلیمی او را تا سرحد مرگ در راه شریعت خدا (ج) و دفاع از آن نشان میدهد، پدر این مبارز پیکار جو و مجاهد قاطع و انعطاف ناپذیر ملا محمد مرید نام دارد، که در تربیت فرزندان از هیچگونه بذل مساعی دریغ نور زبده، خانه اش در واقع ادبگاهی بود که تلامیذ آن ادب قرآن میآموختند و احکام نجاتبخش اسلام عزیز، بعد از اشراق سپیده دم و بانگ روح افزای «الله اکبر» که در مساجد قریه ها بالا میگرفت در این خانه ترتیل قرآن چه بمنظور تلاوت و چه به نشانه فراگیری و ترجمه و تفسیر، فضای سکوت قریه را درهم میشکست.

همان بود که این خانواده و فرزندان در سایه های قرآن چنان رشد و نمو کردند که سایه های کمرنگ و رنگ و رو باخته فرهنگم ای اجنبی جای پای در وجود آنها سراغ ندید؛ محمد شهید در همین خیل پاک سرشتان پا به عرصه وجود گذاشت و سال ۱۳۳۴ هـ ش در قریه قاضی قلعه مرحوم یکی از مضافات او لسوالی قرغی ولایت لغمان تولد یافت؛ مدتی زیر تربیه پدر دانش پرورش به آموزش و پرورش پرداخته و سپس شامل ابتدائیه چهار باغ لغمان گردیده، درست در سال ۱۳۳۸ هـ ش شامل قرغی بی گردیده و در سال ۱۳۵۳ از آنجا با کسب سند فراغت جهت پاس نمودن کورس یکساله جراحی به شفاخانه طب ننگرهار شامل شده و در سال ۱۳۵۴ از آنجا فارغ و در همان شفاخانه بجهت جراح استخدام گردید.

ریش سفید زاله و فریاد کابوس وحشت لحظه به لحظه بر فضای امنیت زندگی مسلط میشد و سیطره میگستراند و نمرود زمانه هر روز آتش سیافروزد، ولی مطمئن باید بود که در آنجا به امتثال از اوامر الهی جوانانی دست به سلاح برده و علیه طاغوت قیام نموده اند که پروردگان مکتب قرآن اند و نمونه هایی از سطوت عقیده و ایمان آنها از مرگ نمیهراسند و با قلمز توفانزای خون میآویزند تا به مرزهای شهادت و پیروزی رسند.

این جوانان از یک عائله بزرگ اند و بالترتیب از عائله های کوچیکه این عائله بزرگ را بافته و ساخته و آرموده و رونق داده است. میهن ما امروز خانه شهداء است و کمینگاه پرصولت پیش مرگان جهاد و مبارزه اسلامی. در این کمینگاه قسمیکه قبلاً گفتیم هر خانواده به نوبه خود جوانانی فرسته و به دفاع از دین خدا (ج) قربان کرده است که ما در این جا فقط اعضای یک خانواده را که اندر این راه مبارزه کرده اند و جهاد نموده اند و به شهادت رسیده اند معرفی میداریم :

ممکن خواننده محترم از سیاق نامهای این شهداء که در پیشانی مضمون خویش میلرخشند، بداند که اینها «هر پنج باهم برادر و شهید در یک سنگر که همانا سنگر اسلام است» میباشند، شرح زندگی این بزرگ مردان که مردانه زیستند و مردانه مبارزه کردند و مردانه رزمیدند و مردانه شهید شدند ذیلاً بعرض رسانیده میشود :

۱- استاد محمد سعید شهید :

خواننده ارجمند جمت مطالعه زندگی نامه این شهید راستین به شماره سوم سال اول مجله شهید پیغام مراجعه کند.

محمد فرید شهید :

زنده گیتامه این جوان پیکار جو و آشتی ناپذیر



شهید پیغام

د افغانستان د مجاهدینو اسلامي اتحاد نشراتی ارگان

د ۱۴۰۴ هـ ق (ربیع الاخر او جمادی الاول) میاشتی، خلور او پنځه گڼه پرله پسې نېټه ۱۶-۱۷

فیولیک

زمونږ شعار

د خدای رضا زمونږ هدف دی.

حضرت محمد صلم زمونږ رهبر دی.

قرآن کریم زمونږ قانون دی.

فی سبیل الله جهاد زمونږ لار ده.

د خدای په لار کې شهادت زمونږ لوړه هیله ده.

استقلال زمونږ عزت دی.

شرعی حجاب زمونږ پیت دی.

آدرس مکاتباتی ما :

کمیته فرهنگی اتحاد اسلامي مجاهدین
افغانستان - مدیریت مجله شهید پیغام

۱- قوای روس از افغانستان

۲- جهاد یعنی څه؟ د ...

۳- بازتاب خون شهدای ما

۴- برکتی پیسی

۵- نگاه سی بر علیه سقوط ...

۶- د حضرت محمد رس، د ...

۷- پلا نهای استعماری ...

۸- شهید مرتبه

۹- تحمل شداید و مشقات ...

۱۰- خرتین گفتان ...

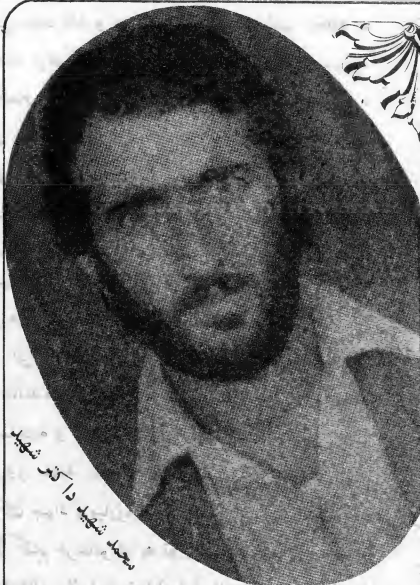
۱۱- حقوق اساسی انسان

۱۲- وحدت و یکپارچگی د ...

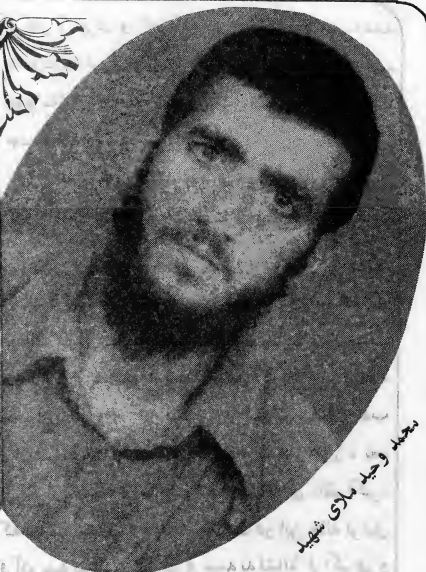
۱۳- کمونیزم معبود از ...

۱۴- د جهاد د سره سنگد ...

۱۵- اخبار جهاد



مهدی شهید دادا کور شهید



مهدی رحیمی شهید

فروخته شده پرداخت و در اندک زمانی منطقه را تصرف کرده با قاطعیت هر چه تأثیر موقش را در قبال کمونیستها مشخص نمود. در جریان جهاد مسلحانه «رعبی» در قلب روباگونه گان و ایادی و جاسوسان کمونیسم برانگیخت که هرگاه نامش را میشنیدند لرزه بر اندام آنها میافتید؛ دسیسه ها ساختند و توطئه ها چیدند تا این قهرمان راستین را به وسیله بی از پا در آورند و جهت به سر رسانیدن این کار چندین مرتبه برخانه او حمله ناگهانی چریکی کردند ولی دست شکسته و سرکفیده فرار را برقرار ترجیح داده شکست خوردند و گریختند.

و سر انجام در ایام عیداللهجا؛ ایامیکه ابراهیم «ع» در گرمترین بوته آزمون خدا قرار گرفت و آن هم حضور در میدان قربانی پسرش و تیغ کشیدن بر رخ او و بالاخره پیروزی و کا مکاری دارین و طرح سنت جاویدانه اسلام عزیز، بی درهمین روز های فرخنده بخون آشانان و غارتگران کثیف کمونیسم و آل نمرود،

مهدی شهید شهید در دوره جوانی که ایام تلاش و جستجو و انتخاب نصب العین زندگی سیاسی است، مستقیماً زیر نظر برادران تحریک اسلامی و استاد مهد سعید که برادر بزرگش بود قرار میگردد و در سه لهای ۵۳ و ۵۴ جذب حلقه و وسیع تحریک اسلامی میگردد و با تلاش و پشتکار خستگی ناپذیر اندرین راه گام میبرد و با قاطعیت هر چه تأثیر برده و کمونیستهای بی وجدان کو بیدن میگرد.

هنگامیکه فاجعه ی شور رخ میدهد وی در شفا خانه طب نگر هار مصروف کار رسمی میباشد و لی گرفتاری استاد مهد سعید از طرف کمونیستهای بروی نگران کننده تمام میشود و در اوایل سال ۱۳۵۸ ترک وظیفه نموده به جبهه «اسپیر» میبوند.

هنگامیکه وی شروع به جهاد مسلحانه نمود؛ سه وظیفه خطیر را در داخل جبهه به پیش میرد: تداوی مجروحین، امنیت مالی و سرگروپی گروپی از مجاهدین - به پا کسازای منطقه از لوث کمونیستهای

محمد وحید نورانی شهید



و شهید شد .

(انا لله وانا الله راجعون)

اما محمد وحید ملای شهید :

این جوان رشید در سال ۱۳۴۰ هـ ش چشم به جهان گشود و زیر تربیه برادران و پدر دانش پرورش قرار گرفته در آوان هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه چهار باغ لغان گردیده و بعد از فراغت از آن مکتب شامل لیسه قرغه‌بی شده بسال ۱۳۵۷ از آن لیسه فارغ گردید .

محمد وحید شهید در پهلوی دروس مکتب به تعلیمات نجاتبخش قرآن و فقه اسلامی نیز بذل توجه نموده و فراست خدادادش وی را در قطار همصنفان و هم سنانش بارز بار آورده تعلیم اسلامی چنانش جو شانده بود که از سراپای وجودش اخلاق نیکو میبارید و در دل همگان جا داشت . محمد وحید شهید در سال ۱۳۵۷ هنگامیکه جبهه امیر تاسیس شد با مجاهدین پیوسته - دانش را با تفنگ همراه برداشت

باز هم شب خون زدند و در دل سیاهی ها

شب هنگام خانه محمد شهید را در محاصره گرفتند و تمهیدات های قلعه شان را منیر گذاری کردند ، میخواستند قبل از اینکه صدمه ی بیننده قلعه را منهدم نموده و محمد شهید و برادرانش را که در تهاکوی کمین کرده بودند به شهادت برسانند و لی مادر قهرمان داکتر شهید «روسی» ی را که مصروف مین گذاری بود مورد حمله قرار داده و توسط کتیک ضربه کوبنده یی بر فرق آن دشمن اسلام وارد نمود بمجردیکه این روسی بر زمین خورد روسی دیگر بر مادر «داکتر» شلیک کرد و دست چپش را به ضرب گلوله کلاکوف مجروح نموده و متصل به فیروسی «داکتر شهید» از کمینش برون جست و صبح هنگام آتش نبرد بین حق و باطل در گرفت - به هر کنج قلعه میدوید و کمین میکرد و بر دشمنان بشریت آتش میکشود ، تقریباًش ساعت جنگ ادامه پیدا کرد و سپس «شهید قهرمان» خواست که تریله نموده و از کمین دیگر دشمن را زیر آتش گیرد ؛ از قلعه بیرون پرید و تقریباً در فاصله ۵۰ متری کمین کرد و روسها را یکایک به ضرب گلوله از پا در آورد ، هشت تن روسها را که دوتن صاحب منصبان روسی نیز شامل آنها بود به دیار نیستی فرستاد در این لحظات حساسی دو برادران دیگر «داکتر شهید» - (محمد وحید و محمد ورید) که متناً سفانه خلع سلاح بودند - میخواستند از قلعه بیرون شده با برادرشان بپیوندند ولی خون اشامان روبا در روی دروازه کلان سنگر گرفته بودند و این دو جوان را به گلوله بسته به شهادت رسانیدند .

(انالله وانا الله راجعون)

داکتر شهید چون دید که برادرانش در خاک و خون غایتیدند از سنگر بیرون جست و به سوی قلعه دویدن گرفت - روسهای یی ناموس اهر سو بروی تاختند و اهر سو بروی گلوله باری شروع شد ، همان بود که مورد اصابت مرمیهای دشمن قرار گرفت و در خون گرم خویش به لقاء الله پیوست و شهید بود

کمونیسم خون آشام کوبیدن گرفت - در فتح پوسته های متعدد لغان سهم فعال داشت و یکی دو مرتبه جراحتهای خفیف و عمیق نیز برداشت و سر انجام در عید اضحی سال ۱۳۶۲ همراه با دکتر محمد شهید و محمد ورید برادرانش - بمقام والای شهادت شتافت .

(انا لله وانا الله راجعون)

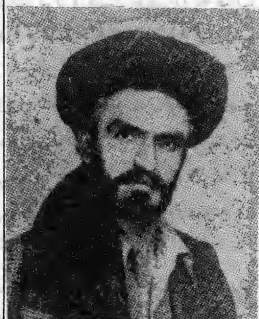
محمد ورید شهید :

این جوان نورس در سال ۱۳۴۵ هـ ش تولد یافته به سن هفت سالگی شامل ابتدائیه چهار باغ

لغان شد و بعد از فراغت ابتدائیه شامل لیسه قرغهبی شد - هنوز متعلم صنف هشتم بود که با مکتب قطع علاقه نموده راهی جبهه شد بعد از - چهار سال جهاد مسلحانه در عید اضحی سال ۱۳۶۲ هـ ش یکجا با برادرانش دکتر محمد شهید و محمد وحید بمقام شهادت رسید .

(انا لله وانا الله راجعون)

یاد شان گرامی و راه شان مستدام و روح شان شاد باد .



بار ضربات محکمی بر پیکر نیمه جان قواء ملحد وارد نمود چند میل کلاشینکوف یک میل تفنگچه روسی زمانی به غنیمت گرفت که در برخورد تعداد بی شماری از افراد روسی و پرچی را به هلاکت رسانید و در همین عملیات تاریخ (۱۶-۱۱-۱۳۶۱) روسها در کوهستان مردانه وار علیه دشمنی خونخوار و جیون استقامت و پایداری نمود که بعد از سه روز نبرد حیرت آوربا دو تن از چریکهای خود در

مسلحانه نمود ، بعداً به کشور برادر پاکستان مهاجر شد و مدتی را در کمیته مهاجرین اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان ایفای وظیفه کرد . در سال ۱۳۶۲ عازم سنگرهای خونین جهاد شد ، و بالاخره در شب عید انضحی سال ۱۳۶۲ در یک برخورد شدید با ملحدین در منطقه جی العجور ولایت کندز با هفت نفر دیگر از همسنگران مؤمنش به شهادت رسید .

(انا لله وانا الله راجعون)

عبدالرحمن فرزند فیض طلب خان مسکونه چشمه معاذ الله ولسوالی کوهستان ولایت کاپیسه که جهاد مسلحانه را در سال (۱۳۶۰) آغاز نمود از اثر فعالیت ها و جانثاریهایی بی امانش قوماندان گروپ چریکی چشمه الله داد تعیین گردید . او با قلبی مملو از عشق به الله چندین



شهید نظر محمد مشهور

به سید عثمان فرزند ملا عبدالخالق در سال ۱۳۳۲ هـ ش در یک خانواده سدیدین در قریه سره مته ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز متولد گردید ، بعد از فراغت از صنف ششم نزد پدرش شروع به فراگرفتن علوم دینی نمود و درین راه موفقیت های بدست آورد . با شروع شدن جهاد مسلح در منطقه با برادران مجاهد پیوست و علیه قوای اشغالگر روس و غلامان کارملی شان شروع بجهاد

محاصره دشمن در آمده تا آخرین لحظه حیات دست از سلاح برنداشت و بتاريخ ۱۱-۱-۱۳۶۱ به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



عطا محمد مشهور به

«سلنگ» فرزند کل محمد در قریه همت آباد شهر مینه ولایت فاریاب در یک فامیل متدین چشم جهان کشود، تعلیمات متداوله را در محیط فامیل خویش آموخت و بعداً بغرض امرار معاش و پیشبرد زندگی شغل در یوری را برگزیده.

با روی کار شدن حکومت دهری و حلقه بگوش روس بنا برادران مجاهد جبهه زر شوی پیوست، بعد از چندی به حیث مسؤل گروهی از مجاهدین وظیفه قومانده و رهنمایی آنها را متقبل شد. او بعد از تقریباً چهار سال جهاد مسلحانه بتاريخ ۲۰ اسد

۱۳۶۲ هـ ش از طرف دشمنان اسلام به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

عبدالغنی شهید ولد بابیه قل مسکونه قریه جلدراق علاقه داری کنگان ولایت تخار یکی از جمله سر سپرده‌های اسلام در منطقه خود بود که بعد از تجاوز مستقیم روسها به افغانستان شروع بجهاد مسلحانه علیه آنها نمود بالاخره در ۲۰ دلو سال ۱۳۶۱ هـ ش در یک برخورد شدید با قوای خون آشام روس

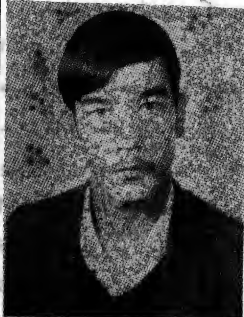


در قریه زیر شیخ علاقه داری مذکور بدرجه شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)

شاه محمود فرزند محمد سهراب به سال ۱۳۳۰ هـ ش در قریه خال داری ولسوالی پغمان چشم به جهان کشود، با روی کار شدن کودتای ثور

شروع به بغایت علیه کودتا چپان فروخته شده بروس، نمود، ولی دستگیر شد و مدت ۹ ماه را در محبس پلچرخ گذراند، بعد از رهایی از محبس روانه راه مهاجرت



شد، در طول راه از دست یک عده طرفداران دولت به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

علی اکبر شهید فرزند سلطان مسکونه علاقه داری دره نوز کوز کنایه اثر اصابت مرمی هاوان بدرجه شهادت رسید.



(انا لله وانا اليه راجعون)



صوفی محمد سرور شهید

اسلام عزیز این مکتب انقلاب آفرین و انسان ساز در طول تاریخ شکوهمند و پر افتخار خویش در مقابل کفر و ظلم و بیداد گری ها رزمیده و در راه اقامه نظام عدل اسلامی بهترین فرزندان صدیق خود را نثار کرده است.

ملت مؤمن و مجاهد افغانستان نیز همیشه بحیث پاسداران واقعی اسلام و ارزشهای والای آن به دفاع از اسلام عزیز پرداخته و نگذاشته اند تا دشمنان این دین مقدس و نجات آفرین آرزوهای شوم شان را در مبارزه با اسلام برآورده سازند. در زمان کنونی که بار دیگر دشمنان انسانیت به مقصد فرو نشاندن شعله های کفر سوز جهاد مقدس اسلامی است. سلحشور مایه میهن عزیز ما را خاینانه مورد تجاوز قرار داده اند باز هم فرزندان صدیق و راستین مکتب توحید مردانه وار بپیک کفر و الحاد شتافته و پرواله وار خویشتن را

فدای شمع یکتا پرستی و اسلام کرده اند.

مجاهد صوفی سرور نیز یکی از همین تربیت یافته گان واقعی مکتب و مجاهد راه خدا بود که بعد از جهاد و مبارزه پیکیر و بی امان بر علیه کفر و الحاد سر انجام جام جانبخش شهادت را کشیده و به لقا الله شتافت.

شهید صوفی سرور فرزند محمد نائب ساکن قریه ابراهیم خیل مرکز ولایت کندز در سال (۱۳۲۷ هـ - ش) در یک فامیل متدین متولد و در دامان خانواده

خدا پرست خویش درس توحید را فرا گرفت پدرش در ایام طفولیت وی را جهت آموختن علم به مدرسه شامل نمود ولی در سن بلوغ بنا بر مشکلات اقتصادی خانواده اش از تحصیل محروم و دوش به دوش با پدرش بشغل دهقانی و کار در زمین خویش پرداخت در سال (۱۳۵۷) کودتای ننگین ترهکی روی کار آمد صوفی سرور با احساس اسلامی که در قلب وی جا گرفته بود خواست از وطن بیرون با برادران عقیده وی بیوند وی در

ولایت پکنیا از طرف جاسوسان
حلقه بگوش مورد اشتباه قرار گرفت
و وی دوباره به ولایت کندز
باز گشت در آنجا مدت چندی
به شکل مخفی شب و روز خود را
به انتظار موقع یابی به جهاد علنی
حساب میکرد تا اینکه شاگرد
وفادار معلم بی وفا (ترهکی) را از
پا در آورد و شرایط جهاد به
برادران با احساس ولایت کندز
نیز آگاه شد.

صوفی سرور شهید درین
موقع به همکاری سایر برادران
یک گروه مجاهد ضد کمونسٹها
ساخت و خود وی بصفت قوماندها
گروپ وظیفه اجراء مینمود و در
حدود (۱۰) نفر خلقی سر شناس
را به جهنم فرستاد بالاخره دستگاه
کا- جی بی یعنی (خاد) وی را
تعقیب نموده در سال (۱۳۵۹)
در حالیکه دو میل تفنگچه در
موتور حامل وی در شهر کندز
وجود داشت وی را با (۳) نفر
رفیقانش دستگیر نمود و روانه
زندان کندز گردیدند.

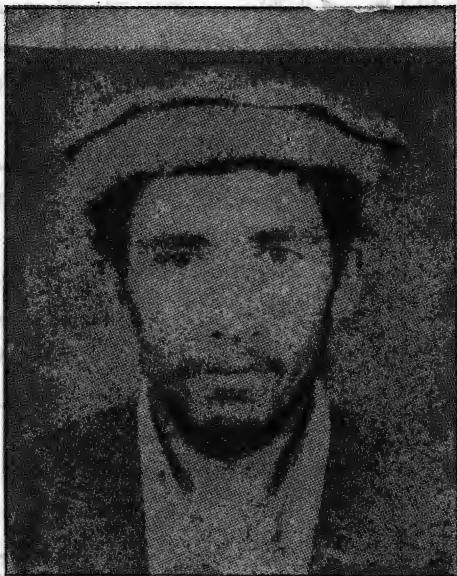
مدت دو ماه شکنجه های
دردناک زندان کندز را توسط
اعضای خاد و روسهای ناپاک
میچشید ولی با کمال متانت
و صبر و تحمل پابردی نمود تا
اینکه زندان کندز توسط مجاهدین

جان بر کف ولایت کندز مورد
حمله قرار گرفت و بشمول
صوفی سرور (۱۵۰۰) نفر زندانی
مسلمان از محبس رها گردید مدت
کمی تحت تداوی قرار داشت و
بعد از آنکه صحت وی بهبود
یافت به همکاری برادر مجاهد
شفیق صوفی سرور بصفت قوماندها
عمومی حوزه شهری ولایت
کندز تعیین شد شجاعت و مهارت
وی در جهاد شهری و عملیات
موفقانه وی سبب آن شد که در
دل تمام مردم مسلمان کندز جا
گرفت و همه مردم مسلمان کندز
وی را استقبال مینمود تا اینکه
بعداً وی بصفت قوماندها عمومی
اتحاد از طرف تمام مجاهدین کندز
انتخاب گردید.

صوفی سرور در جریان
ضربات کوبنده که همیشه بر پیکر
خلق ه و روسها گاه بیگاه وارد
مینمود دشمن را آفند زبون و
عاجز ساخته بود که روسها نام
وی را در میدان هوایی کندز
نزد خود یادداشت نموده بودند
و هنگامیکه به حمله علیه مجاهدین
می پرداختند در صورت موجودیت
صوفی سرور در آن منطقه از حمله
صرف نظر مینمودند از جمله
عملیات و ضربات کوبنده این
مجاهد قهرمان که بی حساب است

صرف چند عملیات وی را تذکر
میدهم. وی سه مرتبه با همکاری
برادر مجاهد شفیق مستوفیت کندز
را با تمام اسلحه و سامان به
غنیمت گرفته یک مرتبه قوه
سرحدی کندز را مورد حمله قرار
داده و از آن (۱۰۰) میل
کلاشینکوف و دو سیست مخابره
به غنیمت گرفت دو مرتبه به
محبس کندز حمله نموده که باعث
آزادی محبوسین گردیده دو مرتبه
شعبه کادستر را با تمام سامان آن
به غنیمت گرفت دو مرتبه بالای
دستگاه جاسوسی خاد حمله برده
که چندین عضو بدنام خاد به
جهنم فرستاده شد علاوه بر آن
بر پوسته های ملحدین اسام صاحب
شهرزاد ارچی - چهار دره -
علی آباد - اکتیه - نیز عملیات
شجاعانه نموده نوکران زر خرید
روسیهای متجاوز و قشون سرخ
همیشه در ولایت کندز ازین
مجاهد قهرمان در ترس و لرز
بودند و گاه بیگاه برای شهادت
این سرد مجاهد نقشه ها میکشیدند.
چندین مرتبه صوفی سرور
را با تانکها و هلیکوپتر های
بیحساب در محاصره خویش قرار
دادند ولی در جنگ رویا روی
دشمن شکست میخورد تا اینکه
دشمن با دادن پول زیاد به

قاری محمد علی الشهباز



جاسوسان دون صفت خویش از محل بود و باش وی اطلاع حاصل کردند و سر انجام بروز یک شنبه (۲۰) ماه ثور سال (۱۳۶۲) در حالیکه کناره های آسمان تاریک به نظر میرسید صوفی سرور توسط (۲۰) هلیکوپتر روس و با (۲۰۰۰) هزار نفر پیاده در خانه خویش محاصره و در ساعت اول همان روز جام پر افتخار شهادت را نوشید (انا لله وانا الیه راجعون)

رحمت خدا (ج) در جایی نزول میکند که در آن جا قرآن تلاوت میشود، البته تلاوت به منظور فراگیری و حفظ و حراست و تعمیل و نصب العین قرار دادن قرآن در زندگی نه بمنظور دیگر - به این لحاظ رحمت خدا شامل آن مجاهدانی میگردد که از یکسو در خدمت قرآن و از سوی دیگر در پیاده کردن قرآن در جامعه کوشا، به یکدست تفنگ و به دست دیگر قرآن را گرفته با دشمنان قرآن جهاد و مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر را اعلام و آغاز میدارند. عبدالقادر شهید نیز در زمره همین مجاهدان راستین راه الله قرار داشت و به حجت و

ابتدائیه گردیده و بعد از فراغت از آن شامل مدرسه نجم المدارس ننگرهار شد. عبدالقادر شهید در پهلوی د روس مدرسه به حفظ قرآن همت گماشت و در اندک زمانی به پیروزی بر کردن قرآن نایل آمد و در پهلوی حفظ قرآن در فقه و اصول فقه و صرف و نحو و حدیث نیز معلومات کافی بدست آورد.

قاری روشنضمیر در سال ۱۳۵۵ ش رسماً داخل تحریک

برهان و شاهد و دلیل بخون سرخ خویش به اثبات رسانید که او و قماً قاری و حافظ عملی و محسوس قرآن است. وی ۲۴ سال قبل از امروز (۱۳۳۸ هـ ش) در دهکده زیبای «مریم» که در سمت شمال مرکز ولایت لغمان قرار دارد در خانواده متدین چشم بجهان کشود وزیر تربیه مستقیم پدر دانش دوست و دین پرورش حاجی عبدالرحمن خان قرار گرفت مدتی بعد شامل مکتب

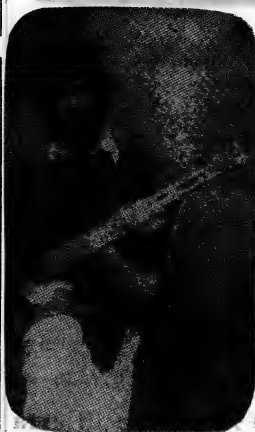
اسلامی گردیده و بفعالیتهای
گسترده انقلابی دست یازید ،
گرچه وی در رابطه با قیام ظفر
آفرین ۱۳۰۴ با برادران ارتباط
داشت و مصروف خدمت آنها در
لغمان بود ولی تا آنزمان رسماً
شامل تحریک نگردیده بود . وی
بعد از شرف عضویت تحریک
اسلامی افغانستان در جلب و
جذب هم سنان و هم صنفان
مساعدت بخرچ داده توأم با رویداد
فاجعه نور ترک مدرسه نموده در
سال ۱۳۰۸ هـ ش غرض بسیج و
فرا گرفتن اصول جهاد به پاکستان
هجرت نموده و بعد از مدتی
بتاریخ ۱۳-۹-۱۳۰۹ داخل ولایت
لغمان گردیده دست به جهاد
مسلحانه برده با برادران مجاهدش
دشمنان اسلام را کوجه به کوجه
و پوسته به پوسته و دزه به دزه
و کوه بکوه و سنگر به سنگر
جهت سرکوب نمودن تعقیب
مینمود و در اندک زمانی خیلی
از خفا شان ظلمت پرست را به
دیار عدم فرستاد .

قاری قهرمان در جبهه
الیشنگ مصروف جهاد مسلحانه
بود و از رویه و برخورد انسانی
اش افراد محیط برخوردار گردیده
محبوب دل همگان شده بود و آثار
مؤثر شعایر اسلامی در سیمای

مهدیش نمودار بود ، وی با
وصف اینکه بر ضد دشمنان دین
تفنگ به شانه کرد . پهلوی
جهاد بالسان و مبارزه فرهنگی را
نیز تقویت بخشیده و در این
بعدی از جهاد و مبارزه مجاهدین
همسنگرش را هر چه بیشتر به
تعلیمات عالی و جاویدانه اسلام
عزیز متوجه نموده و تعهد
واقعی جهاد را همیشه به آنها
تبلیغ میکرد .

وی بعد از اشتراک در
چندین برخورد با کمونستهای
بی وجدان سرانجام در برج
سرطان ۱۳۰۹ در خانه خود
از طرف دشمن بمبارنه کشیده
شد. همان بود که از خانه بیرون
جست و به جنگ رویا رویی با
کمونستها پرداخت . بعد از اینکه
خیلی از کله کفار را به جهنم
فرستاد . خود نیز در قسمت سر
از آن قسمتی که قرآن عظیم الشان
در آن ثبت و درج بود مری
خورد و بگفته حافظ «رح» هرگز
نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام
ما- از زنده گان مجازی رخت بسته
و به زنده گان حقیقی که همانا
شهداء اند پیوست و شهید شد و
بدین ترتیب دوام او بر جریده
عالم ثبت گردید . روحش شاد

و یادش گرامی باد .
(انا لله وانا الیه راجعون)



محمد شاه شهید مشهور
به شاه آغا فرزند میر عطا مسکونه
چشمه معاذ الله خان معلم صنف
دوازدهم لیسه میر مسجدی
ولسوالی کوهستان ولایت کاپیسا
که در سال ۱۳۶۰ به صنف
مجاهدین پیوست و در آزاد ساختن
منطقه از جنگ ملحدین فعالیت
های زیادی نمود بالاخره در یک
نبرد شدید با قوای وحشی روسی
و غلامان کارملی شان بعد از
انهدام دوتانک زرعی دشمن
خود نیز بدرجه والای شهادت
نایل شد .

(انا لله وانا الیه راجعون)

حقوق

ترجمہ: محمد نسیم ستانیزی

اساسی انسانے

الذکر تعجب آور است به همان میزان این ہم عجیب است کہ در دنیا هیچ نوع از موجودات آنگونه معاملہ و بر خورد با افراد ہم جنس خود نمیکنند به نحویکہ انسان آن را در برابر ہم جنس و ہم نوع خود روا میدارد، ما می بینیم، کہ هیچگونه حیوانی یافت نخواهد شد کہ محض بہ خاطر لطف و لذت و یا بہ خاطر حاکم بودن بر نوع حیوانات دیگر تہاجم نموده باشد.

قانون فطرت اگر یک حیوان را برای حیوان دیگر وسیلہ غذا یافته است، آن حیوان ہم صرف تا حدود اکمال ضرورت های غذایی بر او حملہ می نماید. اینگونه حیوان درندہ کمتر بہ نظر می رسد کہ بعد از زرع ضرورت غذایی، ہم حیوانات دیگر را بدرود حیوانات دیگر با حیوانات ہم جنس خود هیچوقت آنگونه بر خورد را روا نمی دارند طوریکہ انسان آن را در برابر ہمنوع خود لازم میداند، بہ گمان اغلب اینگونه عمل انسان شاید نتیجہ ہمان فضل و شرف باشد کہ خداوند بہ انسان عطا نموده است. این ہم نتیجہ ذہانت عطا کردہ خداوند و کرشمہ قدرت ایجاد اوست کہ انسان درین دنیا چنان روش غیر معمولی را اختیار نموده است، شیران تاکنون کدام ارتش منظم را بہ میان

مسالہ حقوق اساسی انسان برای ما مسلمانہا چیزی تازه ی نیست ممکن بہ نظر دیگران، تاریخ این حقوق از منشور مائل متحد (U, N, O) شروع شدہ باشد و یا از منشور میکنا کارتا (Magna Carta) در انگلستان آغاز یافته باشد اما تصور اینگونه حقوق برای ما از زمان خیلی قدیم آغاز یافته است. قبل ازینکہ درین بخش کتاب روی حقوق اساسی انسان روشنی بینگیم، عرض این نکتہ را بصورت مختصر ضروری میدانم کہ تصور حقوق انسانی چگونه آغاز شدہ است.

مسالہ حقوق اساسی چگونه بماند؟

در حقیقت این خیلی عجیب بہ نظر می رسد کہ در دنیا تنها انسان موجودی است کہ راجع بہ وی در میان خود انسانہا بصورت مکرر این سؤال بوجود می آید کہ حقوق اساسی او چیست بجز از انسان حقوق مخلوقات دیگریکہ در کائنات بسز می برند، از طرف فطرت دادہ شدہ است و بدون اینکہ آنها درباره اش فکر کنند بر ایشان مہیا گردیدہ است تنها انسان مخلوق است کہ این سوال درباره اش بوجود می آید کہ حقوق اساسی او چیست و ضرورت آن ہم پیش می آید کہ حقوق او متعین شود، بہ ہمان میزانیکہ مسالہ فوق

نیامورند، هیچ سگی تا اکنون سگان دیگر را غلام خود نساخت، هیچ بقه ای در صدد خاموش ساختن بقه های دیگر نشد این تنها انسان است و قتیکه از هدایات فرستاده شده خداوند خود را بی نیاز احساس نمود و از اسکانات و قدرتی که خداوند به او ارزانی نموده است شروع به استفاده نمود، اولین کارش اعمال ظلم و ستم بر هم نوع خود بود.

از هنگام موجودیت انسان بر روی زمین الی اکنون تمام حیوانات روی زمین آنگاه انسان ها را از بین نبرده به تعدادیکه خود انسان ها تنها در جنگ جهانی دوم از بین برده اند از بررسی اینگونه مسایل ثابت می شود که انسان در حقیقت راجع به حقوق اساسی انسانهای دیگر درک عمیق و موقف روشن ندارد تنها خداوند بزرگ است که درین مسأله انسان را راهنمایی نموده است. و توسط پیامبران خود او را از حقوق اساسی انسان آگاه نموده است. در حقیقت تنها خالق انسانها تعیین کننده حقوق اساسی انسانها شده می تواند نه خود انسانها، چنانچه روی همین ملحوظ خداوند حقوق بنیادی انسانها را مصلحاً ابلاغ نموده است.

ارتقای شعور حقوق انسانی در عصر حاضر در آغاز این بحث لازم به نظر می آید که قبل از تحقیق و بررسی درباره منشور اسلامی حقوق انسانها راجع به ارتقای شعور حقوق انسانی در عصر حاضر بصورت اجمالی سخن گویم.

۱- در سال (۱۲۰۱) از طرف پادشاه انگلستان موسوم به جان (King John) قانونی بنام «میگنا کارتا» به معرض اجراء گذاشته شد. این قانون در حقیقت به اثرگذار اسرای دربار (Bazons) بتصویب رسیده بود بیشتر از آنکه حیثیت یک قانون را دارا باشد، حیثیت قرارداد حفظ منافع میان شاه و درباریان متنفذ را داشت. این قانون متضمن

حقوق افراد عادی جامعه نبود، زیرا برای حفظ منافع طبقه حاکم نگاشته شده بود. اما زمانی که قانون دانان مسلکی آنرا به نفع طبقه عوام توجیه می نمودند، دهن درباریان و نویسندگان این قانون از تعجب باز ماند قانون دانان قرن هفدهم مواد ذیل را از آن استخراج نمودند که بیشتر به نفع عوام الناس بود.

الف - تحقیق جرم در محضر مجلس قضاء.
ب - و ارسال جسی های بیجا و خلاف قانون.
ج - اعطای حق نظارت به مردم انگلستان درباره تعیین مالیات بر عایدات دولت.

۲- رساله حقوق انسانی **Right of man**
تام پین **Tom Paine** - ۱۷۳۷ - ۱۸۰۹
بالای غربیان تأثیری زیادی کرد، توسط همین رساله بود که در سال ۱۷۷۱ ع - تصور حقوق انسانی در همه کشور های غربی به میزان گسترش یافت.
تام پین به مذهب الهامی معتقد نبود علاوه براین در زمانیکه اومی زیست زمان بغاوت از مذاهب الهامی حامی حقوق انسانی نمی باشد.

۳- مهم ترین بخش داستان انقلاب فرانسه «منشور حقوق انسانی» (Declaration of the Right of man)

۱۷۸۹ بوقوع پیوست.
این انقلاب ثمره فلسفه اجتماعی قرن هجدهم بود که یکی از عوامل آن نظریات ژان ژاک روسو و مفکر به نام فرانسوی بود. وی کتابی بنام قرارداد اجتماعی برشته تحریر در آورد که در آن حاکمیت ملی، آزادی، مساوات و حقوق فطری ملکیت شخص را به اثبات رسانید و هم چنان راجع به مسایل حق رای دادن، قانون سازی و حق نظارت رای عامه بر مالیات دولتی، تحقیق جرم در مقابل مجلس قضا و غیره مسایل اجتماعی به تفصیل سخن گفته

قوای روسی از افغانستان خارج شوند

تصویب چهارمین کنفرانس سران ممالک اسلامی

هنگامیکه سهر اظمیر اسلام در آسمان عقاید درخشان گرفت و کونک اقبال نظریات و عقاید خرائی روبه افول گذاشت، مردم دسته دسته به اسلام گراییدند، تعلیم والا و ار جدار اسلامی را در هر گوشه زندگی خود عملی کردند، با روح تحرک در شراین شان جا گرفت و در مدت کمی اسلام آیین جهانی گشت. چنانچه جواهر لعل نهرو یکی از نخست وزیران اسبق هند که خود از طرفداران کمونیسم بود درین زمینه چنین اعتراف میکند: «بعضی عربها مسیحی و بعضی هم یهودی بودند اما بیشتر شان بت می پرستیدند، شکفت انگیز است که این نژاد عرب که در طول قرون دراز در خفتگی بسر میبردند ظاهراً از آنچه در سایر نواحی اتفاق می افتاد جدا و بیخبر بودند ناگهان بیدار شدند و با نیرو و قدرتی شگرف (شور و جذبه اسلامی) دنیا را تهدید کردند وزیر ورو ساختند».

متأسفانه که به مرور زمان این تحرک و پویایی از جامعه اسلامی رخت بست، سرزمین وسیع خلافت اسلامی پارچه پارچه گردید و تشتت و پراکندگی دامگیر مسلمانان شد تا جایکه مسلمانان در هر ساحه دست نیاز بسوی ییکانگان دراز کردند و ملعبه دست دشمنان اسلام قرار گرفتند و باز فرصت نیافتند تا پیا بایستند و این امر خصوصاً بعد از سقوط امپراتوری عثمانی بسبب استعمار شرقی و غربی بیشتر قابل توجه است.

استعمار جهانی که میتوان آنرا تحت سه عنوان

«کلیسا»، «صهونیسم» و «کمونیسم» خلاصه کرد همیشه در پسمانی و پراکندگی و اذیت مسلمانان نقش عمده داشته است و نگذاشته اند تا مسلمانان باز مجد و عظمت پیشین خود را بسبب آرند زیرا این اسلام بود که دژ استعمار را فرو ریخت، بشریت را از چنگل خون آشامان وارهائیید و موقوفی استعمار و استعمار را اعلام داشت.

امروز مسلمانان به علت غفلت و خواب بردگی عمیق باز بدست عمال امپریالیسم اذیت میشوند و در هر ساحه چه در ساحه سیاسی و چه در ساحه نظامی و... با مشکلات مواجه هستند.

باری همین مشکلات موجود بین سران ممالک

اسلامی حسب تشکیل یک کنفرانس اسلامی را بر انگیزخت که سالانه یکی دو بار نمایندگان کشورهای اسلامی گرد آیند و در باره حل مشکلات جهان اسلام بیاندیشند. از سال ۱۹۷۹ م به این طرف که سرزمین مرد خیز و قهرمان پرور افغانستان تحت یورش نظامی استعمار سرخ قرار گرفت تا بحال چند بار سران و یا وزرای خارجه ممالک اسلامی تشکیل جلسه دادند و هر بار معضله افغانستان نکته مهمی از اجندای کنفرانس را تشکیل میداد و در نتیجه فیصله بر اخراج قوای اشغالگر روسی از افغانستان می نمودند امسال که چهارمین کنفرانس سران ممالک اسلامی بتاریخ ۱۶ جنوری سال جاری در شهر «کازابلانکا» واقع مراکش انعقاد یافت، موضوع

- ۳- مسلط کردن چنان اصول زندگی بر گروهی که برای بقای جسمانی همه افراد گروه و یا برخی از آنها تباه کن باشد.
- ۴- اقدامات جبری برای قطع سلسله توالد در یک گروه.
- ۵- منتقل کردن اطفال یک گروه به گروه دیگر در نتیجه اعمال زور و فشار.
- ۶- «منشور جهانی حقوق انسانی» که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده بود در مقدمه آن از جمله مقاصد دیگر مطلب ذیل نیز ذکر شده بود.
- «برای موثق کردن عقیده در مورد، حقوق اساسی بشر و عزت و اهمیت انسان و تساوی حقوق مردوزن سعی بعمل خواهد آمد».
- ۷- هم چنان از جمله مقاصد ملل متحد یکی این هم بیان شده بود که «تعاون ملل متحد در جهت قیام، احترام به حقوق بشری و کسب آزادیهای بدون در نظر داشت امتیاز زبان، نسل و مذهب هم چنان حاصل خواهد شد».
- ۸- ماده (۵۵) این منشور ملل می گوید:
- «مجلس ملل متحد در جهت کسب حقوق انسانی و دادن آزادی های اساسی برای همه افراد روی زمین و برانگیختن احترام جهانیان نسبت به این ارزشها و حفظ و نگهداشت آن سعی و تلاش خواهد ورزید»
- نماینده هیچ کشوری هم حاضر نشد که با کدام ماده و جزء این منشور مخالفت کند علت آن این بود که اعلام این منشور صرفاً یک اعلان عمومی بود و هیچ نوع مسئولیت را عاید هیچ یک از کشورهای شامل ملل متحد نمی ساخت، زیرا این منشور شکل کدام معاهده را نداشت که کشورهای امضاء کننده آن مجبور به پابندی آزان می شدند، و یا در صورت عدم پابندی به آن نظر به قوانین و ضروریات آنرا برای انسجام جامعه به اثبات رسانیده است اسامبله قانون سازی فرانسه این «منشور حقوق انسانی» را بخاطری تدوین نموده بود زمانیکه قانون فرانسه تدوین گردد این منشور را در آغاز آن درج خواهند نمود تا بعداً روحیه آن در تدوین مواد قانون مراعات شود.
- حقوق که فلسفه جمهوریت برینا نیا بدان اساسگذاری شده می توانست
- ۹- در ترمیم ده ماده حقوق انسانی امریکه (U.S.A.) تا اندازه زیادی از میان رفت
- ۱۰- «منشور حقوق و فرائض انسانی» که در کنفرانس (بگونا) از طرف ریاست های امریکا در سال ۱۹۴۸ ع منظور تصویب شده نیز اهمیت زیادی دارد.
- ۱۱- بر اساس فلسفه جمهوری مؤسسه ملل متحد (U.N.O.) بصورت تدریجی مراجع به حفظ حقوق افراد، قرار داد های خیلی مثبت و مقید را منظور کرد که در نتیجه آن «منشور جهانی حقوق انسان» به میان آمد در دسامبر ۱۹۴۶ اسامبله عمومی ملل متحد قانونی را به تصویب رسانید که براساس آن نسل کشی (Gens cide) نظریه قانون بین المالی جرم نهایت بزرگ قرار داده شد به تعقیب آن در دسامبر سال ۱۹۴۷ برای انسداد نسل کشی و تعیین جزای آن قرار داد دیگری به تصویب رسید که در جنوری ۱۹۵۱ نافذ گردید.
- ۱۲- در تعریف نسل کشی نگاشته بودند که اعمال ذیل را طوری انجام دادن که متصور ازان تا بود کردن یک قوم، نسل یا گروه اخلاقی باشد و یا یک حصه بزرگ آن را در بر گرفته بتواند:
- ۱- همه افراد یک گروه را به قتل رسانیدن
- ۲- وارد کردن خساره شدید جسمی و یا ذهنی به گروه های انسانی

اسلام آنرا به بشریت عطا نموده است .

۱- حق زندگی :

قرآن کریم درباره اولین حادثه قتل بشر ذکری نموده است ، واقعه مذکور در حقیقت اولین سانحه تاریخ بشری بود که یک انسان ، انسان دیگری را از حق زندگی محروم ساخت بعد از وقوع سانحه مذکور این ضرورت پدید آمد تا برای انسانها تفهیم شود که به حق زندگی نمودن دیگران احترام بگذارند ، زیرا که هر انسانی مانند وی حق زندگی را دارد بعد از تذکر این واقعه قرآن کریم چنین می فرماید :-

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ
فَكَلَّمْنَا قَتْلَ النَّاسِ جَمِيعًا وَسَنَأْتِيهِمْ جَمِيعًا
النَّاسِ جَمِيعًا .

(المائدة : ۳۲)

«هر فردی که کسی را بغير عوض و نشر فساد ، در زمین قتل نماید ، پس چنان است که همه مردمان را کشته باشد و هر که سبب زندگی کسی شد پس چنان است که همه مردمان را زنده ساخته باشد»

قرآن کریم در آیه فوق قتل یک انسان را ، برابر با قتل همه افراد بشر می داند .

و در قبال آن حفظ حیات انسانی را برابر با حفظ حیات همه بنی نوع انسان حایز اهمیت قرار داده است .

«احیاء» به معنی زنده کردن است . ازینرو کسی که در جهت تحفظ حیات یک انسان سعی بعمل آورد ، در حقیقت عمل زنده کردن او را انجام داده است . این عمل در نزد اسلام انقدر شایسته و نیک است که از نگاه کیفیت و ارزش آنرا با زنده

بن انمالی ، مسئولیت قانونی بر آنها عاید شود . در منشور تصریح شده است که مواد شامل در آن معیاری است که برای رسیدن به آن سعی خواهد شد . باوجود این هم بعضی از کشورها از دادن رای در تأیید و یا تردید آن اجتناب ورزیدند (۱) .

اکنون با کمال تأسف می بینیم که ضمن موجودیت همین منشور حقوق خیلی ابتدایی انسانها هم لگدمان می شود . اعمال پلانیهای انسانها توسط سبذترین و پیشرفته ترین کشورهای صورت می گیرد که در تصویب این منشور نقش عمده را ایفا کرده بودند .

از این توضیح مختصر استنباط می شود که اولاً در تاریخ دنیای غرب تصور حقوق انسانی سابقه متجاوز از دو صد سال ندارد .

دوم اینکه حالا هم اگر ذکری از حقوق انسانی به میان می آید ،

در پهلوی خود کدام قدرت و سند فاقد (Sanction Authority) ندارد تنها خواهشات خوش آیندی است و بس .

در مقابله و مقایسه با غرب منشور حقوق بشری که قرآن کریم بیان فرموده و حضرت نبی کریم ﷺ حین ایراد خطبه حجة الوداع خلاصه آن را بیان داشتند از دو جهت برتری دارد ، اول اینکه از لحاظ زمان به نسبت تصور حقوق اساسی انسان در غرب قدامت دارد . دوم اینکه برای امت مسلمة مشحیت عقیده اخلاق و مذعب واجب الاتباع است علاوه بر این در جهت قیام عمل این حقوق چه در زمان پیامبر خدا و چه در زمان خلفای راشدين مثال های بی نظیری در تاریخ اسلام موجود است حال ما به ذکر مختصر حقوق می پردازیم که

۱- در جلسه دادن رای ، ۴۸ کشور دنیا در تأیید آن رای دادند و نمایندگان هشت کشور از دادن رای اجتناب کردند که نماینده روسیه نیز در آن شامل بود .

نیاز

در حضور کبریای داد گر
زار نالیدم به هنگام سحر
گفتم: از فیض وجود مصطفی
قلبم از تیر معانی کن خیر
چند سالی شد میان کفر و دین
هست درگیری که خود داری نظر
وعده قرآن بود این آرمات
من نگویم ورنه حرفی را دگر
کشور ما از بسم نا پالم روس
سنگ و خاک و خاله اش زیرو زبر
در مقابل ما نداریم هیچ چیز
غیر ایمان قوی، داس و تبر
بالباس تیره و حال خراب
مادران افتاده در سوگ پسر
نوجوانان «خدا جو» خاک شد
طفلکان گردیده اینک بی پدر
شامگاهان، از خم خون شهید
جامه رنگین شام پوشید به بر
مشرکان و کافران نابود کن
تلاش پیروزی بزلت مارا به سر

خزیکو



لویه خدایه!

راخی راخی زما بود تیدلو خزیکو
له درد او رانج نه زیریدلو خزیکو
به مادر دونه شکتهی را ولی
ای د پیوزلو اسکیر لو خزیکو
د خچل شوو پسرگو دالو
دولسو پاکو سیچلو خزیکو
خوچی درد مندیله نیشه گرز مه
درنج په خم کی لمیدلو خزیکو
چی درنخونو په خم کی ذوبیم همیش
ما که ساقی کری! نازو لو خزیکو
د بصیرت سوغات اهدا کری راته
د رنگین دیدنیکو شاعلو خزیکو
تاسو آسان خنجه انسان جوړوی
په دغه ویاړ بالندی ویاړ لو خزیکو
ای د ضمیر انقلابی خواکونو
له پاک احساس نه پاریدلو خزیکو
تاسو په ما د عشق هیواد ولیدو
د عقیدی د عشق سیچلو خزیکو
«قانع» ته ژوند د حقیقت و بڼی
زمانیو نو زما تخنیدلو خزیکو

لویه خدایه ظالمان خو در په در کړه
د اسی غمه د غمچشو نه خبر کړه
نو ترخوبه د ظالم خپیری خوری دوی
خچل کرم نه دی مظلومو ته څه ورکړه
که هر څومره گناهگار دی ستا حضور کی
شهیدانو پاکو وینو ته نظر کړه
د اکاډه واده راسم په یوه لار کړه
د دشمن په مقابل کی یو سنگر کړه
با ایمانه او بی ایمانه ښه معلوم شو
پيروان د ماد پاتو بوس کسیر کړه
تینگ وحدت او محبت راک پیدا کړه
مونږ روان په سمه لار د پیغمبر کړه
گلوډی او بد بڼی ځنی موسساته
شیطانان زمونږ د صف ځنی بهر کړه
رنگا رنگه طوفانونو یو کی واقع یو
نور او چته دا بیری له سمندر کړه
لویه خدایه چه ناراضه نشی مونږ نه
بریالی موپه دشمن باندی ځنجر کړه
«کاف او لام» غرضونه واوره پاکه ربه
دا ټولی زمونږ په ټولو سرو سر کړه



کردن همه افراد بشر، مساوی قرار داده است. فقط در حالت جداگانه و مستثنی ازین اصول قرارداد یکی آنکه کسی مرتکب قتل نا حق شده باشد و در مقابل آن قصاص شود.

دوم اینکه شخص مصروف فتنه و فساد در روی زمین عیبه مسلمانان باشد ما سوای این دو حالت کسی حق ندارد حیات انسانی را تلف نماید. خداوند (ج) می فرماید:

ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق (بنی اسرائیل - ۳۲) : و مکشید نفسی را که خداوند آنرا حرام ساخته است مگر بحق

خداوند بزرگ اهمیت تحفظ حقوق حیات انسان را از ابتدائی ترین مرحله تاریخ بشری برای انسانها واضح ساخته است این اندیشه که انسانها بعد از قتل و قتال زیاد بین هم به این حقیقت پی بردند، که قتل نفس عمل قبیح و ناهنجار است، بنیان منطقی ندارد.

این گونه اندیشه های بی اساس مبنی بر بدگمانی در مورد خداوند است، قرآن عظیم الشان برای ما به وضوح بیان می دارد که خداوند از ابتدای حیات انسان آنرا رهنمای نموده است و درین رهنمایی این اصل اساسی هم شامل است که انسان ها را از حقوق که در زندگی اجتماعی در مقابل هم دارند آگاه ساخته بود.

۲- حفاظت اشخاص علیل و ناتوان :

حقیقت دیگری که طی آیه های قرآن کریم و ارشادات نبوی به آن اشاره شده اینست که زنان، اطفال، اشخاص سالخورده، زخمی، و مریض، در هر گونه شرایط از تعرض مصون اند، بدون در نظر داشت این اصل که آنها به دشمن تعلق دارند یا نه. اگر این گونه افراد در جنگ علیه مسلمانان برسر پیکار باشد، در آنصورت ازین امر

مستثنی هستند ورنه در حالات دیگر باید کسی به حقوق آنها متعرض نشود. هدایات پیامبر بزرگ اسلام و این مورد خیلی صریح و روشن است مسلمانان نه تنها در مورد اقوام و قبایل مربوط به خود مکلف به رعایت این اصل هستند، بلکه در مقابل همه افراد بشر هم عین مسؤولیت را دارند، در زمان خلفای راشدین قبل از آنکه سپاه سوی دشمن حرکت می کرد درین باره با الفاظ صریح و روشن هدایت می شدند که زنان، اطفال، اشخاص سالخورده، مریض و زخمی باید از ضرب شمشیر آنها مصون باشد.

۳- حفظ عفت زنان :

اصل اساسی دیگر که قرآن بدان اشاره فرموده و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به تفصیل در مورد آن تأکید می نمایند این است که احترام به عفت زنان و حفظ آن در هر حالتی واجب است.

هیچ سرباز اسلامی را مجاز نیست که در ایام جنگ با زنان دشمن برخورد غیر انسانی بنماید نظر به تصریح آیه های قرآن کریم بدکاری و فحشاء در هر نوع حالت بصورت مطلق حرام و مردود است بدون در نظر داشت این که زن مسلمان باشد یا غیر مسلمان به کشور دوست و همسایه مربوط باشد یا به دشمنانی که با ما بر سر پیکار اند.

۴- مساعدت مالی :

یکی از اصول اساسی حقوق بشر که قرآن کریم بران اشاره فرموده این است که انسان گرسنه در هر نوع حالت مستحق آن است که غذا برایش فراهم شود هم چنان اسلام برای شخص برهنه تدارک لباس و برای افراد زخمی و مریض تمهید ادویه را لازم و ضروری می داند.

این نوع حقوق از دیدگاه اسلام عمومی

(Universal) تلقی گردیده بدون استثنا درباره دوست و دشمن، خویش و بیگانه یکسان به رعایت آن تأکید مینماید و فی اموالهم حتی معلوم للسائل والمحروم.

(الذاریات: ۱۹)

و در مالهای شان برای سوال کتنبه و بی بهره (کسی که سوال نمی کند) حصه بود.

و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمأ و آسیراً.

(الدھر: ۸)

و به میل خود به فقیر و یتیم و اسیر طعام می خوراند.

۵- عدل و انصاف:

از جمله اصول اساسی و بنیادی که قرآن به پیروی از آن تأکید می نماید این است که با مردم باید در مسائل و معاملات همه جانبه زندگی شان عدل و انصاف صورت بگیرد.

ولا یجرمکم شتان قوم علی الا تعدلوا
اعدلوا هو اقرب للتقوی. (المائده: ۸)

و دشمنی قومی با شما باعث بر این نشود که انصاف نکنید، انصاف کنید که انصاف به تقوی بسیار نزدیک است.

در آیه فوق، اسلام این اصل کلی را توضیح میدارد. که پیروی از امر عدل و انصاف چه بایک فرد یا قوم، دوست و دشمن در هر حالت ضروری می باشد. اسلام این عمل را که مابا دوستان خود بر اساس اصول عدل و انصاف بر خورد کنیم و در مورد دشمنان خود آنرا نظر انداز کنیم مردود می شمارد.

۶- تعاون در نیکی و عدم تعاون در بدی:

بدون شک میدانند که نظم و استحکام جامعه ضرورت به تعاون باهمی افراد آن جامعه دارد قرآن این مسأله را توضیح نموده است که افراد جامعه

مکات به تعاون و همکاری در چگونه اموری باهم اند، اسلام به تعاون و همکاری، در مسایل حق رسانی و نیکی امری می کند و از تعاون در مسایلی که از آن فتنه، شر و ظلم متصور باشد مانع می شود.

مسلمان مکلف است که اگر ظلم را برادرش هم مرتکب شد با او تعاون نکند و در امور خیریه حتی با دشمن هم کمک نماید.

وتعاونوا علی البر و التقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان.

(المائده: ۲)

و همدیگر را بر نیکی کاری و به پرهیز کاری مدد کنید و مدد مکنید همدیگر را بر گناه و ظلم.

معنی کلمه (بر) در لسان عربی تنها نیکی کردن نیست بلکه به مفهوم حق رسانی نیز استعمال می شود یعنی فرد مسلمان در رساندن حقوق دیگران و مسایل تقوی و پرهیزگاری با هر کسی مدد و مددگار است.

پالانهای استعماری...

پارچه ساختن وحدت اسلامی در ماحول اجتماع اسلامی میباشد تا بدینوسیله در جامعه مسلمانان آرمان و مقاصد شان برآورده شود؟ آیا دانستید که کمترین مرام شان فاسد ساختن فابیل مسلمان است تا به این وسیله اعضای آنها از ذکور و اناث در لجنزار جرم و عصیان منهدم نموده در گودال هلاکت سقوط دهد.

وقتی این مطالب را درک نمودید پس معیار مسؤولیت خود را در برابر نعل موجوده و آینده در پیشگاه خود مجسم و مصور بساز مسؤولیتی که خالق زمین و زمان بدوشت گذاشته که بطرز صحیح و کمال به ادای این مسؤولیت مبادرت ورزی تا با انجام این هدف عالی در مواد تربیه اولاد و اصلاح فامیلت به بزرگترین مقامی فائز آیی. والسلام

وحدت و یکپارچگی در تیوری و عمل

«نفس هر دم ز قصر عمر خشتی میکند بیدل !»

«پی تعمیر این ویرانه معماری چنین با ید»

گذشتن عمر و پوده شدن ساختن فزیک و روحی مستقیماً تناسب دارد با احتیاج تکیه بر مسندیکه کمبود یهای «تیوری انسانی» را جبران کند - بی نیازی از جامعه در چنین حالت و مرحله بی از عمر بی نیازی از زندگی است و توغل در وحشت «دد و دام» جنگلی و «Farestism» - البته این کلیه ارتباط میگیرد با بعد همه جانبه جوامع بشری - اما مسأله وحدت و یکپارچگی در تیوری و عمل پدیده بی است که مخصوص جهانبینیهای وایدیولوژیها و طرز تفکرها بوده و نقش سازنده، آن در ساز ما نهی فشرده - پلان شد، و سازمان یافتن بشریت بنا رز میکند و روی هم رفته جامعه پابند جهانبینی و ایدیدو لوژی مخصوص خلیفها این پدیده را مورد توجه جدی قرار میدهد - چه در غیر آن، سازمان - از هم میپاشد و مرکز ثقل انرژی آن را عنصر بی کفایتی و بی خاصیتی جذب و دعوت متعجب میسازد و آنگاه عذاب پر سرش فرود میآید که همه اعضای آن جنبش را به سوی عدم و نیستی عینی و ذهنی سوق میدهد !!

دید، میشود که بعد از انحلال یک گروپ سیاسی، سازمان اجتماعی و جماعتی دارای ایدیدو لوژی و جهانبینی بخصوص - گرچه قبل از انحلال و پارچه شدن، نیرومندتر، منسجمتر، بال انرژی تر، پرکارتر - خدمتگذار تر و به واقعیت از همه کرده نیز د یکتر نیز باشد، بر آن مارکها و مهرهای گروهک

پدیده وحدت و یکپارچگی و نتایج سود مند آن از هیچ صاحب نظری پوشیده نیست، وحدت پدیده بی است که در جریان تاریخ و جامعه، در هر مرحله بی از زمان با این دو اصل زندگی انسانی - گره خورده است - و باز تأثیرهای از تأثیر بسزای او در دهلیز مدید تاریخ چنان میدرخشد که - قهرمانان این واقعیت در هر چهار راهی از بعد های زمان جلب توجه میکنند. پوینده گاهی که از این دهلیز عبور میکنند، در حالیکه قدم به قدم و مرحله به مرحله و منزل به منزل از این قهرمانان طلب دستور میکنند و سپس راه میپویند. در پس منظر هدف و «پیرامونگر» زندگی گروهی و دسته جمعی و «انسان زیستن» نقشه هایی از پیاده کردن این پدیده در «پیرامونگر» و محیط زیست با خود داشته در جهت به سر رسیدن، پختگی و رسوخ آن در جامعه از هیچگونه تلاش فرو گذاشت نمیورزند.

انسان که بحکم فطرت از مرگ و زندگی تجربه موثقی دارد و تنی هم از این دو واقعیت انکار کرده نمیتواند - از ادوار «زنجیری» زمانه ها درسی دارد و از «یکتا» زیستنش تجارب تلخ منفی و منجر به ناکامی؛ «بیدل» که طراح چیره دست تجارب زندگی و شاگرد مکتب انسان ساز توحید اسلامی است دریکی از سروده هایش «ساجرای محتاج بودن انسان رابه همنو عش و ناگزیری او را از پیوستن به جامعه» چنین طرح میکند:

خود ساخته - خود فروخته ، از پادر آمده و ناپس
وابسته به استعمار (. . .) بی کفایت ، خائض ،
مرتجع ، قلابی و دور از واقعیت زده میشود و به جهان
قسمی تبلیغ و معرفی میشود که سازمان سیاسی خائنی
از آن تاهنوز در جوامع بشری عرض اندام نکرده است
. . . و از طرفی هم هنگامیکه سازمانی ، جنبشی و
نهضتی پا به عرصه زندگی سیاسی میگذازد - طبعاً
جهت مخالفی دارد که وی برضد آن در - سنگر
مبارزه ایدیو لوژیکی . . . قرار گرفته است ، مرام
و اساسنامه ی تدوین کرده است ، که فقره ، فقره و
ماده ، ماده آن در ذهن رقیب سیاسیاش میگوید - و
بر آن است که روزی آمدنی است قلابه زعم خودش
باطل را با تمام دار و مدارش خورد و ریزه کند و
خود زمام امور جامعه را در دست گیرد !! و سپس
تأسیس حکومت نموده و مرام سیاسیاش را بر جامعه
یکبار در آن مایه و پایه گرفته است تطبیق نماید .

برای بر آوردن آرمان اندیشه های یک نهضت
انقلابی که میخواهد جامعه اش را دیگرگون سازد
و اندیشه های جهان بینی بخصوصش را بر آن تطبیق و
به دست عمل بیاورد - از همه اولتر داشتن مفکوره
بی است که او از آغاز بنیاد گذاری جنبش خود را در
سنگر فکر کند و برای هموار سازی ناملایمات به همه
منسوبین نهضت درس ثبات ، استقامت ، برده بازی و
داشتن حوصله وسیع انقلابی دهد - که این امر بدون
یکپار چگی غیر ممکن است و اندیشه هیچگاه بر
کرسی عمل تکیه زده نمیتواند . . .

روابط اجتماعی فرد با جامعه و جامعه با فرد که
لب لباب آن دریک سازمان اجتماعی سیاسی - طرح و
و تصور میشود - ارکان عمده وحدت را که خود کفایی،
درایت ، اعتدال بر منسوبین نهضت - و عدم احساس
بی پشتو انگی و تنهایی را تشکیل میدهد ، آبراری و
و جاندار تر نموده - نوعی خود سازی خودی و

تربیه ناخود آگاه یکجا جوشیدن با تمام صفات یک
شخصیت برانزده در کوره وحدت و یکپار چگی است
. . . در چنین مرحله ی از مراحل حساس سازندگی
انقلابی افراد ازهم تفکیک میشوند و بیشها و ایدیو
لوژیها از هم فاصله میگیرند به این معنا که شخصیتهای
متعهد به شخص و افراد متعهد به جهان بینی و ایدیو
لوژی درین سازمان رخنه و عرض اندام نمیکند -
مسلم ترین ضربه بیکبار تنه و پیکر و کله سازمان
وارد میشود همانا بروز شخصیتهای متعهد به شخص نه
به ایدیولوژی و جهان بینی اند ، زیرا شخصیت اشخاص
متعهد به شخص را شاخصهای تشخیص و تشکیل
و پیریزی میکنند که هرگز با سازمان و سازماندهی
و نهضت و جنبش و انقلاب و دیگر گونی رابطه ی
نداردند - آن شاخصها فقط کسی را میخوانند که
دراور سوب کرده و از کسی را میخوانند که برای
ارضای شان خود را خود «غول» میزند و اسباب فراهم
میسازد . . . موجودیت افرادی در یک نهضت ،
هسته قیادت را نیز متأثر میسازد و به عوض مشوره
درست که باید هنگام حل مشکلات با «بانه قیادت» بدهند
بر نظر بات نا صواب آن نیز منجر صحنه میگذارند و به
«بله ! همین طور است ، سبحان الله ! نظر شما و
غلطی ؟ ! . . . » قیادت را به بیراهه میکشاند - از
برای اینکه رابطه بین سازمان و هسته «رهبری»
و «قیادت» ازهم فاصله نگیرند و روحیه ی اعتمادی
بین اعضای سازمان و جریان و جنبش تقویه نشود ،
وحدت و یکپار چگی در تئوری و عمل این خدای
سازمان و سازماندهی را ریزه نموده ، به این الوتقما -
بوتها کہا ، متملقین و چاپلو سها موقع نمیدهد ،
جهت احراز مقام نه بحساب دین و ملت ، در
سازمان رخنه کنند !
عصریکه مادر امتداد آن زیست میکنیم بیشتر
از همه عصر عابه اتحاد و یکپار چگی در تئوری و

دارند! جزئیترین حرکت نهضت جهانی اسلام را تحمل کرده نمیتوانند و بنام دهشت انگنان، عناصر ضد امنیت و اشرار آنها را بر مردم جهان تبلیغ میکنند و مایه شگفت انگیز اینکه دول هم جوار اسلامی این - گماشتگان با وصفیکه فریاد از اسلام میزنند، خبر های استعماری را تزیین نموده، صفحات مجله ها، جراید و روز نامه های شان را بدان روش میبنجشند. (تقرین باد بر چنین وضع تا بسامان). با وجود این وضع تا بسامان چگونه میتوان اعتماد کرد که گرد هم آییها و کنفرانسها و فیصله نامه های به اصطلاح... در د عالم اسلام را دوا کند؟ خیلی بعید است!

ما در مقطعی از زمان قرار داریم که تجارب کافی و اندوخته های فراوانی چراغ راه جهاد و مبارزه ما است به این معنی که با تمام دشمنان اسلام معرفت کامل داشته و وجود دیگران و خودمان در درگیری با دشمنان اسلام برای ما درسی شده است و برای آیندگان، ما عبرت و سرمشقی، همه چیز روشن است و از همه چیز نسبتاً آگاهی داریم و بر همه چیز در رابطه با جهاد و مبارزه، نسبتاً دسترسی داریم و امکاناتیکه بتواند از لحاظ عقیدوی، تیوریک و عملی دشمن را به زانو در آورد - در دست ما است؛ و لی با هزاران تأسف باید اظهار نمود که با وجود این اسکاژات و شرایط، قوه محرکه ییکه بتواند ما را در جبهه و احدی بسیج نماید هنوز در قلوب ما جوانه نزده و نه گرمی و حرارت و جاذبه ییکه ما را با هم پیوند دهد و پیکر لنگرداری از ما بسازد تا حال از کانون ایمان مابرقلمر وجود ما حکومت نمیکند - در دستان چیزی میگویم و در دل ما چیزی دیگری است. از زبان ماسخ های چرب و آبدار و تابدار و موجددار و نسبتاً سوثر بسوی هوا پرواز میکند ولی در ساحه عمل چنان «بی بنیاد و بی بقا هستیم» که میپرس!

عمل عالم اسلام بطور عام و ملتهای مؤمن در گیر جنگ با «ابرشیطانهای شرق و غرب» بطور خاص - ضرورت مبرم دارد - چه «ابرشیطانها» با تمام قوای شان متوجه درهم کوبیدن در مجموع عالم اسلام اندودر رابطه با این سرکوبی - نیرو های نظامی، شبکه های جاسوسی، و سایل ارتباط جمعی سرمایه گذار یهای هنگفت، گماشتن ستونهای پنجم... شان رایبه ملتی اسلامی بی متوجه میسازند که در آن جنبشی، نهضتی و گروهی خواهان تأسیس حکومت اسلامی باشند - البته درگیری ملت مؤمن و مجاهد ما با روس جهانخوا و در واقع با بلوک - کمونیسم نشانه بی است از نشانه های زنده و دال بر قضیه و ثبوت آن، برای تحقق آرمانهای شوم شان از هیچگونه وحشت و ددمنشی کناره گیری نمیکند و هر وسیله ممکنیکه جانب مقابل شان را سر کوب میکند و به نابودی سوق میدهد بآن توسل جست به کار بردن آن را برای رسیدن به هدف، مقدس میپندارند - آنها را چه پاک اگر ملتی با تمام هستی شان به نابودی میگردانند؛ تقاضای فلسفه و جهانبینی شهن همین است که کمونیسم و سرمایه داری دنیا را ببلعد و کرمبلن و قصر سفید نشینان غرق عیاشی و ترفه باشند.

سرگذشت درد آور و غم انگیزیکه بر ملت آواره فلسطین میگذرد توقع آن نیز منبود که سوریه و لبنان و مصر و عراق و لیبیا و... دیگرکشور های اسلامی نیز روزی، نظربه فعالیت و خلف الصدق گماشتگان و - مزدوران استعمار - گرفتار همین سرنوشت شوند - مقدمه هامرتب شده اند و دور نیست که، در صورت عدم مقاومت قوای انقلابی اسلامی، عالم اسلام در حلقوم کمونیسم فرو رود!! همین حالا مشاهده میکنیم - که چاکران استعمار در ممالک اسلامی که اکثریت قاطع شان زمام امور دول اسلامی را بعهده

و روحیه وحدت اسلامی محال است بر دشمن اسلام و بشریت پیروز شده و از ذلت دنیا و آخرت نجات یا بیم و همت است راه نجات و راه پیروزی و بهر وزی و سعادت و کمال .

ما برای برآورده شدن این مامول مقدس قیام کرده ایم و قادمی در این راه ، کار و پیکار وجدیت از خودشان خواهیم داد که جان در بدن داریم و اختیار در کف :

گر نمیریم زنده بردوزیم جامه بی کز فراق چاک شده و ربیریم عذر ما پیدیر ای بسا آرزو که خاک شده!

تجلی شداید و مشقات ...

که سربیک مشرک را بوسه کنم ، مگر آنکه همه و برادران مرا رها کنی و در نتیجه حضرت عبدالله در مقابل رهایی همه اسرای مسلمان سر آن طاغوت را بوسه میکند و خودش و دیگر برادران خود را رها می نماید . ولی عبدالله با وجود آن در ضمیر خویش احساس قلق و اضطراب میکند تا آنکه آن اسیرات رها شده را با خود گرفته بحضور حضرت عمر فاروق حاضر میگردد و ماجرا را برایش شرح میدهد ، حضرت عمر ، که شهادت و شجاعت او موجب رهایی خودش و برادران مسلمان او شده است ، از وی خیلی خوش میشود ، عبدالله را در بغل گرفته سر او را بوسه میکند و به همه امر میکند که سر این قهرمان اسلام را بوسه کنند و بایست صورت قلق و اضطراب عبدالله جهان فانی را وداع گفته و ما جبراه او بحیث یک کارنامه بزرگ او در تاریخ زرین اسلام ثبت می گردد . رضی الله تعالی عنه .



دم از یکدلی و یکپارچگی و اتحاد و همستگی و برادری میزیم و لی دهرز او به یی از حرکات عملی ما علاماتی از نفاق محسوس است ؛ شب و روز در همین فکریم که فلان را از کدام راه به زانو در آوریم تا از یکطرف ... بگیریم و از طرف دیگر ضربه بی بر پیکر اتحاد و یکپارچگی مسلمانان وارد نماییم و موقف از دست رفته مان را باز یابیم ، تعمد اتیرا که با خدا (ج) درجهت اعلائی کلمه او و جهاد در راه او ، بسته ایم روز به روز نزدیک به فراموشی میشود ، آیا انتظار نداشته باشیم که ، بسبب ظلم و عصبیان و سر کشی ما روزی عذاب خدا (ج) بر ما نازل خواهد شد ؟ «حتماً !» ؛ زیرا خداوند متعال فرماید :

و اتقوا فتنة لا تصيب الذين ظلموا انكم خاصة و اعلموا ان الله شديد العقاب .

از فتنه بی . بپرهیزید ، که تنها به ظالمانی از شما نخواهد رسید (بلکه شما را نیز نیست و نا بود خواهد کرد) و بدانید که همانا الله (ج) سخت عقوبت کننده است و وقتی که عذاب پروردگار نازل شد تنها ظالمان را نمگیرد بلکه همه آنان را شامل میگردد که در آن جامعه زیست میکنند و بدانید که عذاب خدا (ج) عام است .

پس بیایید که از خربشتن آغاز کنیم و در قدم اول ترازو و پیمانۀ شخصیتها را بر زمین نماییم و به عوض اینکه بی این و آن تبلیغ نماییم و شخصیتها را تسول و ترازو و پیمانه کنیم خویششتن را اصلاح نموده از منافع شخصی و حزبی و گروهی و قومی دست برداشته و از این سنگر نفاق «واقعاً نفاق !» عقب نشینی نموده ، بخاطر کسب رضای خدا و پیروزی اسلام عزیز با پاسداران لوی اتحاد اسلامی پیوسته ، تجدید توبه نماییم و نقطه بنام اعلائی کلمه الله و حاکمیت قرآن و حکومت اسلام کار و پیکار کنیم و بجز انتخاب این شیوه و داشتن احساس و نیت و عمل

افغانستان یکی از موضوعات مهم اجندای کانفرانس بود و سرانجام مانند سالهای گذشته با اکثریت قاطع فیصله نمودند که قوای روس از افغانستان خارج شوند.»

گرچه تشکیل کنفرانسهای اسلامی قدم نیک است برای وحدت و یکپارچگی جهان اسلام و کنفرانس ممالک اسلامی اسسال برای ما از جهت دیگر نیز حایز اهمیت شایانی است و آن عبارت است از نه پندگن ملت مجاهد افغانستان درین کنفرانس ولی آنچه قابل یادآوری است این است که چنین کنفرانسهایی که تنها در گفتار خلاصه شود و جنبه عملی نداشته باشد هیچ یک از درد های جهان اسلام را دوا نخواهد کرد. مسلمانان فلسطین هنوز هم بدست صهیونیستها اذیت میشوند و «شائیل» و «صبرا» هنوز بخورن فلسطینی ها رنگ است، جنگ ایران و عراق هنوز به شدت در جریان است و اشغال نظامی افغانستان توسط روسهای شفاک که شهرتین معضله جهان اسلام است خاتمه نیافته است. هر روز صد ها و هزاران زن از هم میهنان ما بدست جلادان کرمین بشهادت میرند و هر روز قریه ها و قصبه ها توسط طیارات بم افکن روسی با خاک یکسان میشود و مردم بی دفاع آن قتل عام میشود چنانچه قتل عام کرانه در ولایت کنر ها، قتل عام مرده هرات، قتل عام مردم اشتالاف

و قتل عام مردم غزنی درین اواخر هزاران تن از ملت مسلمان ما عقب سیله های زندانها بسر میبرند و هر روز بدست عمال امپریالیزم سرخ شکنجه و تعذیب و تحقیر میشوند وعده بی هم در قتلگه ها کشته میشوند و حتی اکثر شان زنده بگور میشوند چنانچه در زمان حکومت حفیظ الله امین بست دوازده هزار تن از زندانیهایی که توسط حکومت ملحد بشهادت رسیده بودند بر دیوار های محبس پلچرخ و در ولایات آویخته شد و خود بر این جرم ننگین و ناخوشودنی خود اعتراف نمودند.

پیشنهاد ما به سران ممالک اسلامی آنهاییکه در قید و بند استعمار شرق و غربی نیستند اینست که هر آنچه در باره حل مشکلات موجود جهان اسلام تصویب میکنند در زمینه قدم عملی بگذارند آنچه جهان اسلام حیثیت و وقار اسلامی و از دست رفته خود را اعاده خواهد کرد ورنه :

«به حرف و صوت بسر نگردد آزادی

بین اسیر نفس تو تویارت گویا را»

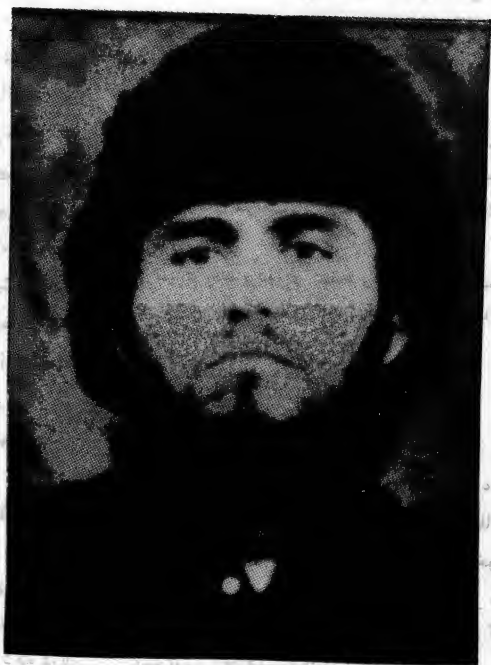
و پیشنهاد ما به آنهاییکه در قید و بند بیگانگان بسر میبرند این است که به این وضع ذلت بار و غلامانه خود خاتمه بخشند و در راه وحدت و پیشرفت جهان اسلام سعی ورزند.

تنها امریکه علاج درد ها را میکند این است که اسلام در زندگی حکومت کند و اداره امور زندگی بدست اسلام باشد.

اسلام نظام طبقاتی را از بنیاد خراب میکند و اعلام مینماید که تفاوت افراد باختلاف استعداد های ذاتی و موهبت های خدا دادی است و بس.

(استاد سید قطب شهید)

محمد خاله «چوین» شهید



بود. بعد از مدت پانزده ماه جهاد و پیکار در منطقه بدخشان بتاريخ ۲۳-۳-۱۳۰۹ وارد زا دگه اصلی اش (ولسوالی چاه آب) گردید و در جبهه توحید آن ولسوالی بحیث قوماندان از طرف مجاهدین انتخاب گردید. در مدت چهار سال که سمت قوماندانی را بعهده داشت. آنقدر از خود شجاعت و دلیری نشان داده بود که روستاهای متجاوز را در تعجب آورده بود.

۱- زد و خورد قریه ایزنه: در این عملیات دو دستگاه تانک دشمن سلامت به اسارت مجاهدین درآمد و مقدار زیاد سلاح ثقیله و خفیفه دشمن به غنیمت گرفته شد و تعداد زیاد متجاوزین و نوکران حلقه بکوش آنها به جهنم فرستاده شد.

۲- زد و خورد قریه گزان که بسیارتر به نفع مجاهدین انجام گرفت. یک قدار سلاح و مهمات دشمن به غنیمت مجاهدین درآمد ۳- محاصره قریه (پستیکه) توسط

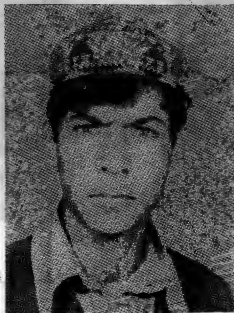
قوماندان محمد خاله
فرزند خال محمد مسکونه قریه
قریه کلانک ولسوالی چاه آب
ولایت تخار متولد سال ۱۳۳۳
است موصوف در سال ۱۳۰۶
به عسکری سوق و به همکاری
دیگر همرز مانش بتاريخ
۱۳۰۶-۱۳۰۸ یک کتک عسکری
را با سلاح و مهماتش در ولسوالی
دره پیچ به مجاهدین تسلیم نمودند
از هدان تاریخ به بعد به جهاد عملی
علیه رو سها قیام نمود. موصوف
باعشق و علاقه‌ای که با جهاد داشت

و غیرت و ایمانی که در وجودش
بود. در همه عملیات نقش مؤثری
را ایفا می نمود.
در ولایت بدخشان در تمام
عملیات وزدو خوردها برضد
رو سها سهم فعال و چشم گیری
داشت. در جنگهای ساخه کران
و مینجان، حضرت سعید،
حومتک، جلفز شرکت نمود
و شخصاً صدها میل سلاح را
از دشمن به غنیمت گرفته بود.
در میان همسنگرانش چهره یکه تاز
میدان نبرد شناخته شده



روسها به کشور ما شروع بهجهد مسلحانه نمود و در اکثر جنگ ها علیه قوای اشغالگر اشتراک میورزید ، بالاخره در برج قوس سال ۱۳۶۰ در وقت حمله بالای هومته دولتی بدرجه شهادت رسید .

(انا لله وانا اليه راجعون)



محمد ناصر شهید
فرزند محمد رسول در سال ۱۳۴۴ - ش در قریه وریا خیل ولسوالی پغمان در یک فامیل متدین و علم دوست تولد و

به سلامت از محاصره رهائی یافتند
۷- در زد و خورد قریه اسلام آباد با طیارات و پیاده نظام دشمن مقاومت نموده و فعالیت های مذهبی آنها راخنثی و تعداد زیاد شانرا روانه دارالسقر نمودند.
در تمام عملیات فوق الذکر پرچمی های سه ولسوالی ذ مآب یکی قلعه ، ورسحاق ، با تانکها و طیارات وعساکر روس اشتراک داشتند . و ازین گونه دهها عملیات قوماندان (خالد) شهید مییابد .
سر انجام بتاریخ ۸ سنبله سال ۱۳۶۲ در عملیات تعرضی بالای ولسوالی ینی قلعه درحالیکه در خانه ولسوالی داخل شده بعد از سردار نمودن برادر ولسوال وعده زیاد عساکرولسوالی عنقریب فتح ولسوالی را نصیب شده بود که روسها به وحشت افتیده به استفاده از طیارات و تانکها اطراف ولسوالی را محاصره نموده قوماندان خالد پایتوشمس ۲۶ نفر از مجاهدین پاک بازشر جام شهادت را بسر کشید

محمد ظفر شهید
فرزند موسی خان باشنده قلعه فیض ولسوالی قره باغ در سال ۱۳۴۰ - ش در یک فامیل متدین تولد گردید ، با هجوم

تانکها و طیارات دشمن و سردار نمودن عده زیاد آنها و غنیمت گرفتن چند میل سلاح ثقیله و خفیفه آنها توسط مجاهدین و در این نبرد قوماندان خالد خود سهم فعال را در جنگ ایفا نمود.
۴- عملیات توخی بالای یک قوای سیار خلقی ها در قریه انجیر و نیست و نابود کردن تمام آنها و بدست آوردن پنجاه میل سلاح ثقیله و خفیفه از متجاوزین و سردار نمودن قوماندان حکومت و ضابط آن قواء .
۵- شکستادن محاصره شدید قریه - انجیر که روسها با ۴ فروند طیاره بم افکن و تانکهای بی شمار قریه را در محاصره کشیده بودند و مجاهدین در داخل قریه محصور بودند بعد از سردار نمودن عده از روسها و نوکران زر خرید شان در ظرف سه شب و روز مقاومت ، مجاهدین سلامت بفضل خداوند (ج) از آن محاصره نجات یافتند .

۶- در محاصره شدید قریه پایشاف در ظرف ۲ شبانه روز که با طیارات و تانکهای بیشمار و پیاده نظام روسها و پرچمی ها مجاهدین مقاومت نمودند عده زیاد توان ملحد در این نبرد خونین رهسپاری جهنم گردید . و مجاهدین

فرزند چهاری پهلوان باشنده قریه
شکیار ولسوالی سانچارک ولایت
جوزجان در یک فامیل متدین
تولد گردید او بعد از فرا گرفتن
تعلیمات دینی شروع به تربیه
جوانان نمود و شاگردان زیادی
تربیه نمود، با روی کار شدن
حکومت الحادی تره کی شروع
به فعالیت و جهاد علیه این رژیم
فانسد و غلامان حلقه بگوش روس
نمود و مردم را تشویق بجهاد
مسلحانه نمود، در برج حوت
سال ۱۳۵۷ قیام مردم مسلمان
سانچارک را رهبری و نخستین
کمیته اسلامی را در ولسوالی
مذکور تأسیس نمود، سرانجام
در سال ۱۳۵۹ ذریعه خلقی های
وطن فروش به شهادت رسانده شد.
(انا لله وانا الیه راجعون)



عبدالجبار شهید فرزند
گدیری شاه مسکونه نوای خلم که
در یک جنگ با ملحدین به
شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



الله کل شهید فرزند
جمعه خان در سال ۱۳۳۷ هـ ش
در قریه بسان خالذاری ولسوالی
پغمان ولایت کابل متولد و به
سن هفت سالگی شامل مکتب شد،
او هنوز متعلم لیسه پغمان بود که
گودتای منحوس شور بوقوع
پیوست، موصوف تحصیل را ترک
و شروع به جهاد علیه منکرین
خدا نمود، بالاخره بتاریخ
۱۳۶۲-۳-۲۰ در یک برخورد با
قوای کفر به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

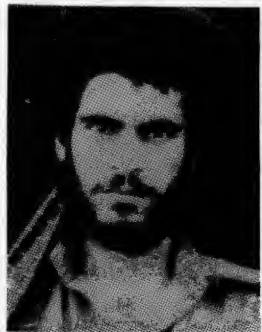


مولوی شیر علی شهید

تحصیلات خود را الی صنف یازدهم
در لیسه پغمان ادامه داد.

با هجوم روسها به کشور ما
شروع بجهاد مسلحانه نمود، او
مهارت خاصی که در استعمال
سلاح ها داشت ضربات قابل
توجهی بدشمن وارد مینمود،
بالاخره بتاریخ ۱۶ سرطان
۱۳۶۱ در یک جنگ شدید علیه
قوای اشغالگر بعد از مقاومت
ده ساعته و تلفات قابل ملاحظه
بدشمن مرداوار بدرجۀ شهادت
نایل شد.

(انا لله وانا الیه راجعون)



عین الدین شهید

فرزند غلام محمد باشنده شیوه کی
ولسوالی بگرامی ولایت کابل که
بعد از مدت ها جهاد مسلحانه در
یک نبرد شدید علیه قوای خون
آشام روس بتاریخ ۱۰-۷-۱۳۶۲
هـ ش بدرجۀ شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

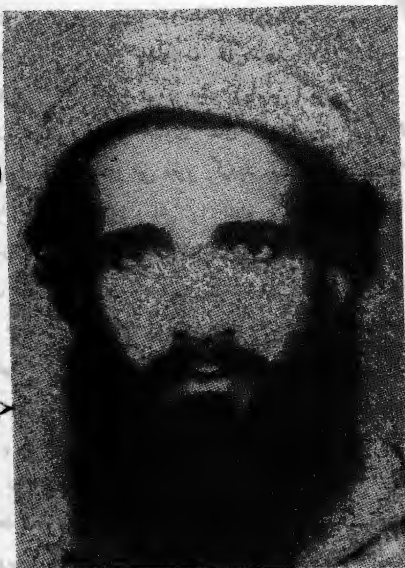
چهل شهید در یک سنگ

خوانندگان گرامی اطلاع دارند که یک گروه چهل نفری از برادران مجاهد حوزه «الفرقان» ولسوالی غوربند ولایت پروان بغرض کمک به برادران مرکز ولایت پروان و پاک سازی منطقه از لوث وجود پوخته های دولتی در اخیر برج اسد سال ۱۳۶۲ عازم مرکز ولایت پروان شدند و شروع به عملیات علیه پوخته های دولتی نمودند، به سلسله همین عملیات بتاريخ اول برج سنبله سال جاری در یک برخورد علیه قوای وحشی روس در منطقه سنجدره ولایت پروان همه در یک سنگ تا آخرین فیض مرسی و آخرین رمق حیات شان مقابله کرده و یکجا باهم جام شهادت نوشیدند، اینک زندگی نامه بعضی از آنها که بدسترس ما قرار گرفته است به نشر سپردیم، به باز ماندگان شان اجر جمیل و به همسران مؤمن شان استقامت و پایداری از خدای بزرگ (ج) مسألت میداریم.

«اداره»

قوماندان عبدالشیر

ولد محمد سام که بتاريخ (۱۳۳۰) در مکر خیل قمچاق غوربند تولد گردیده و تحصیلات ابتدائی خود را الی صنف ششم در مکتب قمچاق و دوره ثانوی را در لیسه چهار ده غوربند به پایان رسانید سپس در سال (۱۳۵۲) در دستگاه دولتی در پروژه خان آباد بحیث مامور بخدمت گماشته شد و بعد از مدت یک سال ماموریت به عسکری اعزام و در سال ۶۴ بعد از طی دوره مکلفیت خود مجدداً به وظیفه ماموریت در مخبریات قندهار اشغال وظیفه



نمود تا اینکه بعد از کودتای تنگین
ثور در ماه جدی ۱۳۰۸ وظیفه
در دستگاه دولت ملحد را برای خود
تنگین و عار دانسته وظیفه ماموریت
خود را ترک نمود.

از انجائیکه قومآزادان
عبدالرشید شهید دارای شخصیت
عالی و پسندیده و مسلمان صادق
بود در سال (۱۳۰۹) در صفوف
مجاهدین پیوست او در میدان
نبرد با کفر و نفاق بصف یک
مجاهد واقعی و شجاع و با
صداقت از هیچ گونه فداکاری -
ایثار و خودکداری در راه پیروزی
انقلاب اسلامی دریغ نفرموده
بارها در عملیات علیه قوای کفر
سهم بارز گرفته با مهارت و
دلاوری بنفع انقلاب اسلامی عرق
ریزی و جانپنازی خستگی ناپذیر
نمود تا اینکه نظر به صداقت و
لباقتیکه از خود نشان داد (پاوت
حوزه الفرقان موصوف را به
صفت قوماندان جبهه الفرقان
تعیین نمودند که در طول این
ماموریت خدمات قابل و صف
انجام داد و در راه پیشرفت
انقلاب سعی بلیغ بفرج داد تا
اینکه در تاریخ ۱-۶-۱۳۶۲ در
منطقه سنجد دره در یک نبرد
رویا روی با قواء روسی بعد از
پهنم فرستادن عده ی از روسان

جام شهادت به سر کشید .
(انا لله وانا الیه راجعون)



محمد رفیق شهید ولد
محمد صدیق که در تاریخ ۱۳۳۰
در مکر خیل قمچاق ولسوالی
غوربند متولد شد تحصیلات
ابتدائی خود را در مکتب قمچاق
و دوره متوسطه و ثانوی را در
لیسه چهار ده غوربند به پایان
رسانید و در سال (۱۳۰۲) در
پروژه آبیاری خان آباد بحیث
مامور فنی مقرر گردید صادقانه
وظایف اش را انجام میداد تا
اینکه در سال (۱۳۰۳) به
عسکری اعزام و بعد از انجام
دوره مکلفیت وظیفه قبلی خویش
را اشغال نمود تا اینکه رژیم
فاسد و زیان کار کفر و کمونیزم
بمیان آمد مامور محمد رفیق پا
درک حقایق و ایفای وظیفه را در
تحت قیادت ملحدین و دستور
روسان عار دانسته ترک وظیفه

نمود و در صف مجاهدین انقلاب
اسلامی قرار گرفت و در راه
مبارزه حق علیه باطل در عملیات
های متواتر سهم گرفته بحیث
سرگروپ مجاهد میوزید سر
انجام در برخورد رویا روی با
روسها بتاريخ اول سنبله ۱۳۶۲
در منطقه سنجد دره به مقام رفیع
شهادت نایل آمد .

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید نور باز ولد
طهره باز در سال (۱۳۴۰) در
قریه مکر خیل قمچاق دیده به
جهان گشود تا صف ششم به
تخصیل خود ادامه داد در سال
(۱۳۰۹) عضویت در نهضت
اصیل و اسلامی کشور را حاصل
کرد و بعد از مدت سه و نیم سال
جهاد مسلحانه در برخورد رویا روی
بتاریخ اول سنبله ۱۳۶۲ به
شهادت رسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)



که دریک برخورد شدید باقوای
اشغالگر روس در سنجد دره
ولایت پروان بتاريخ ۱۳۶۲-۶-۱
بدزجه شهادت نایل شد.
انا لله و انا اليه راجعون.

شهید عبدالامین ولد

دلاور خان در سال (۱۳۳۶) در
یک فامیل متدین قریه قلعه نو
تولد گردید. تحصیلات ابتدائی
خود را در مکتب ابتدائیه
قمچاق به پایان رسانید و نظر به



لیاقتش به لیسه زراعت هرات
تقسیمات شد بعد از فراغت لیسه

فرنچلی و لسوالی غوربند ولایت
پروان که بتاريخ ۱۳۶۲-۶-۱
دریک برخورد شدید باقوای
اشغالگر روس در سنجد دره
ولایت پروان به شهادت رسید.
انا لله و انا اليه راجعون.

شهید محمد یگ ولد

امید خان مسکونه دره تنگ علیا
قمچاق غوربند ولایت پروان
بوده موصوف یکتا از مجاهدین



با درد و با احساس سنگر توحید
بود بعد از تلاش و جانفشانی
های زیادی در راه اسلام و وارد
نمودن ضربات کوبنده بر کفر و
دهریت دریک عملیات رویا روی
با روس نابکار به لقاء الله
پیوست.

(انا لله و انا اليه راجعون)

زرفین گل شهید فرزند

محمد ساکن گل دهن زوب فرنچلی
ولسوالی غوربند ولایت پروان



شهید ملا محمد شاه

ولد گلاب شاه مسکونه ملا خیل
قمچاق غوربند در سال (۱۳۲۰)
در یک فامیل خدا پرست تولد
گردید در سال (۱۳۵۹) در صف
مجاهدین پیوست بعد از (۳) سال
جهاد مسلحانه در اول سنبله
(۱۳۶۲) در منطقه سنجد دره در
برخورد رویا روی با روسها جام
شهادت نوشید.

(انا لله و انا اليه راجعون)



محمد صابر شهید

فرزند محمد طاهر مسکونه قریه

غلامان داخلی شان اشتراک
میور زید بالآخره بتاريخ ۱-۶-۶۲
در سنجد دره پروان
در یک نبرد شدید با قوای وحشی
روس بدرجه شهادت نایل شد.
انا لله و انا الیه راجعون.



برادر شهید عبدالغفار

ولد محمد سرور مسکونه قریه
فرنجلی و لسوالی غوربند ولایت
پروان تحصیلات خویش را الی
فراغت از صنف دو از دهم
ادامه داد، بعد بحیث ماسور
در موسسه خانه سازی ایفای
وظیفه میکرد، بعد از کودتای
ثور ماسوریت را ترک و شروع
بجهاد مسلحانه نمود، بالاخره
بتاریخ ۱-۶-۶۲ در یک نبرد
شدید علیه قوای اشغال گروسی
در سنجد دره ولایت پروان به
شهادت رسید.

انا لله و انا الیه راجعون.

فامیل شهید پرور تولد گردید و
این جوان سر سپرده در سال
(۱۳۵۹) به جهاد مسلحانه آغاز
نمود تا اینکه در اول سنبله ۶۲
در منطقه سنجد دره به عمر ۲۲
سالگی جام شهادت نوشید.
(انا لله و انا الیه راجعون)

غلام حضرت ولدغلام
مغنی ساکن قلعه نو قمچاق
غوربند در سال (۱۳۲۷) متولد
بعد از عملیات متعددی در اول
سنبله (۱۳۶۲) در منطقه سنجد دره
بشهادت رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)



- برادر شهید سر گروپ

محمد عثمان ولد فضل احمد
مسکونه قریه فرنجلی و لسوالی
غوربند ولایت پروان که بعد از
کودتای بدنام ثور شروع به
جهاد مسلحانه نمود، در تمام
جنگ های اشغالگران روسی و

شاغل پوهنشی و ترتری گردید
در زمان حکومت کمونستی کابل
و اشغال نظامی افغانستان توسط
روسها تحصیل را ترک و به
صف اصیل مجاهدین رزمنده ما
پیوست بعد مدتی نظر به اعتماد
مسئولین جهاد در غور بند
موصوف بحیث معاون گروپ
حوزه قمچاق تعیین گردید در
اکثر عملیات با برادران همروزش
شرکت نمود بالاخره بعد از
مجاهدت بسیار در یک عملیات
رویای رویی بتاريخ اول سنبله
(۱۳۶۲) در منطقه سنجد دره
بدرجه عالی شهادت رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)

- شهید گلرحیم ولد
محمد ایوب ساکن ملا خیل
قمچاق غوربند در سال (۱۳۴۵)
در یک فامیل دیندوست چشم به
جهان گشود بعداً در سال
(۱۳۶۰) به جهاد مسلحانه آغاز
نمود بعد از دو سال جهاد
مسلحانه در اول سنبله ۱۳۶۲
در منطقه سنجد دره بشهادت
رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)

شهید مسجیدی ولد عطا
محمد مسکونه گردنه قمچاق
غوربند در سال (۱۳۲۷) در یک

در یک نبرد خونین در منطقه
سنجد دره بتاريخ سوم (۳) عقرب توسط
(۱۳۴۲) بمقام رفیع شهادت نایل
گشت .

(انا لله وانا اليه راجعون)

قوماندان محمد عوض

فرزند کریم جان مشکونه قریه
فریحلی ولسوالی غوربند ولایت
پروان در سال ۱۳۳۴ هجری متولد
و تحصیلات خود را تا فراغت
از صنف ششم ادامه داد و نسبت
مشکلات اقتصادی نتوانست
اضافه از آن به تحصیل پردازد
در سال ۱۳۵۶ به عسکری



مسلحانه در سال (۱۳۵۹)
بتاریخ سوم (۳) عقرب توسط
قوای روس محاصره و بعد از دو
ساعت برخورد عده ی از روسهای
وحشی را به جهنم فرستاد درین
برخورد خود نیز بشهادت رسید .



روحش شاد و راهش مستدام باد
(انا لله وانا اليه راجعون)

شهید محمد خان مشکونه
قمچاق غوربند در سال (۱۳۵۹)
عسکری را ترک و با مجاهدین
پیوست بعد از سه سال جهاد



اعزام و در غنای ولایت زابل
عسکر شد ، بعد از کودتای ثور
در تسلیمی غنای مذکور سهم فعال
گرفت و مدتی او در ولسوالی
معروف و سایر مناطق ولایت
زابل جهاد مسلحانه نمود ، بعد
از چندی به پشاور و از آنجا
با گروهی از مجاهدین عازم



شهید سکندر ولدخاجی

گل در یک فامیل متدین در قلعه
لومچاق غوربند ولایت پروان
چشم به جهان گشود وی صنف
(۱۲) را در لیسه چهارده غوربند
به پایان رسانید بعداً شغل وظیفه
معلّم شد در سال (۱۳۶۰) به
سرفوق مجاهدین راه خدا پیوست
بتاریخ اول سنبله (۱۳۶۲) در
منطقه سنجد دره در یک برخورد
رویای روی جام شهادت نوشید .

(انا لله وانا اليه راجعون)

عبدالستار ولد

عبدالرحیم مشکونه رسولخیل دره
تک قمچاق غوربند در سال
(۱۳۳۶) در یک فامیل متدین
دیده بجهان گشود مجاهدی با پدر
و احساس بود علوم دینی را
پاندازه ضرورت فرا گرفته بود
بوصوف بعد از مدت جهاد



از سه سال جهاد و مبارزه سرانجام
بتاریخ اول سنبله (۱۳۶۲) در
منطقه سنجد دره در برخورد با
قواء روس به مقام ارجمند شهادت
نایل گشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد
(انا لله و انا الیه راجعون)

شهید عبدالوصیل ولد
محمد نسیم مسکونه زا خیل قمچاق
غوربند در سال ۱۳۴۲ بدنیآ آمد
بعد از جانفشانی های زیاد در راه
اسلام بتاریخ اول سنبله ۱۳۶۲



پروان که بتاریخ ۱-۶-۱۳۶۲
در منطقه سنجد دره ولایت پروان
به شهادت رسید.

انا لله و انا الیه راجعون.

شهید چمن گل ولد
احمد گل مسکونه قول خول
حوزه الفرقان غوربند بوده بعد
از دو سال مجاهدت بتاریخ اول
سنبله ۱۳۶۲ در منطقه سنجد
دره پروان در برخورد با روسهای
چنایت پیشه جام شهادت نوشید.
(انا لله و انا الیه راجعون)

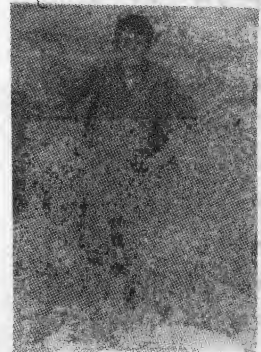


شهید عبدالمعید ولد

نور محمد مسکونه قلمه نوقمچاق
در سال (۱۳۴۳) در یک خانواده
متدین و خدا پرست بدنیآ آمد
تحصیلات خود را الی صنف
یازدهم در لیسه چهار دهی غوربند
پایان رسانید و در سال (۱۳۵۹)
با برادران مجاهدش پیوست پعد

و لسوالی غوربند شد، بالاخره
در یک جنگ شدید علیه قوای
روسی در منطقه سنجد دره ولایت
پروان به شهادت رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)



جهانگیر فرزند محمد
اسمعیل مسکونه قریه فرخغل و
لسوالی غوربند ولایت پروان به
مقام والای شهادت نایل شد.
انا لله و انا الیه راجعون.



محمد گل خان شهید
فرزند الله جان خان مسکونه قریه
فرنجلی و لسوالی غوربند ولایت

در منطقه سنجد دره بشهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



محمد گل ولد احمد

گل مسکونه مکر خیل قمچاق غوربند تولد گردید تحصیلات ابتدائی خود را الی صنف نهم پیاپی رسانید بعد از آزاد شدن منطقه در سال (۱۳۵۹) شامل صفوف مجاهدین گردید تا اینکه در اول سنبله (۱۳۶۲) در منطقه سنجد دره به آخرین ارمانش نایل گردید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



شهید گل میر ولد

خان میر در سال (۱۳۳۲) در قریه مکر خیل غوربند دینه بجهان گشود در سال (۱۳۶۰) جهاد مسلحانه را آغاز بعد از دو سال و نیم مجاهدت بتاریخ اول سنبله (۱۳۶۲) در منطقه سنجد دره با جمعی از همسنگران دلیرش جام شهادت نوشید.
(انا لله وانا اليه راجعون)



شهید خان گل ولد

باز گل بتاریخ (۱۳۴۲) در قریه ذکر الله قمچاق در یک فامیل دیندوست و شهید پرور تولد گردید وی تحصیلات خویش را تا صنف دهم در لیسه چهارده غوربند ادامه داد و با بوجود آمدن حکومت ملحد به صفوف مجاهدین پیوست و بحیث سرگروپ دهشکه مجاهدت بیورزید سرالمقام در یک عملیات رویا روی در منطقه سنجد دره شاهد شهادت

را به آغوش کشید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



باز محمد شهید فرزند

سید محمد باشندۀ قریه نمازافه فرنجلی و لسوالی غوربند ولایت پروان که بعد از تلاش و مجاهدت زیاد در راه هدف بالاخره بتاریخ ۱-۶-۱۳۶۲ در سنجد دره ولایت پروان در یک جنگ شدید علیه قوای وحشی روسی به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



شهید سید امیر ولد

تاج میر مسکونه قمچاق غوربند

جهاد یعنی شخه؟

(ج) سرفراز

دي جي مسلمان بي د خدای جل جلاله په ليار کښې
د خدای (ج) درضا د ترلاسه کولو په امید
د خدای جل جلاله د لارښوونو په رڼا کښې د تل
لپاره وهی: مؤمن په خو مختلفو محاذونو کښې په یو
شان جنگيږي:

له شیطان سره بي جگړه ده: شخه هغه بي هره
نقطه د هلاکت کندی ته ورته وي او د سعادت
او خلاصون له لپاره شخه بي بي لپاري کوي.
له خپلو نفسی خواهشاتو سره بي هم د جنگ
اعلان دي شخه نفسی خواهشات بي تل پدې هڅولو
کښې وي چی دي خپل غلام او منونکي وگرځوي -
له خپل کور شخه نیولی د ټولو دنیا له هغو انسانانو
سره بي ټيگه ماته ده چی فکرونه، گروینکی، د اخلاقو
اصول رسم او رواج د ژوند رنگ او ژوند جوړونکی
قوانین بي د خدای قوانینو او اصولو سره سم نه
خوږي او د هغو حکومتونو او واکدارانو سره بي هم
جنگ دي چی د خدای (ج) مننه بي پرې ایښی
د خدای قانون بي گوزار کړي او خپل قانون چلوي
او د نيکیو پرځای د بدیو لپاره هاند کوی.

داد یوي یادوه ورځو جهاد او جگړه نده
داد ټول عمر جهاد دي چی ۲۴ ساعتونو هېڅ پوه
نانه په تري خالی نه وي او نه د کوم ځانگړي
محاذ جنگ دی بلکه داد ژوند د ټولو اړخونو

ه- ومن جاهد فانما يجاهد لنفسه ط ان الله لغنی
عن العالمين: (سوره عنکبوت ۶ آیت)

هر څوک چی جهاد وکړي نو د خپلې گټې
لپاره بي کوي: بيشکه الله پاک له عالميانو شخه
بي پروادي.

۶- والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وان الله
لمع المجسدين: (سوره عنکبوت ۶۹ آیت)

هغه څوک چی زموږ په لپاره کښې جهاد
وکړي نو موږ به ځانغا هغوي ته خپله ليار وروښو
او بيشکه چی الله له نيکانو سره دی.

۷- فلا تطع الكافرين وجاهدوهم به جهاد اکبر ا.
(سوره فرقان ۲ آیت)

ای پیغمبره د کافرانو هېڅکله ونه منی او پردی
قرآن له هغوي سره لوي جهاد وکړه.

۸- وجاهدوا في الله حق جهاده: (سوره حج ۷۸ آیت)

د الله جل جلاله په لپاره کښې هغه شان جهاد
وکړي څرنگه چی د جهاد حق دي.

تشریح:

د پورتنیو مبارکو آیتونو شخه جوتهږي چی
جهاد د هغو دوام د اړو هڅولو او منډو ترو نوم
(جهاد بېلابېل معنی لري)

در سال (۱۳۴۴) تولد گردید و
در سال (۵۹) بصغوف مجاهدین
راه حق پیوست سر انجام بتاریخ
اول سنبله (۱۳۶۲) در یک
عملیات رویا روی در منطقه
سنجد دوه پروان به مقام رفیع
شهادت نایل گشت .
(انا لله و انا الیه راجعون)



محمد سرور «بت شکن»

از آنجا که مبارزه حق
علیه باطل در طول تاریخ بشری
جریان داشته به سلسله همین
مبارزات مدق است در افغانستان
کشور اسلامی ما را داند و
قهر مانائی علیه روس اشغالگر و
متجاوز و نوکران گوش بفرمان
آن قیام نموده و بخاطر سرکوبی
و بیرون راندن متجاوزین و
دشمنان اسلام با قبول هرگونه
فداکاری و جان نثاری به پیش
می روند ، روی این اصل و
مبارزه حق علیه باطل طفلی باسم
محمد سرور متخلص به «بت شکن»
در سال ۱۳۳۸ هـ ش در قریه
چنار گنجشکان علاقدهاری کلفگان
ولایت تخار در یک خانواده
متدین چشم به جهان گشود ،
موصوف دوره ابتدائی تحصیل خود
را در مکتب ابتدائیه چنار
گنجشکان علاقدهاری کلفگان بپایان

رسانیده ، بعد از تکمیل دوره
ابتدائی در کارهای خانه مصروف
بود .
و بی آلیشانه بدون در نظر
گرفتن کدام امتیاز مادی جان
بازی میکرد در سال ۱۳۶۰ هـ ش
به صفت قوماندان مجاهدین گروپ
کندرک علاقدهاری کلفگان انتخاب
گردید برادر مجاهد موصوف اخیراً

بتاریخ ۲۶ سنبله ۱۳۶۲ مصادف
بروز عرفه که میخواست با
مجاهدین قهرمان خویش علیه
روسها حمله نموده عید گاه سابق
مردم مؤمن علاقدهاری کلفگان را
آزاد نماید ناگهان توسط مین
محفی دشمن به عمر ۲۴ سالگی
جام شهادت نوشید و بجوار رحمت
حق پیوست
انا لله و انا الیه راجعون .



عنایت الله مشهور به
لالو پهلوان فرزند جمعه خان
مسکونه قریه محمد آغه ولایت
لوگر در سال ۱۳۵۹ هـ ش شروع به
جهاد مسلحانه نمود و بعد از
ملت ها پیکا علیه قوای روسی
بتاریخ ۶-۴-۱۳۶۲ در یک نبرد
شدید با قوای اشغالگر روس
بدرجه شهادت نایل شد .
(انا لله و انا الیه راجعون)

قدرا محمد و قاضی

مکمل

معجونی از فاشیزم و صهیونیسم

به آرمان دیرین شان یعنی حکومت کردن بر جهان چقدر در تلاش اند ؛ آنها این پلان شوم شان را از فلسطین آغاز کردند و امریکا و روس این دو قدرت دشمن بشریت اسرائیل را درین امر خیلی یاری کردند چنانچه روس متخصصین و اشخاص فنی اش را به اسرائیل گسیل داشت و امریکا در ساحه اقتصادی و نظامی دست اسرائیل را کمک نمود . امریکا که پایه بزرگی است از صهیونیسم یک کشور سرمایه داری است و سرمایه امریکا همه در دست یهود قرار دارد حتی اکثریت پارلمان امریکا را یهودیها تشکیل میدهند . شاید در زمینه سوال پیش آمده که فرق اساسی فاشیزم و صهیونیسم چیست ؟ در پاسخ میتوان گفت : فرق اساسی فقط احساس و تمایل عمیق ناسیونالستی است . یعنی فاشیستها میخواهند که مانند ملت بر سریر اقتدار جهان تکیه زند . چنانچه شعار شان بود : « نژاد آریایی و آلمانی برتر از همه » .

و اکنون صهیونیستها میخواهند ملت یهود (یهود) را حکومت کردن بر جهان را حق یهود میدانند حال بینیم که کمونیسم چه پیوندی خواه نظری و تا کتیکی باشد و یا غیر از آن با این دودش دارد . کارل مارکس یهودی پدر کمونیستها متولد ۱۸۱۸م در (پروس) آلمان که در یک خانواده فقیر دنیا آمده بود و زمان نشوونمای وی در جریان

نخست لازم است اندکی درباره پیدایش فاشیزم و صهیونیسم گفته آید و بعداً ببینیم که چگونه این دو روش در مارکسیسم عجین شده است .

حزب فاشیزم توسط موسولینی Mussolini (۱۸۸۳-۱۹۴۵) نخست وزیر دکتاتور ایتالیا پیروزی شد . فاشیزم خود معجونی بود از مسلکهای مختلف سیاسی آن زمان و هدف اصلی آن « تمرکز قدرت و شدت عمل » است . موسولینی بعداً با آدولف هتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵) بنیانگذار حزب نازی آلمان که او نیز با این صدا هموا بود هم پیمان شد و هتلر با یاری موسولینی جنگ دوم جهانی را آغاز کرد تا حزب نازی و فاشیزم را حکمران جهان سازد ولی در تصمیم شکست خورد .

و حال اندکی درباره صهیونیسم صحبت میکنیم :

صهیونیسم که ابتدای آنرا از نخستین گرد همای ثروتمندان و علمای یهود در شهر بال سوئیس (۱۸۹۷م) برهبری «داکتر تئودور هرتسل» روزنامه نگار یهودی میدانند ، نیز روشی است که به اصطلاح یکی از نویسندگان ، صهیونیستها میخواهند از کوه صهیون بر جهان حکمرانی کنند . در گرد همایی مذکور بمنظور تشکیل دولت اسرائیل گفتگو بمیان آمد و بعداً در زمینه اقدامات عملی صورت گرفت . امروز میبینیم که صهیونیستها در راه رسیدن

بود اگرچه بعد از مرگ لینن، ستالین به قلع و قمع یهود در روسیه پرداخت ولی می بینیم که روس با صهیونیسم ریشه مشترکی دارد و حتی می بینیم که بعد از تشکیل دولت اسرائیل روس اولین کشوری بود که برسمیت شناختن دولت اسرائیل را اعلان کرد.

در جهان امروز همانطوریکه هتار و یارووارش متوسلینی باری برای تسخیر جهان کمر بسته بودند و آن چنان که امروز صهیونیستها بمنظور برآورده شدن این مأمول تلاش میورزند سردمداران کمونیسم «روسها» نیز برای نیل به این هدف دست و پا میزنند فقط به این تفاوت که آن جنگ اعلان شده بود و این جنگ نا اعلان شده است و در زیر پرده حمایت از ضاح جهانی که در حقیقت دروغی است شاخدار.

کمونیسم با صهیونیسم وجوهات مشترکی دارد که البته اندکی از آن گفته آمد و امروز می بینیم که حتی در روش نیز با صهیونیسم چندان فرق ندارد زیرا کمونیسم و صهیونیسم هر دو در راه رسیدن به رف از نظریات فروید روانشناس، داروین، کارل مارکس و ژان پل سارتر بیشتر استفاده میکنند و همه نژاد یهود دارند. لازم است برای وضاحت بیشتر مطلب نظر نویسنده چیره دست مصری محمود عقاد را در اینجا نقل کنیم وی گوید: «هر نغمه‌ی که بنام علم و یا فلسفه برضد اخلاق و انسانیت بلند میشود میتواند دست مرعوزی از یهود را در پشت و برای آن نغمه ضد انسانی پیدا کرد؛ مثلاً کارل مارکس رهبر کمونیستهای جهان که اخلاق و دین و انسانیت را از ریشه میزند یهودی بود؛ فروید روانکا و مشهور که اصل و ریشه هر چیز را غریزه معرفی میکند یهودی بود و همچنان آقای سارتر که اصالت و شرافت انسانی را بنام آگزیستانسیالیسم بهیج میگیرد و آنرا پست تر از حیوان معرفی میکند

تحولات سریع صنعتی صورت گرفت در سال ۱۸۴۸ اعلامیه‌ی به همکاری دوستش انگلس منتشر ساخت که این اعلامیه بعدها عنوان کمونست ما نیست را بخود گرفت او برضد همه اذیان و همه فضایل اخلاقی و انسانی قیام کرد.

در ابتدا زمانیکه یهود در تلاش تأسیس یک دولت، مذهبخانه دست و پا میزدند همانسان که از افکار نیچه که تاخت و تازی بود بر مسیحیت و افکار داروین که بر همه فضایل انسانی پشت پا میزدند استفاده کردند، از افکار و نظریات مارکس که دشمن بزرگ مذهب و قیودات اخلاقی است استفاده‌های بیشتری بردند به این ترتیب در ابتدا کمونیسم در خدمت یهودیان قرار گرفت و حتی در سالهای اخیر قرن نژده اکثر رهبران اسرائیل در روس و اروپای شرقی تربیت می یافتند و درین میان برای انقلاب روس نیز زمینه سازی میشد و یهود در انقلاب روس رول مهمی را بازی کردند علت این کار را یکی از نشریه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران چنین بر میشمرد:

۱- روسیه تزاری در عین حال که حکومت اشرافی و ضد مردمی داشت بهر حال بشدت با یهودیان و صهیونیستها مخالفت میکرد.

۲- در مقابل مطامع غرب صهیونی و فراماسونی

نیروی روسیه مانع و مزاحم عبده‌ی بود.

۳- یهود سرمایه دار دانسته بود که با جنگ و تهاجم خارجی آن چنان که در روسیه قرن اخیر رخ داده بود نمیتواند بر سر زمین پناور روسیه و جمعیت عظیم روس تسلط یابد بنابر این می بایست آنرا از درون تضعیف کرد.

البته بعد از پیروزی کمونیستها در روسیه یهودیها به مقامات باند پایه دولتی و بعد های حزبی رسیدند چنانچه در کابینه ۱۹۵۱ روس اکثر یهودیان

این بود وصیت کسی که ادعای از بین بردن

ظلم و استبداد داشت راستی هم احترام بمقام ولای انسان از نظر کمونیزم همین معنی را دارد یعنی کشت و خون ، غارت و تاراج ، تهدید ناموس و معتقدات دینی ، مراعات نمودن حقوق همجواری و پامال کردن اصول و موازین بین المللی .

آیا کدام ساده منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر اجازه میدهد که روسها با هدفه واحد نیروی زمینی و هوایی خود داخل افغانستان شوند ریختن خون یک میلیون مسلمانان گناه ، تخریب مساجد ، خانه ها و بالاخره تمام آبادی ، سوختاندن فصلها و از بین بردن حیوانات همه از خاصیتهای فاشیستی و صهیونیستی روسهای شیاد و سفاک است ولی سرانجام شاخ امپراتوری آنها نیز خواهد شکست آن چنان که استعمار انگلیسی و فرانسوی و هلندی شکست خورد . ان شاء الله

مآخذ:

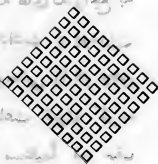
- ۱- جهات زیر سلطه صهیونیسم از نشرات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران
- ۲- نظری به اردوگاه کمونیسم تألیف عبدالرحمن احمد ترجمه سید محمد شرفی قسمت مقدمه بقلم مترجم
- ۳- مبارزات خلق مسلمان ترکستان برخلاف استعمار درین مناطق با اعمال قسرت و بکار بردن وسایل سرکوبی و خشونت بش از آتیه تزارها میکردند
- ۴- اطلاعات عمومی زمین لرزه (ان شاء الله) ترجمه مهدی پیشوائی

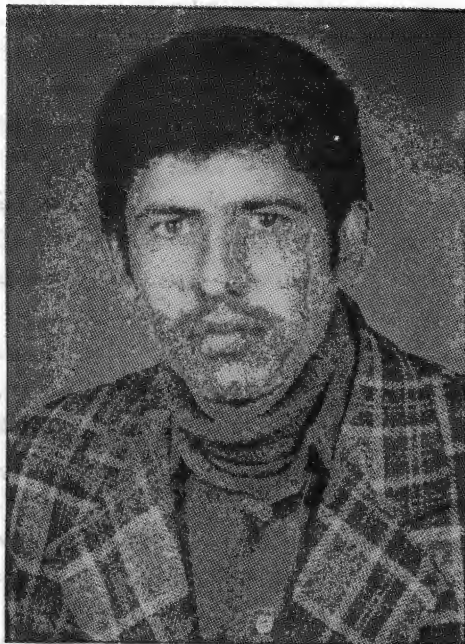
امروز می بینیم که خطوط اساسی کمونیزم و صهیونیسم را همین چند نکته تشکیل میدهد .

روس ها در ابتدا به صدها نیرنگ و دغا بازی در کشوری رخنه میکنند ولی زمانی کشوری را زیر جال سمخود آوردند همه چیزی را که مخالف کرامت انسانی و فضایل اخلاقی است بر آن ملت روا میدارند و باز روس یعنی بزرگترین دشمن ناموس ، آزادی ، حقوق انسانی و معتقدات دینی است . در روسیه لینن بدین معنی در مقابل حکومت تزاری قیام کرد که بساط ظلم و استبداد را در آن سرزمین برچیند ولی زمانی که تسلط پیدا کرد وضع جامعه روس رفتار تر از گذشته بود و اخلاف لینن قدم قدم بقدام این پالیسی را تعقیب کردند . علت عمده مسأله این است که در کمونیزم هیچگونه حدود و مقرراتی وجود ندارد چنانچه کمونیستها اخلاق را چنین تعریف میکنند : هر عملی که برفع انقلاب باشد اخلاق است حال اگر این «عمل برفع انقلاب» کشتن هزاران انسان باشد و تجاوز بر حقوق هزاران انسان و یا تعذیب و شکنجه ویرانی و صدها نوع وحشت دیگر به یکی از گفته های لینن توجه کنید : لینن در قسمت اشغال آسیای میانه گوید : «باید تسلط شوروی را تا کشورهای آسیای میانه گسترش داد و این کار هیچ راهی جز نفوذ کمونیزم درین مناطق با اعمال قسرت و بکار بردن وسایل سرکوبی و خشونت بش از آتیه تزارها نمیکردند»

ندارد باید تسلط کامل و سرتاسری به این مناطق اجرا گردد بطوری که برای اهالی آنها هیچگونه حق مداخله در امور داده نشود .

این بود وصیت رهبر کمونیزم و رهبر انقلاب بلشویکی (!) که در چند سال بعد با ریختن خون هزاران انسان بی گناه تحقق پذیرفت .





ام‌الدین شهید

شهید امرالدین ولد قطب
الدین ساکن قریه ملا قطب
چهار دهی ولایت لغمان در سال
۱۳۴۰ در یک خانواده دین
پرور تو له گردیده و تحصیلات
ابتدائی و متوسطه اش را در مکتب
مہتر لام و تحصیلات ثانوی
خویش را در لیسه روشان بسر
رسانیده متعلم صنف یازدهم
مکتب بود که حکومت دہری و
ملحد بر سر اقتدار رسید .

شهید امرالدین که در
مدرسه اسلامی تربیت آموخته
بود و دارای اخلاق نیک و
اندیشه های اسلامی و احساسات
گرمی که در قلب وی می
جوشید این دشواری و اعمال
شوم کمونیزم را تحمل نمی
توانست در حالیکه وی نام زادنیز بود
عاروسی خویش را معطل قرار داده
در فکر و اندیشه های که راجع به
جهاد مقدس داشت و بودن
شوروی های وحشی را در وطن
هزیزش یک ساعت قبول کرده
نمی توانست مستقیماً در صف

جهاد مقدس اسلامی یا برادران
مجاهد خویش شامل جهاد عملی
گردید از بسیار شجاعت و دلاوری
که در عملیات خویش داشت برادران
مجاهد او را بحیث معاون گروپ
« صداقت » در جبهه تورغر تو ظیف
نمودند در طول جهاد مقدس
اسلامی و عملیات جنگی در
مقابل باطل پرستان بی باکانه و
سر سخنانه می رزمید حملات وی
بالای ملحدین همه اوقات رویارویی
می بود درین راه هیچ هراسی
نداشت .

بعضی اوقات در عملیاتی
که از طرف ایشان ترتیب
میگردید برای رفقای خویش راجع
به فضیلت جهاد و در باره
مرتبہ شهید و شهادت سخنانی
میگفت و قصه های جالب
از غزوات آنحضرت (ص) و دوره
های خلفای راشدین برای برادران
گروپ خویش میگرد، باشد که
یکعده برادرانش را از مرتبہ
شهادت و یکعده برادرانش را از
مرتبہ غازی بودن آگاہ سازد و
ازین طریق مجاهدین کلاس به

خان آباد به شهادت رسید .

(انا لله وانا اليه راجعون)



. ملا محمد شهید فرزند

محمد ابراهیم مسکونه لکه چدران
ولسوالی ارگون ولایت پکتیا یکی

از جمله مجاهدین شجاع و هدفمند
بود که با هجوم روسها به

افغانستان شروع به جهاد مسلحانه
نمود، در اکثر عملیات علیه

اشغالگران در صف اول قرار
میکرفت، تقوی و امانت داری

آن ما به افتخار برادران همسنگرش
بود، بالاخره موصوف بتاریخ

۲۰-۴-۱۳۶۲ در یک جنگ
شدید با قوای کفر در ارگون

به شهادت نایل شد .

(انا لله وانا اليه راجعون)

. محمد دین شهید فرزند

نصرالدین باشندۀ ولسوالی برکی
برک ولایت لوگر که بعد از

هجوم روسها به افغانستان شروع

سلاح ایمان و عقیده مسلح باشند .

شهید امرالدین در فتح

چندین پوستانه های دولتی ملحدین

که واقع اکثر چهار دهی بود

سهم فعال داشت بعد از فتح این

پوستانه ها پلان دیگری را برای

از بین بردن پوستانه سرپل تیگری

طرح نمود و عازم بسوی از بین بردن

این پوستانه شدند و حینیکه

تمام گروپ خویش را بران

داخل مواضع می نمود

ناگهان توسط فیر های

توپ های مدرن قوای

اشغالگران هدف گلوله قرار

گرفت و جان را بجان آفرین سپرد

(انا لله وانا اليه راجعون)



محمد امین شهید فرزید

حاجی محمد مسکونه هندوی

ولسوالی خان آباد ولایت کنیز

که در یک جنگ با قوای روسی

کارملی در بندر بخاری ولسوالی

به جهاد مسلحانه نمود و بتاریخ

۲۹ جوزا ۱۳۶۱ در یک جنگ

در مقابل روسها بدرجه شهادت

نایل شد .

(انا لله وانا اليه راجعون)



. محمد نادر شهید فرزند

عیندی ساکن قریه مارمل ولسوالی

نهر شاهی مزار شریف که در یک

جنگ رویا رویی با قوای روسی

بتاریخ ۲-۳-۱۳۶۱ به شهادت

رسید .

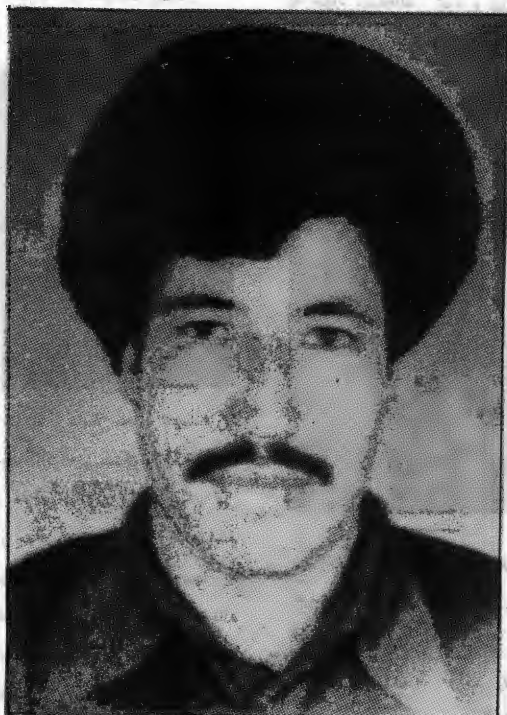
(انا لله وانا اليه راجعون)



اسلام عزیز - ز که گلبرگ ،
 های حیات شان در راه آزادی
 بنده گان الله (ج) پر پر شده
 است . قاموس تاریخ اسلام نجات
 بخش را رنگ خاص می بخشد
 و مقام والای شهادت که تمنای
 مؤمن است ، زندگی جاویدان
 و پایان نا پذیر ست که الله (ج)
 به پیروان مخلص و هدف مندش
 نصیب میگرداند . راستی آنچه
 حیات راد مردان جان برکف را
 باشکوه و جاویدان میسازد شهادت
 است . مرگنی که خداوند زندگی
 اش میخواند .

یکی از جان بر کفان و
 فرزانه فرزند پرومند مکتب
 توحید که با دادن خونش
 خط جهاد را فروغ بخشیدند
 انجینیر «علی الله» شهید است .

برادر شهید فرزند عزیز
 احمد مسکونه قریه کلاه لاه
 ولایت غزنی بوده در سال
 (۱۳۳۵) هش متولد و تحصیلات
 ابتدائی و ثانوی اش را در لیسه
 سنائی غزنی به پایان رسانیده است
 موصوف در سال (۱۳۵۶) با
 بدست آوردن شمراب عالی شامل
 پوهنتون کابل گردید و تحصیلات
 اش را تا صنف دوم انجینیری
 ادامه داد ، این برادر تحریکی
 ما که همیشه با سایر هم زمان



انجینیر علی الله شهید

آنها با عشق ، و تحرک
 از مسیر مجاهدت هدف مندانه
 از کرانه های آسمان جهاد و
 مبارزه می در خشد و قطرات
 خوب پاکشان را ارسغان
 زندگی همگان و رهروان طریق
 می گردانند .
 آری فروغ قطرات خون
 مبارزان و حق پرستان مکتب

پاسدرا ن مکتب توحید
 با همان تعهد و پیمان مخلصانه
 شان که با خدای یکتا نموده اند
 در برابر باطل گرایان و ددبشان
 تاریخ مردانه میرز مند ، بالبروی
 ایمان در پاسداری از نوامیس
 اسلامی جان میدهند . تا قانون
 خداوندی حاکم گردد .

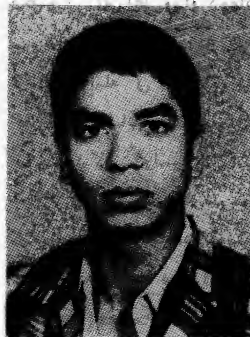
مکتب توحید، تلاش های پیگری
 علیه دولت منحط و مزدوران
 روسی به خرج میداد، بایمیان
 آبدان رژیم منحوس کمونیستی
 در کشور شرایط مبارزه را در
 داخل پوهنتون تنگ دید و
 پیوستن به صفوف جهاد را مؤثر
 تلقی نموده سلاح در دست گرفت
 و علیه استعمار گران و مزدوران
 خود فروخته روس به جهاد عملی
 آغاز کرد و به زود ترین فرصت
 با موفقیت های چشمگیری به
 دشمنان خدا غالب گردید.
 با پای مردی و ابتکارات
 نظامی این برادر مجاهد که
 مسؤولیت فرماندانی عمومی جبهه
 مرکز غزنی را به دوش داشت
 فتوحات زیاده نصیب مجاهدین
 گردید.
 با عملیات های متهورانه
 این پاسدار اسلام عزیز (مرکز
 حضرت (رج) - کندک مخاברה فرقه
 غزنی) بانک ملی - پوسته قلعه قاضی
 پوسته ریاست کودکیماوی - پوسته
 مدیریت زراعت - پوسته خارنوالی
 ولایت پوسته ترافیکی - پوسته امینه
 فتح و بتعداد زیاد سلاح و مهمات
 از دشمن به غنیمت گرفته شد.
 صلابت ایمان و تقوی
 اسلامی آن با جدی بود که در
 همه لحظات زندگی و مجاهدت
 نمره های کوبنده - «الله اکبر»
 بر زبانش جاری بود، و با یاد
 نام الله لرزه بر اندام خود فروخته
 ها و جیره خواران روس می

انداخت، و همیشه دشمن از یاد
 او دلهره میگردید.

بالاخره این رادمرد میدان
 مبارزه و مجاهدت در (۲۱) سنبله
 (۱۳۶۲) از طرف عمال استعمار
 و دشمنان اسلام بدرجه والای
 شهادت نایل گردید.
 انا لله و انا الیه راجعون.



عبدالصیر شهید فرزند
 محمد عباس باشندده خواجه شهاب
 ولسوالی قره باغ ولایت کابل که
 بتاريخ ۲۱-۷-۱۳۶۲ به عمر
 ۲۸ سالگی بدرجه شهادت رسید.
 (انا لله و انا الیه راجعون)



شهید عبدالقیوم فرزند

داد محمد مسکونه بندر بخاری
 ولسوالی خان آباد ولایت کندز
 به اثر بمباردمان طیارات روسی
 به شهادت رسید.
 (انا لله و انا الیه راجعون)



شهید یار محمد (یار جان) د
 ملک حاجی تبو خان زوی د
 جوز جان ولایت دسر پل ولسوالی
 د خارکش کلی اوسیدونکی و په
 کال ۱۳۲۳ هـ ش کی یو، متدینه
 کورنی کی وزیرید. دثور منحوسی
 کودتا په راتلو سره یی په ډیرو
 جگړوکی برخه و اخیسته. محترم
 ورور قوماندان یار خان د خپلی
 اسلامی روحی په لرلو سره ډیر
 ملحدان له منځه یوول بالاخره
 په ۱۳۶۲-۵-۶ نیټه د سر پل
 منطقی د چار باغ په سیمه کی د
 دری ورځو جگړی وروسته د
 شهادت لوړ مقام ته ورسید.
 (انا لله و انا الیه راجعون)

د یو ساعت اولس دقیقو شدید ظالمانه بمباردمان په نتیجه کښی د کامی د ولسوالی د لټه بوچ په کلی په جامع مسجد کښی د جمعی په مبارکه ورځ او د جمعی د لمانځه د فریضی د ادا کولو څخه وروسته چه د ۱۳۶۲ کال د جدی د میاشتی په شپار سمه نیټه چه د ربیع الاول د دریمی نیټی سره سمون خوری پداسی حال کښی چه نوموړی مجاهد خپل راکټ لاینچر د دشمن د جهازونو دویشتلو د پاره آماده کړی وه او غوښتل یی چه ونی ته وڅیژی ترڅو په تیاره باندی د راکټ لاینچر د فیر د پاره د امکان ځای پیدا کړی او د هغه ځای څخه د دشمن په تیاره فیر وکړی او راوړی غور ځوی څو متأسفانه چه په همدغه وخت کښی چه نوموړی مجاهدونی ته څیژی ددشمن تیاری پری راکټ و چلاوه او قهرمان مجاهد د شهادت خوندور جام نوش او د الله په حکم سره یی لویه او عظیمه مرتبه نصیب شوه.

(انا لله و انا الیه راجعون)

غازی شهید محمد

صلاح الدین چی اصلی نوم یی ملا سراج الدین د مولانا عین الحق

سمه لیټه د جمعی په مبارکه ورځ زیږیدلی دی یو فقیر طبیعت او شجاع مجاهد او د عالی شخصیت خاوند وو نوموړی شهید په یوه غریبه او مجاهده کورنی کښی تربیه شوی وو او د اتحاد اسلامی یو برجسته غړی وو تحصیلات یی د اول ټولگی څخه ترلسم ټولگی پوری دوام ورکړ خو د تور د کودتا سره سم مهاجر شو او وروسته له څه مودی افغانستان ته لاړ د خوگیانیو په لړ غونو سیمو کښی یی په جهاد پیل وکړ درې کاله یی په پوره میړانه او شهادت سره د اسلام سپیڅلی دین او خاوری د ازادی د پاره د برجسته قوماندانانو سره د یوه مجاهد په صفت په سنگرونو کښی خپله یی الیسانه مبارزه او مجاهده څرگنده کړه همدغه وه چه د خوگیانیو د سنگرونو څخه د یو څو ورځو د پاره د رخصتی په شکل پمپورته راغلی وه او د جهاد سره د بی اندازی شوق او مینې د لرلود امله یی زړه صبرونه کړ او د اعتمادی ملګرو سره یو ځای د کامی ولسوالی ته د جهاد د پاره ولاړ او هلته دیوڅو کابایو عملیاتو او متعددو پوستو د تسلیمیدونو وروسته د شپږو جنګی هلیکوپتر او میک جهازونو د



زمان الدین شهید
فرزند نذیر محمد باشندۀ قریه
گزان ولسوالی چاه آب ولایت
تخار که بتاريخ ۱۳۶۱-۴-۲۰ به
شهادت رسید.

(انا لله و انا الیه راجعون)



شهید محمد رفیق «طوفان»
شهید محمد رفیق خاوری
طوفان د محمد طالب خان ځوی
د خوگیانیو د اګام علاقداری د
زم خیلو په کلی کښی د ۱۳۴۴
کال د رمضان المبارک په شپار



موسیٰ صلاح الدین

صاحب زوی، د هلمند ولایت د سنگینی علاقه داری د ستادبان قلعه اوسیدونکی په (۱۳۷۶ هـ ق) کال کی په یو دینداره او دین پرسته کورنی کی زیږیدلی دی. پنځه کلنۍ کی یی دینی زده کړه له خپل پلار څخه پیل کړه. ددینی علومو د زده کړی لپاره دکندهار ولایت ته ولاړ او په کندهار کی یی له جیدو علماوو کړاسو څخه زده کړه وکړه. نوموړی ورور د ښه استعداد او ذهانت لرونکی ؤ. د تفاسیرو او احادیثو د دوری د بشپړلو لپاره د پاکستان د بلوچستان د کویتی ښار ته ولاړ. د ۱۳۷۷ هـ ش کال د ثور د اوومۍ له فاجعی څخه وروسته یی د خپل پاک عالی احساس له مخی یی د مسلمانانو د اذهانو د روښانه ولو لپاره هلی ځلی پیل

کړی. او د اسلامی تحریک د کړندی ولو لپاره یی نه شپړیدونکی خدمتونه سر ته ورسول. کله چی د کندهار په ښارکی چریکی عملیات پیل شو، نوموړی ورور له لومړیو چریکانو څخه وو چی په خپلو چریکی عملیاتو سره یی ډیر سر سخت خلیات او هرچمیان د دوزخ کندی ته ولیږل.

د روسانو د بی شرمانه تجاوز څخه وروسته د شهید ورور محمد صلاح الدین مسئولیتونه څو چنده درانه شو. تر هغو پوری چی ممکنه وه خپلو چریکی عملیاتو ته یی لاشدت ورکړه. کله چی د چریکی عملیاتو ساحه تنگه شوه نو په جبهی جهادی لاس پوری کړ.

د دوی د درایت، کفایت، شجاعت، شهادت او په چاروکی د ابتکار او ایثار له مخی ورته د (خدام القرآن) په نامه جبهه تشکیل شوه. په ډیره میرانه سره یی په ډیرو عملی صحوکی د سروخسانو او کرمانیت د گوډاگیانو سره په ډیر رشادت او شهامت و جنگید. ډیر روسان او د هغوی کسه څټونکی یی تنگه مزدورزان یی د ابدی دوزخ بیلسمانه کړه. په پای کی د

(۱۴۰۳ هـ ق) کال د رجب - المرجب د میاشتی په شلمه شپه چی (۱۳۶۲) د ثور د میاشتی ۱۴-۱۳ نیټی سره سمون خوری، په داسی حال کی چی اطلاع ورته راغله چی روسیان د چریکی عملیاتو لپاره هغه ځای ته چی د دوی جبهی قرار درلود راغلی دی. شهید ورور د کشف او تر صد وظیفه پخپله په غاړه واخیسته، خوکه چی دخپلی وظیفی د اجرا په خاطر روان شو. سمدستی د روسانو له خوا د سختو ضربو لاندی ونیول شو د لومړی ږیر سره شهید ورور په تندی ولگید او وروسته پخپل فولادی بدن ثور زخمونه هم وخواړه او د شهادت لوړ مقام ته ورسید.



محمد اسمعیل شهید فرزند محمد بشیر مسکونه ناحیه چهار ولایت کابل که در یک برخورد خونین با قوای روسی بتاريخ ۲۳-۳-۱۳۶۲ به شهادت رسید. (انا لله و انا الیه راجعون)

جنگ دي .

د دی جهاد د مختلفو اړخونو اداب خصوصیات او لوازم به په لاندې ډول تشرېح شي .

د جهاد ډولونه

- ۱- په ژبه جهاد
- ۲- په مال جهاد
- ۳- په لاس او سار جهاد
- ۴- سیاسي جهاد
- ۵- تعلیمي جهاد

- عن انس قال - قال رسول الله ﷺ :
جاهدوا المشركين بأموالكم وأبدانكم والستكم .
(احمد ابو داؤد نسائي)
له حضرت انس رضی الله عنه څخه روایت دي
چې رسول الله ﷺ فرمایلي دي :
له مشرکانو سره په خپلو مالونو ، په خپلو
لاسونو او خپلو ژبو باندې جهاد وکړي .
تشرېح :

په پورتني مبارک حدیث کښې درې ډوله جهاد
(مالي - لساني او د لاس جهاد) یوځای ذکر شول .
- عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه عن النبی
ﷺ : قال افضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر .
له ابو سعید خدری رضی الله عنه څخه روایت
دي چې رسول الله ﷺ فرمایلي دي چې شوره جهاد
د ظالم واکمن په وړاندې د حق او سمې خبرې
کول دي .

تشرېح :

داوړ جهاد ته د سیاسي جهاد نوم
ایښودلای شو .

- وما كان المؤمنون ليغزوا كافة ط فولا نفر من
كل فرقة طائفة ليقاتلوا في الدين وليندروا قومهم
اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون ط .
(سوره ۱۲۲ آیت)

سومنانو ته نه پناوېږي چې گرد سره واوځي ولي
داسې ونشي چې يوه ډله ورڅخه د دې لپاره ووځي
چې په دين پوهه حاصله کړي او کله چې بيرته راشي
خپل قام د خطرناک عاقبت څخه وډاروي؟ چې
ومغوي (له غیر اسلامي ګړنو څخه) ځانونه وژغوري .
تشرېح :

پدې مبارک آيت کښې د زده کړې لپاره وتلوته
هم د (نفي) کلمه استعمال شوي چې عموماً په
شریعت کښې د جهاد لپاره وتلوته استعمالیږي او
لدي ځايه معلومېږي چې په ديني معلوماتو مجرکيدل
هم جهاد دي او دغه ډول جهاد ته تعلیمي جهاد وايي .

يادونه

لکه څنگه چې وړاندې مو وليکل چې اسلامي
جهاد د خداي د دين په ليار کښې د هغه د لارپوښو
په رڼا کښې د دوام دارو هلوځلو نوم دي . او
دا جهاد د حاضر محاذ جنگ ندي بلکه د ژوند په
ټولو اړخونو کښې به په دوام دار ډول پېل کيږي .
هره مرحله ي په خپل ځاي او خپل وخت کښې
اسلامي جهاد دي . د دې مرحلو تعين او تشخيص
د اسلامي ټولنې د مشر چې د اهل حل او عقد مشوره
ورسره وي د اسلامي اصولو په رڼا کښې مسؤوليت
او وظيفه ده .

لساني ژبني جهاد

د ټولو پيغمبرانو وظيفه وه :

- وما ترسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين ط .
(سوره کهف ۵۶ آيت)
مونږ رسولان يې لدې چې هغوي خلکو ته
زبړي وکړي او وې ډاروي د بل لوري ته نه ليروي .
- فهد على الرسل الا البلاغ المبين ط .
(سوره نحل ۳۵ آيت)
آيا په پيغمبرانو باندې د ښکاره رسولو څخه
نور کوم مسؤوليت شته ؟

د خدای لاری حواکمن مجاهد شهید جنگی خان



د اسلام د لاری

جنگمالي شهيد جنگي خان: د اسلام

مبارک دين چي د بشر د لارښوونې

وړوستی او کامل دين دی. له

پيل څخه يې تر ننه پوري په

بيلا بيلو او مختلفو اړخونو کې د

تاريخ زرينو پاڼو ته داسې قهرمان

او پاک معتقدین سپارلی چي د

بشر طاغوت تاريخ تری عاجز او

بي برخي دی. د اسلام له دغو

پاکو او تنکيالو سپاهيانو څخه

يو هم جنگي خان چي په رحيم الله

سره مشهور ؤ د عبدالرحيم خان

زوی د لغمان ولايت د علينگار

ولسوالی د سنگره درکلی او -

سيدونکی ؤ.

شهيد جنگي خان: په

۱۳۳۷ هـ ش کال په يدمدينه او

د بنداره کورنۍ کې وزیږيد په

۱۳۴۴ هـ ش کال د سنگره په

لوسړي ښوونځي کې شامل شو.

خپل ثانوي زده کړي د سنگره

په لېسه کې سر ته ورسوله او په

۱۳۵۶ هـ ش کال کې د کانکوله

ازموينې وروسته د کابل پوهنتون

د ساينس په پوهنځي کې

شامل شو.

په (۱۳۵۷ هـ ش) کال کې

نوموړی ورور د روسي د مزدورانو

کوډگا وروسته ونشو کړای چي

خپل عالي تحصيلات سرته ورسوي

او د خپل اسلامي مسئوليت له

احساس سره سم يې پاکستان ته

هجرت وکړ له ليرې مودې

وروسته يې له خپلو مجاهدو وروڼو

سره په مقدس علمي جهاد پيل

وکړ. د خپل جهاد په جريان

کې يې ډير وطني ملحدان او

د

بي مغزه روسي عسکر له منځه

يوړل. ډير غنايمې تر لاسه کړه،

او د سړي خوړو روسانو ډير

سختي قواوې يې پخپله سيمه کې

په شاوتمبولي په (۱۳۶۲ هـ ش)

کال چي کله د روسانو لويه قوه

د علينگار سيمې ته د مجاهدينو

د سنگروڼو د نيولو لپاره راغله،

نوموړی ورور د خپلو زروړو

مجاهدينو سره د قوي د مخنيوي

لپاره د خپل وس مطابق ترتيبات

ونيلول، او درې ورځې پرله پسې

او د وابداره چکره يې ورسره

وکړه او پدې جريان کې روسانو

ونه کړای شو چي يو قدم مخکې

ولاړ شي.

خو په څلورمه ورځ د

لاس په لاس جگړې په ترڅ کې

د يو لاسي بم په چاودېدو سره

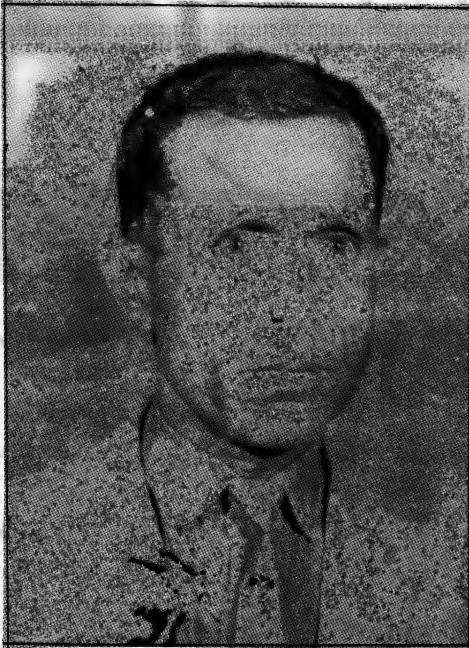
د شهادت لورې مرتبې ته

ورسيده.

(والله و الله و الله راجعون)

داکتر گل عالم

«شهباز»



یکی از دلباختگان مکتب توحید

بنام «گل عالم» در سال ۱۳۱۲ در قریه مسیه بازارک پنجشیر چشم به جهان گشود و نامبرده بعد از تکمیل تعلیمات ابتدائی شامل الیمیه «ابن سینا» شده از فراغت دوره تحصیل اشغال وظیفه نموده و مدت بیست و پنج سال را در خدمت صحنی بسر برده و تارتیه (۵) بحیث مدیر عمومی ریاست حفظ الصحه محیطی ادای مسؤلیت کردند. چون روح مطهر و توحیدی این قهرمان با کفر و العاد توافق ناپذیر و با پستی حکومت ناسازگار بود بنام بادوسین کودتای نظامی یعنی باوجود آمدن رژیم ماحد خلق پرچم دور سرطان سال ۱۳۵۷ وظیفه دولتی ترک گفتند.

این شهید گلگون کفن در عملیات چنداول و بالاحصار کابل فعالانه اشتراک و رزیده و در ترور وطن فروشان خلقی و پرچی در منطقه کابل و حوزه پروان کاپسا در سالهای (۵۷-۵۸-۵۹) سهم بی نظیر گرفته و همچنان در تخریب دستگاههای دواوی و عملیات در منطقه قره باغ کابل

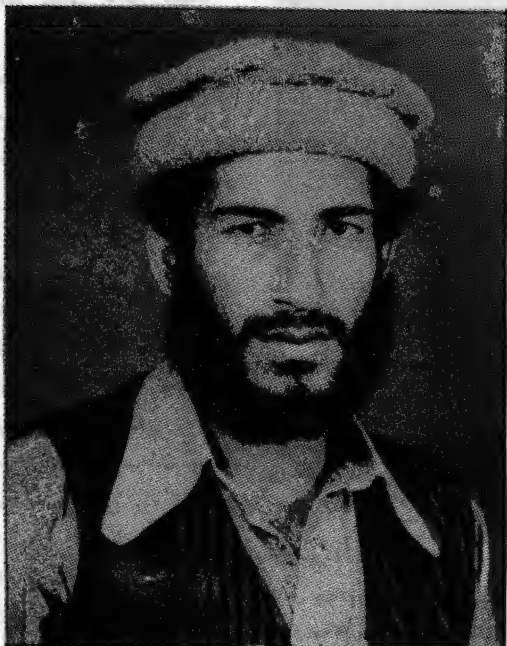
کردند. داکتر گل عالم شهید وظیفه خطیر آمریت عمومی تنظیم و دعوت ولایات کابل، پروان و کاپسا را بکمال درایت و ایمان داری سه سال موفقانه ایفا نمودید تا اینکه بتاريخ ۱۲-۲-۱۳۵۹ بعمر ۴۷ سالگی در منطقه جیل السراج ولایت پروان در برخورد رویا روی با قوای متجاوز روسی و توکرافش ندای حق را لبیک گفته و بکاروان شهدا پیوست. انا لله وانا الیه راجعون.



بخش سهم و اساسی ای را ایفا کرده اند کاروای گل عالم شهید منظور سرلکونی رژیم تره کی مرتد بوسیله نظامیان مسلمان و دعوت شده فراوش ناشرفی است. این شهید سر سرحده سنگر حق خدمت مقدس چهار را در ولایات کابل پروان و کاپسا صد اقمندانه دنبال کرده و وظیفه تنظیم و دعوت و رادر اردوی افغانستان اجرام و در ترورهای ضد دولت شجیمانه ابراز همکاری نموده و همچنان دو کمیته اسلامی در اخیر سال ۵۷ در کمدز و تغار تاسیس

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

د جهاد د مړه ستر شهبان



د اسلامي انقلاب پرميال بچي

«رحيم شاه»

د حق او باطل ترمنځ په نه ختميدونکي مبارزه کې گڼ شمير مؤمنان په شهادت رسيدلي او بي شميره طاغوت پرستان د بدبختۍ کندی ته ور غوزار شويدي. د دې مبارزې لړۍ چې نن د افغانستان مؤمن او مجاهد ولس د از مويني ډگر ته رڼه ايستلې، ميري او په اسلام مين ځوانانو په خپلو پاکو وينو توده ساتلي او د خداي (ج) د کلمې د لوړ والي په خاطر يې د شهادت خواږه جامونه خښلي دي. پدې څو کالو کې د شهيدانو کاروانو ته يو په بل پسې لارل.

اوس هم د شهيدانو قافلي روانې دي او ورځ په ورځ يې لږي زياتيږي، د شهيدانو د دې قافلو په منځ منځ د پکتيا ولايت د آسمان څکو غرو زمريان له

ورا په ښکاري، د دې غير تمنو او په اسلام مينو زمريانو له ډلې نه يو هم د پټان او سيدونکي رحيم شاه دی، شهيد ورور رحيم شاه د سيد شاه زوی په ۱۳۳۷ هـ ش کال د پکتيا ولايت د څا ځيو د پټان کلي په يوه دينداره کورنۍ کې زېږيدلی. خپل لومړنی تعليمات يې د () په ليسه کې سر ته رسولي،

دی شهید ورور د خپلی نیکي روي او ښو اخلاقو په وجه د خپلو ملگرو او ټول لگيوالو په منځ کې نیک نوم در لود. د وخت د فاسدو رژيمونو د ظلم او غیر اسلامي کړنې نه يې سخت کرکه او نفرت کيده چې په همدې اساس يې د اسلامي تحریک د داعیونو غړي ورسره معرفت او پېژند نه پيدا کړه.

شهید رحيم شاه په کال ۱۳۵۵ هـ د کانکور په آزمويښه کې د کابل پوهنتون د حقوقو او سياسي علومو پوهنځي ته بريالی شو، د اسلامي درک او احساس پوسيله يې وکولای شوی چې یو شمير وروڼه اسلامي تحریک ته دعوت کړي نوموړی شهید ورور د تعلیم او تحصیل په ټوله موده کې د اسلام په لاره کې نه ستړی کیدونکي هلی ځلی کړيدي، تر څو په ۱۳۵۷ هـ کال د ثور له مېنوسه کودتا وروسته مجبور شو چې خپل تحصیل نیمگړی پرېږدي او پاکستان ته هجرت وکړي.

له هغه شیبو نه چې د اسلامي تحریک غازیانو د پکتیا په ولایت کې د کفر په لښکرو لومړی بریدونه پیل کړي. شهید رحيم شاه هم له هغه وخت

څخه په وسله واله مبارزه لاس پورې کړي.

شهید رحيم شاه د تقوی، نیک بر خورد او ښه استعداد له امله په کال ۱۳۵۹ هـ ش د مجاهدينو له خوا د ځاځي اړيوب د جبهې د مسؤل او قوماندان په توگه و ټاکل شو، دوسله وال جهاد په ټوله دوره کې وټوا نیده چې د روسي لښکرو او د هغوی د تور مخو گوداگيانو په سلهاوو موټر او ټانکونه ويجاړ او په زرگونو تنه یرغلکو عسکر د جهنم کندی ته و سپاري، او د پکتیا ولایت زیاته برخه د کفری ځواکونو نه آزاد کړي.

شهید رحيم شاه د هغه خوښی جگړې په ترڅ کې چې د حق او باطل د پلویانو ترمنځ د ځاځيو د سرای په غنډ کې پېښه شوه، وروسته له هغه چې یوزیات شمیر طاغوتیان یې په قتل ورسول په کال ۱۳۶۲ د تلې د میاشتي په لومړني نیټه د یکشنبې په شپه هلته چې دگړي دواړه عقربونه دوولسو بجو ته رسیدونکي وو د شهادت خوږ جام په سر واړاوه او د شهیدانو په قافله ور کد شو. او خپل نوم یې د ژغورنده اسلامي انقلاب د خونړي تاریخ په زیربنو پاتو

کې ثبت کړي.

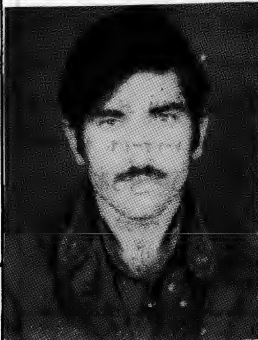
انا لله وانا اليه راجعون.



شهید مقبول شاه : د چکړي یو زړور او تکړه مجاهدو په ۱۳۵۸ هـ ش کال یې مقدس جهاد پیل کړ او د ملحد دښمن سره په زیاتو جگړو کې ډیر په میرانه و جنګید بالاخره په ۱۳۶۰ کال د (۱۹) کالو په عمر د شهادت جام نوش کړ.

(انا لله وانا اليه راجعون)

شهید سلیمان شاه :

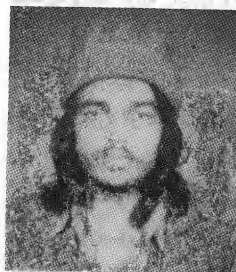


خاوند ؤ. د خپلو نیکو اخلاقو او ایماني زړورتیا په برکت د افغانستان د مجاهدینو د اسلامی یوالی د منځ راتګ په وخت کې د منطقي د مجاهدینو له خوا قوماندان وټاکل شو. او تقریباً د (۷۰۰) کسو مجاهدینو مشري ور په غاړه شوه. ده دغه درنده وظیفه په ډیر اخلاص سره سر ته رسول، بالاخره ۲۲-۷-۱۳۶۲ هـ ش نیټه په یوه خو نړۍ جګړه کې د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



د حق د قافلي له قربانیانو او ساتونکو څخه یو هم شهید الماس خان د عبدالجمیل خان زوی د کنړ ولایت د پیچ درې ولسوالۍ د بارکنډۍ کلی په یو غمړیه او دینداره کورنۍ کې د لویا ته سترګې وغړولې. له ور کوالۍ څخه د اسلامی پخوان له تحریک

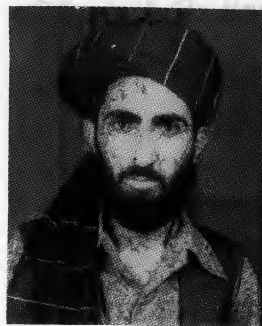


هکله چی کوسی ستایي او پیرزوينی د لوی خدای (ج) له خوا د رسول اکرم (ص) په ذریعه مسلمانانو ته ورپیوول شوی، هغه د ډیر قدر او عزت وړ پیروزینی دی، چی کله لوی ذات (ج) وغواړی خپلو خاصو او مخلصو بنده گانو ته یی ور په برخه کوی

د شهیدانو د دغه لوی او عظیم کاروان څخه یوه شهید محصل خان د حبیب خان زوی د ننگرهار ولایت خورګیانو ولسوالۍ د کیری کلی او سیدونکی ؤ شهید ورور خپل لوسونی او ثانوی تحصیلات د ملکیار هوتک په لیسه کی سرته رسولی وو. لومړیې په ۱۳۵۸ هـ ش کال کی دملحدینو په ضد په مقدس جهاد پیل وکړ. د خپل جهاد په جریان کی یی دښمن ته یی زیات زیانونه واورول د خپل چرنت او ایماني جذبې له امله د خپلو مجاهدینو وروڼو په منځ کی د ټیک شهرت

د عبدالقاسم زوی د پروان ولایت د غلام علی ولسوالۍ د بگرام دصوفي بابا دکلۍ اوسیدونکی په کال ۱۳۳۹ هـ ش ئی دی فانی دنیا ته سترګې غړولی وی. نوموړی ورور د اسلام د لاری یو پیاوړی مجاهد ؤ د ملحد رژیم له منځ ته راتلو سره سم یی مقدس جهاد پیل کړی او په ۱۳۶۰ هـ ش کال د شهادت لوړی مرتبې ته ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید عبدالولی : د

غلام رسول زوی د کندهار ولایت د ارغنداب ولسوالۍ اوسیدونکی یو زړور او تکړه مجاهد ؤ په ۱۳۶۱-۱۲-۱۹ نیټه د (۲۳) کالو په عمر د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

(انا لله ولنا الیه راجعون)

ورور مجاهد شهید محصل خان د شهید او شهادت په

شهید مدیر رحمت الله



سره اشنا وو. او کله چی د افغانستان په خاوره د کمونستالو ښکاره اقتدار ټینګ شو او د اسلامي پاڅون انگازې د مسلمان ولس غوږونو ته ورسیدی او په جهاد او شهادت مین ځوانان د اسلام سپېڅلو سنگرونو ته په ډیره سرشاره توګه وروړاندی شو. د بار کندی د کلی د حق ساتونکو شا زلمیالو کی یو هم شهید الماس خان په کم عمر کی ولی په یو عالی او قوی اسلامي روحیه ډګر ته را وړاندی شو. او په ډیر متالت سره یی خپله دنده د یو مخلص مجاهد په توګه سر ته رسولې. او د خپلو ملګرو په منځ کی ممتاز صفات تر لاسه کړی ؤ د خپل مقدس جهاد په جریان کی د سرود دېمن له خوا سخت ټپي شو خو خدای (ج) د خپل امتحان لپاره صحت ورکړ او رښتیا هم چی شهید ورور د خدای (ج) په دغه امتحان کی ځان اخری بری تښه ورساوه. او بالاخره ۱۳۶۲-۶-۱۱ لیکه د سخت ټپي کیدو وروسته یی اجل داعی ته یی په براخه تنهه لیبک ووايه او د شهادت شیرین جام یی نوش کړ.

(اِنَّ اللهَ وَالَا الهَ وَاجِعُونَ)

شهید مدیر رحمت الله د ملا محمد هایل زوی د ننگرهار ولایت د بیوی ولسوالی په (۱۳۹۷) هـ ش کال کی د پنگاب په کلی کی په یوه پرهیزګاره کورنی کی دنیا ته تشریف راوړ. خپل ابتدائی تعلیمات یی په کور کی د خپل پلار څخه زده کړه د دینی زده کړی لپاره د خپل فاضل تره مولوی محمد مقبل سره چی په پنگاب مولوی مشهور ؤ د پاکستان خواته راغی، څو کاله وروسته خپل اصلی ټاټوبی ته را وګرځید. د دینی علومه لنډه کچه

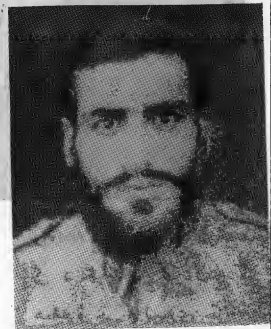
وروسته یی د کابل په دارالمعلمین کی د بګوریا سند تر لاسه کړ. هغه ؤ چی د لومړی ځل لپاره د فاریاب ولایت د درزاب په ولسوالی کی د ښوونکی په توګه مقرر شو. مرحوم شهید په ډیر اخلاص سره د هیواد په مختلفو برخو کی ویش او بسا درده مسلمانان وروزل.

د غواي د شرمناکې فاجعې له منځ ته راتلو وروسته مدیر رحمت الله د خپل وخت نه مخکی په تقاعد مجبور کړای شو. ده خپل تقاعد د مسلمانانو د خدمت

المه ي نه شو کولای چی عملی
جهد کی برخه واخلی . خپل مالی
توان ي ښه په اخلاص سره د
مجاهدينو په خدمت کی صرف کړچی
د سیمي مجاهدين ي د یادگار په
توگه یاد وی .



بالاخره (۱۳۶۱) کال د قوس
د میاشتي په د ولسمه نېټه د یوه
یولس کلن زوی اسم الله او مجاهده
خور سره په شهادت ورسید .
(انا لله و انا اليه راجعون)

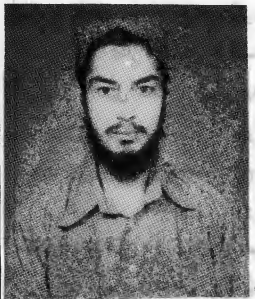


شهید مولوي فضل محمد
د احمد زوي د کندهار ولایت د
معروف ولسوالی د کڅ د کلی
اوسیدونکی ؤ . مرحوم مولوی
صاحب یو ښه دیني عالم او
تکره مبارز شخصیت ؤ . په
(۱۳۵۷ هـ ش) کال ي په مسلحانه
جهد پیل وکړ . د خپل مقبوس
جهد په دوران ي د عابه اذهانو
د روښانولو لپاره مؤثر تبلیغونه
وکړه ترڅو په ۱۳۵۸ هـ ش کال

کی د معروف ولسوالی په عمومي
قیام کی د ملحدینو لخوا ژوندی
وویلوه شوه او زندان کی ي په
شهادت ورساوه .
(انا لله و انا اليه راجعون)



عملیاتو کی ي کارنده برخه
درلوده . په ۲-۳-۱۳۶۲ نېټه د
سنگ حصار په منطقه کی د روسی
قواو سره په مخامخ نښته کی د
شهادت عالی مقام ته ورسید .
(انا لله و انا اليه راجعون)



شهید احمد الله : د
محمد اسمعیل زوي د کندهار
ولایت د شاولیکوټ ولسوالی
اوسیدونکی ؤ . له دوه کاله پر له
پسې جهاد ته وروسته ۳-۳-۱۳۶۲
نېټه د شهادت لوړ مقام ته
ورسید .
(انا لله و انا اليه راجعون)

شهید آدم خان د
اختر محمد خان زوي د هلمند
ولایت د بولان اوسیدونکی د
افغانستان د اسلامی یووالی یو
تکره او زړور مجاهد ؤ او د ملحد
حکومت پر ضد ي په ډیرو
عملیاتو کی برخه درلوده . بالاخره
د روسانو د یو رحمانه بمباری په
نتیجه کی په ۱۹-۹-۱۳۶۱ نېټه
د شهادت لوړ مقام ته ورسید .
(انا لله و انا اليه راجعون)

مجاهد شهید عبدالنافع :
د حاجي املی محمد زوي د
دابل ولسوالی د بالا کروز
اوسیدونکی ؤ . مرحوم ورور د
ملحد رژیم له راتلو سره سم په
مقدس جهاد پیل وکړ . په ډیرو



شهید عبد القادر د
عبدالکریم زوی د کندهار ولایت
د سپین بولدک ولسوالۍ اوسیدونکی
ؤ. د (۴۰) کالو په عمر و چې
د ملحد رژیم له منځ ته راتلو
سره سم یې په مقدس جهاد پیل
و کړ او پدی لار کې یې خپل مال
او ځان نه دریغا وه. بالاخره
په ۱۳۶۲-۱-۲۵ هـ ش نېټه په
هغه جنګ کې چې افغانستان او
پاکستان د سرحدی سیمې (چمن
او سپین بولدک) له روسانو سره
دیوی نېټې په ترڅ کې د شهادت
لوړ مقام ته ورسید.

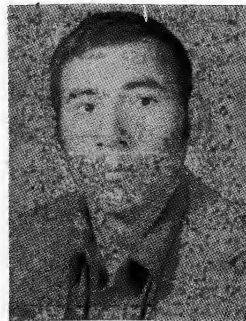
(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید عبدالقیم : د
عبدالمبین زوی د کندهار ولایت
د مرکز د شپږمې ناحیې اوسیدونکی
ؤ. نوموړی ورور یو تکړه او
زړور مجاهدؤ د ملحد حکومت
پر ضد یې په ډیرو عملیاتو کې
برخه دروده.

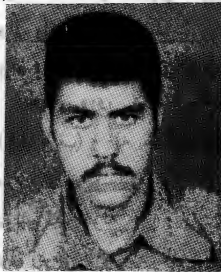
بالاخره په ۱۳۶۲-۴-۲۴
نېټه د شهادت لوړ مقام ته
ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



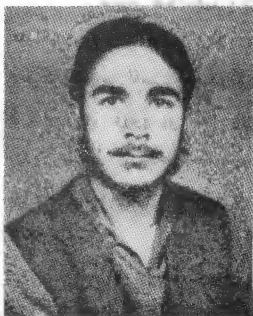
شهید ډاکټر سید
محمد «اعظمی» : د افغانستان
په پاکه او سپیڅلي خاوره دراغلی
ازموینې په نتیجه کې ډیر پر
اسلام مین شازلمی د حق د لاری
د شهیدانو کاروان سره ډیر په
میرانه او جرئت یو ځای شول.
د دغه کاروان له مخلص کاروانیا
نو څخه یو ډاکټر سید محمد
«اعظمی» د سید اعظم زوی د
کنړ ولایت د څوکی ولسوالۍ د

کالدر د کلی اوسیدونکی ؤ.
نوموړی مجاهد ورور ډیرو سټو
اخلاقو خاوند او د اسلام دلاری
یو تکړه مجاهد ؤ. د ملحد رژیم
له منځ ته راتلو سره سم یې په
مسلح جهاد کې برخه واخیسته
او په ډیرو عملیاتو کې برخوال
ؤ. بالاخره په ۱۳۶۲-۱-۲۰
نېټه د شهادت لوړ مقام ته
ورسید. (انا لله وانا الیه راجعون)



شهید میر آغا جان
د نور کل ځوی د ننګرهار ولایت
شینوارو ولسوالۍ د باریک آب
کلی اوسیدونکی ؤ. په ۱۳۴۳ هـ ش
کال یې دی دنیا ته تشریف راوړ
او د بلوغ سره سم یې په مقدس
جهاد پیل وکړ. د ملحد حکومت
په ضد یې په ډیرو عملیاتو کې
برخه واخیسته، بالاخره له څلور
کاله مسلسل جهاد نه وروسته د
باریک آب په سیمه کې له ملحدانو
سره په یوه مخامخ نېټه کې د
شهادت لوړ مقام ته ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



او تکامل شرایط برابر کړیدی .

داسې خلاصون بېشونکې غورځنګ
شاید د تاریخ په پاڼو کې ونه میندل
شي چې هغه دی پرته د وینو
او شهادت له سره بهیر څخه په
کوم بل مسیر کې د بری او
کامیابۍ تر سرحد پورې
رسیدلی وي .

د افغانستان مؤمن او خدای
پالونکي ولس چې د قرباني او
ځان ځارېدنې په سر پښتونکي جهت
کې د سترو تاریخي برپالیتوبونو
د ویاړ څښتن دی .

د تاریخ په همدغه حساسه او
نازکه دوره کې چې له مادی او
نظامي لحاظ له یوه ستر او
ښکېلاکگر طاغوتي ځواک سره
د روا اسلامي جهاد په میدان کې
اړم دی .

بیاني اراده کړې ترڅو نړیوالو ته
څرګنده کړي چې د ظالم یرغلگر
او مستبد طاغوتي ځواک په مقابل

بسم الله الرحمن الرحيم
ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله
اموات بل احياء ولكن لا تشعرون
صدقہ الله العظیم (القرآن)
ترجمه : اوبه وائی تاسو هغه ته
چې ووژل شي په لاره د الله (ج)
کې چې دوی مړه دی بلکه
ژوندی دی ځونه پوهیږئ تاسو)
د شهید په مزار سازد ګونګسودی
یوه نغمه د آزادي پکې غږیږئ
وايي راتول شي اسکیرلو ځورېدلو
ازاد ژوند په شهادت کې تاهیزې
شهید ورور عبدالملطوب
(عبداللطیف) : په څرګنده ډول
سره د ولسونو ملتونو او آزادو
ټولنو تاریخونه او ویاړنې تل
پاتې زېرمې د استداد ظلم ناروا
او زور زیاتې په مقابل کې
د شهیدانو د قربانو محصول دی .
هغه ولسونه چې د خپل ټولنیز
ژوند په ترڅ کې زورویونکو
مستبدینو او پراختیا غوښتونکو
ناروا یرغلونو او ظالمانه تاراکونو
په وړاندې په قهرمانۍ او اتلټوب
سره روا غورځنګونه جوړ کړي
او بیاني د همدغو غور ځګونو
بری تر مطلوب پړاو پورې دوینو
او شهادت خلاصون بېشونکې مسیر
غوره کړی دی خپلو راتلونکو
ته ئې د آزادي په غیږ کې د یوه
آرزو مند ژوند د مشقې ودې

کې د مؤمن او خدای مین قوت
د بری راز یواځې او یواځې
د شهادت په سره لار کې دی
ځوان او په هدف مین شهید ورور
عبدالملطوب (عبداللطیف) د همدغه
عالی ارمان د پاره ژمونیز مؤمن
ولس د قرباني یو بل سوغات دی
چې لوی خدای (ج) د رضا
لپاره د اسلامي ګران هیواد
افغانستان د سباني ځلانده مستبلي
په خاطر وړندی شویدي شهید
عبدالملطوب مشهور په عبداللطیف
د ملک سیف الرحمن زوی د نن
څخه تقریباً ۳۳ کاله وړاندې د
کنړ ولایت د هسکو او د نګو
غرونو په لمن کې د څوکي د
ولسوالۍ د نرهنگ د علاقه داری
د کوټکي په کلی کې دی فاني
نړۍ ته سترګې خلاصې کړې د شهید
ورور عبداللطیف کورنۍ په امانت
داری او دیانت داری باندې
مشهوره وه او د نرهنگونو د سیمې
یوه مخوره کورنۍ وه ورور عبداللطیف
په او کافي د نرهنگ په لیسه کې
شامل کړی شو د ابتدائي زده
کړې د سر ته رسیدو و نه وروسته
د سیمې د اسلامي تحریک د
مجاهدینو ورونو لخوا تر اسلامي
روژنې لاندې ونیول شو شهید
ورور د خپل مسئولیت د درک
سره سم د داود د پلورل شوي



زامن قربانی کړېدلی.

د افغانستان مؤمن او مجاهد ولس هم د اسلام داصیلو لشکریانو په صفت د خدای (ج) د کلمی د لوړوالی او سپېڅلی آسمانی قانون د نفاذ لپاره د باطل سره په کلکه مقابلې کړې، تر څو د اسلام دښمنان ونکړای شي خپل شوم او پوچ سوځونه سر ته ور سوي.

د تاریخ په دی شپو کی چی یو ځل بیاد انسانیت دښمنان او وینی څښتونکی لیوانو په ډیره یی شرمی زموږ په گران هیواد او مؤمن ولس تیری کړی او غواړی د مقدس جهاد روپانه پلوشی په خپلو ځایناڼه او وحشیانه عملونو ځلی او بی اثر کړی. خو بیا هم د توحید د مکتب ر ښتینی زامن د کفر او الحاد د زما مدد رانو په مقابل کی را پورته شوی او د پټنگانو په شان اسلام له رو

سرو پوځونو دری عرادی ټانکونه ئی له مینځه ویول او هم ئی ه پنځه ویشت تنه روسان د دوزخ توری کندی ته واستول زخم ئی تقریباً دری میاشتی دوام وکړ د زخم د جوړیدونه وروسته دښمنانو سره د مقابلی د پاره بیرته د حق سنگر ته ورستون شو د ډیری مودی جهاد نه وروسته شهید

ورور عبدالطیف په ۱۶-۷-۱۳۶۲ ټیقه د کفارو د پوښتو په لور حرکت وکړ د مجاهدینو لمړی برید د لمتک غولې باندی چه د ملیشه او مزدورو عسکرو مرکزو حمله وکړه د نوموړی پوښتی تن نس کولو وروسته نوموړی ورور په داسی حال کی چه د فراری خالقیانو په تعقیب بوخت و په ناڅاپي ډول په ۶-۷-۱۳۶۲ ټیقه خپل وروستی هدف شهادت ته ورسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید کستان «احمدزی»

د اسلام سپېڅلی او انسان جوړونکی انقلابي مکتب پخپل ویاړلی تاریخ کی د ظلم، کفر، بی عدالتی او الحاد په مقابل کی جنگیدلی او په مخکې د الله (ج) د نظام د لوړ والی او قایمید و لپاره خپل غوره اور ښتینی

حکومت په دوران کی خپله برحقه اسلامی مبارزه په ډیره میړانه پرمخ بیوله نوموړی ورور په لسم ټولگی کی و چه د افغانستان په آزاده فضا کی د غلامی او د هریت توری ورپشی خوری شوی او د آزادی ځلانده وړانگی ئی په تورو ورپځو باندی بدلې کړی دغواڼی د میاشتی د اوومی د کودتا سره سم شهید ورور عبدالطیف د لوست او زدکړی څخه لاس واخیست او د خپلو نورو ورونو سره ئی د کنتر د لوړو او د تګو غرونو دشتو د رو په لور حرکت وکړ لمړی زموږ شهید ورور د بادیل دری ته هجرت وکړ او د هماغه ځای څخه ئی دنورو مجاهدینو ورونو په مرسته په وسله وال جهاد باندی پیل وکړ د ډیری مودی جهاد نه وروسته د خپلی کورنی سره د پاکستان ورور اسلامی هیواد ته هجرت وکړ نوموړی ورور د خپل جهاد په موده کښی خپله میړانه او شجاعت په ښه ډول تمثیل کړل شهید ورور عبدالطیف د کنتر په عمومی سړک باندی د سرو یرغلګرو او وحشی روسانو سره په یوه لاس په گریوان نښته کی په داسی حال کی سخت تپي شو چه د جنايتکارو

د لسانی جهاد اداب

مهمی مسألی باید تر نورو لومړی شی :

- یا صاحبی السجنه ارباب متفرقون خیرام الله الواحد القهار ما تعبدون من دونه الا اسماء سمیتوها انتم وآباءکم ما انزل الله بها من سلطان ط انکم انکم الله ط امر الا تعبدوا الا اياه .

ذلك الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون ط .
(سوره يوسف ۳۹ ، ۴۰ آیتونه)

ای د زندان ملگروا

تاسو په خپله فکر وکړی چی خورا ډیر خواره واره خدایان ښه دی او که یو هغه الله چی پرتولو توانا دی .

هغه چی تاسو یی بی له الله څخه عبادت کوي بی لږي څخه نږدی چی یو څو نومونه دي چی تاسو اوستاسو پلرونو نومولی دي . لوي خدای جل جلاله پري کوم دلیل نږدی نازل کړي .

د حکومت کولو والک بی له الله څخه بل هیڅوک نلری . هغه امر کړي چی تاسو بی له هغه څخه د بل هیڅا عبادت ونکړي داد ژوند روغه لار ده لیکن زیات خلک نه پوهیږي .

- عن ابن عباس رضی الله عنه : ان رسول الله ﷺ لما بعث معاذاً الى اليمن قال . انک تقدم علی اهل کتاب فلیکن اول ما تدعوهم الیه عبادة الله فاذا عرفوا فأخبرهم ان الله فرض علیهم خمس صلوات فی یومهم ولیلتهم فاذا فعلوا فأخبرهم ان الله فرض علیهم زکاة تؤخذ من اموالهم وترد علی قراهم فاذا أطاعوا بها فخذ منهم وتوق کرائم اموالهم . واتی دعوة المظلوم فانه لیس ینه وین الله حجاب .

(رواه الستة الاماکن)

له ابن عباس رضی الله عنه څخه روایت دی که چی رسول الله ﷺ معاذ رضی الله عنه یمن ته واستاوه

- یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک -

وان لم تفعل فما بلغت رسلتی - والله یعیضک من الناس .
(سوره مائده ۶۷ آیت)

ای رسوله هغه څه چی د الله له خوا درته نازلیدي خلکو ته ورسوه - که وډي نه رساوه نو تا د هغه هېڅ پیغام نږدی رسولی او الله پاک دی د خلکو له شر څخه ژغوری .

- وعن ابی عبدالله طارق بن شهاب الجبلی الا خمسین رضی الله عنه ان رجلاً سأل النبی ﷺ وقد وضع رجله فی الغرز . أی الجهاد افضل .

قال کلمة حق عند سلطان جائر . (النسائی)

د عبدالله له پلار طارق د شهاب زوی رضی الله عنه څخه روایت دی چی :

یوه داسی سړي چی یوه ښه یی د اوښ په رکاب کښی ایښی وه (د جهاد په لور روان ؤ) . له رسول الله ﷺ څخه پوښتنه وکړه :

کوم جهاد ډیر غوره دی ؟
رسول الله ﷺ ځواب ورکړ :

د ظالم واکمن په وړاندی رښتیا خبره کول .
تشریح :

په ځینو مبارکو حدیثونو کښی ځینو نورو جهادونو ته غوره جهاد ویلی شوي لکه چی په یو حدیث شریف کښی راځی (غوره جهاد هغه دي چی د مجاهد آس زخمی او وینه یی توی شی) نو له دي کبله ویلای شو چی د خبرو د جهاد په لړ کښی ترټولو غوره یی د ظالم واکمن په وړاندی رښتیا او حق ویل او د توري د جهاد په لړک هغه خورا غوره جهاد دي چی د مجاهد آس تر پښو ولویږي لاکن مجاهد د جنگ له میدان څخه تښتېد ونکړي . او معنی یی داسی هم صحیح کیږي شی چی د اسلامی دولت د انحرافاتو او بی لاریو د مخنیوي لپاره ترټولو غوره وسیله د خیر او سعادت په لور د واکمنو رابلنه ده .

بالاتره د ۱۳-۷-۱۳۶۲ نېټه د
شهادت لوړی مرتبی ورسید.
انا لله وانا اليه راجعون.

شهید جسمه نور:
د دولت شاه زوی د پکتیا ولایت
په قام یاری خیل او دنورزی کلی
او سیدونکی و، په ۱۳۳۲ هـ ش
کال په یوه دینداره کورنۍ کې زیږیدلی
پخپله هم دینو اخلاقو خاوند او



نیک انسان و د ملحدانو پر ضد
له ډیرو جگړو وروسته په
۱۳۶۲-۱۲-۱ نېټه د شهادت

لوړی مرتبی ته ورسید.
انا لله وانا اليه راجعون.



کسب یی کاوه د ملحد حکومت
د منځ راتلو سره یی په مقدس جهاد
پیل وکړ. په پای کې د ۱۳۶۲
د ۱۰ میاشتې په شلمې نېټه یوه
خونړی جگړه کې د شهادت لوړ
مقام ته ورسید.
(انا لله وانا اليه راجعون)



- شهید ولی خان:
د خان زوی د پکتیا ولایت دجانی
خیلو منگو د بل خیلو د تراکی
کلی او سیدونکی یو تکړه او
زړور مجاهد و. په ډیرو جگړو کې
بی ځین ته زیات زیانونه واورول

ښانه شمعی ځانونه قربانوی.

له دغو قربانی پتنگانو څخه
یو هم شهید گلستان «احمدزی»
د میر افغان تفر زوی د بغلان
د نوی ښار د دو لسم سړک او
سیدونکی چې په «۱۳۴۱ هـ ش» کال
په یو دینداره کورنۍ کې وزیږید.
شهید ورور یو تکړه او زړور مبارز
و د ملحد درژیم د منځ ته
راتلو سره سم یی خپل تعلیمی زده
کړه نیمګړې پریشوده او په ډیره
میرانه د مجاهدینو په تا و ده
منګر کې داخل شو.

د ملحد د بنمن پر ضد یی
په ډیرو عملیاتو کې برخه در
لوده. شهید گلستان د خپلو
نیکو اخلاقو په لرلو سره خپلو
مجاهدو ورونو په منځ کې د ښه
شهرت خاوند و. د خپل ژوند
تر وروستی سلګۍ پورې د ملحد
دښمن په مقابل کې و جګید.
بالاتره ۱۸-۴-۱۳۶۰ نېټه روژې
په میاشت کې د شهادت لوړ مقام
ته ورسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

شهید محمد عارف چې
په نجیب الله سره مشهور و د ژپو
گل زوی د کابل ولایت دباګرامیو
ولسوالۍ د جبار قلعه اوسیدونکی
او یوه زړور مجاهد و. په ۱۳۴۱
هـ ش کال زیږیدلی و او د دهقانی

عبدالجلیل شهید مسکونه
قریه اولاد ولسوالی در زاب که
در برج حوت سال ۱۳۶۱ به
شهادت رسید .

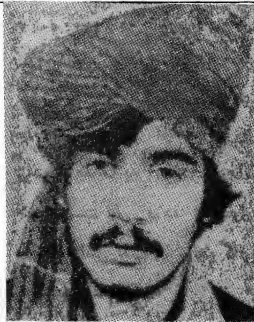
(انا لله وانا الیه راجعون)



تاج محمد شهید فرزند
عبدالقی به سال ۱۳۴۱ هـ - ش
در قریه اورپا خیل ولسوالی
پغمان ولایت کابل در یک فامیل
مسلمان متولد گردید ، تعلیمات
خود را الی صنف (۱۲) در لیسه
پغمان ادامه داد، با هجوم روسها
به افغانستان تحصیل را ترک و
شروع به جهاد مسلحانه نمود ،
در اکثر جنگ ها علیه اشغالگران
روسی اشتراک میوزید ، بالاخره
بتاریخ ۱۳ حمل ۱۳۶۱ بدرجه
شهادت رسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)

جمال الدین شهید
حاجی سراج الدین برادر ضابطه
محراب الدین شهید و یکی از



جمله مجاهدین ورزیده و با شهادت
قریه بوین ولسوالی خان آباد
ولایت کندز بود . او در یک
برخورد رویا روی در مقابل
روسهای وحشی با برادرش یکجا
در منطقه زرغون شهر ولایت لوگر
به شهادت رسید .

(انا لله وانا الیه راجعون)

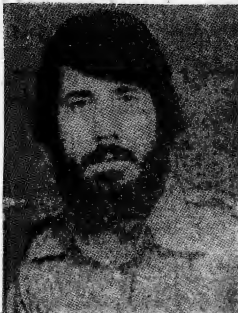


- محمد حسین شهید
فرزند صوفی سید محمد مسکونه
ولسوالی خان آباد ولایت کندز
که در یوم عید فطر سال ۱۳۶۱
به شهادت رسید .
عبدالحکیم شهید
مسکونه قریه گذر خواجه بولک

ولسوالی خان آباد ولایت کندز
که بعد از فراغت از صنف
دوازدهم در سال با برادران
مجاهد ارتباط برقرار نمود و شروع
بجهاد نمود ، بعد از مدتی به همراه
ضابطه محراب شهید به پاکستان
مهاجرت و در وقت بازگشت به
افغانستان در یک برخورد خونین



با قوای اشغالگر روس در منطقه
زرغون شهر ولایت لوگر بدرجه
والای شهادت نایل شد .
(انا لله وانا الیه راجعون)



کل آقا شهید مسکونه
گذر جبهه خانه شهر ولسوالی

به فرا گرفتن علوم ارزشمند
اسلامی نمود، و درین راه
موفقت به پیش می رفت، باروی
کار شدن حکومت الحادی تهرکی
و هجوم روسها شروع بجهاد



مسلحانه نمود، در فتح ولسوالی
های تبار سهم به سزایی داشت،
موصوف نسبت تداوی جراحی
که در جنگ برایش عاید شده
وارد پشاور شد، بعد از تداوی
میخواست عازم سنگرهای جهاد
شود، اما بطور ناگهانی از طرف
عده اشخاص نا شناس به شهادت
رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

سید عبدالبشیر فرزندان
سید فقیرباشنده بندر بخاری ولسوالی
خان آباد ولایت کندهار که در
۲۶ جدی ۱۳۶۱ در منطقه
زرغون شهر ولایت لوگر در یک

۱۳-۱۲-۱۳۶۲ به سن ۲۴ سالگی
بعد از آنکه چندین تنی از کفار
را به جهم سپرد خودش
جام شهادت را نوشید گرچه
برادر مجاهد ما به در درجه والا
که خواست اش بوده رسیدولی
داغ هجرانش قلب باز مانده گانش
را داغدار ساخت.

(انا لله وانا الیه راجعون)

عبدالغفار شهید فرزند
محمد سرور جوان ۱۸ ساله که
در یک برخورد با روسها وحشی

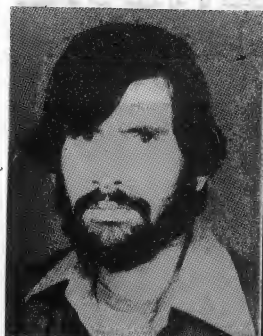


در جاده شادیان شهر مزار شریف
در سال ۱۳۶۱ به شهادت
رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

مولوی حبیب الله
«پیکار» فرزند حاجی عبدالحکیم
در سال ۱۳۲۷ هـ ش در قریه
چپله بهارک مرکز تالقان ولایت
تخار متولد شد نزد علمای شروع

خان آباد یکی از مجاهدین ورزیده
و با شهادتی بود که بتاريخ ۲۶
جدی ۱۳۶۱ در منطقه زرغون
شهر ولایت لوگر در یک برخورد
خونین با روسها به شهادت رسید.
(انا لله وانا الیه راجعون)



سید خواجه ولد محمد فاضل
باشنده ولسوالی ده سبز ولایت
کابل که در سال ۱۳۳۸ در یک
خانواده متدین و خدا پرست
چشم به جهان گشود و بعد
از آنکه سن آن
۷ ساله شد در مکتب ده یحیی
شامل شد و دروس خویش را الی
صنف ۱۱ به پیش برد و متأسفانه
که در افغانستان رژیم
کمونسیتی رویکار آمد برادر
به مجاهدین پیوسته و چندین
عملیات بلمقابل روسها کرده که
تعداد زیاد از کفار را رهسپار
جهم ساخته بالاخره در یک
عملیات با دشمن بتاریخ

خود را الی صنف یازدهم ادامه داد. در زمان حکومت الحادی تره کی محبوس شد، زنائیکه مجاهدین مؤمن ولسوالی جرم را متصرف شدند، او و سایر محبوسین از حبس رها گردیدند، محمد عمران شهید بعد از رهایی از



الحاج حبیب الرحمن

شهید فرزند حاجی میر حسن مسکونه قریه علی خیل ولسوالی پلخمر ولایت بغلان که در وقت درگیری با قوای روسی بتاریخ ۱۳۶۲-۱-۲۴ به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

گل رحمن شهید پسر الحاج حبیب الرحمن مسکونه قریه علی خیل ولسوالی پلخمری ولایت بغلان که بتاریخ ۱۳۶۲-۱-۲۵ در یک جنگ شدید با قوای روسی به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

محمد شریف شهید

مشهور به «زلمی» فرزند محمد برات در سال ۱۳۳۷ هـ - ش در قریه هوسخیل چلو زائی ولسوالی برکی برک ولایت لوگر تولد و تحصیلات خویش را الی فراغت از صنف دوازدهم در لیسه غازی امین الله خان لوگری به اكمال



زندان در صف برادران مجاهد قرار گرفت و شروع به جهاد مسلحانه علیه ملحدین نمود و درین راه شب و روز تلاش میوزید، بالاخره در یک عملیات مسلحانه از طرف قوای ملحد با پدرش یکجا دستگیر و به شهادت رسانده شدند.

(انا لله وانا الیه راجعون)



درگیری با روسها به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



شهید محمد اکرم فرزند محمد اسلم مسکونه ولسوالی جرم بدخشان که از طرف قوای ملحد دستگیر و به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

شهید محمد عمران فرزند

محمد اکرم در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستا های سر سبز ولسوالی جرم ولایت بدخشان چشم بجهان کشود، تحصیلات



عبدالرشید شهید

مسکونه قریه صحرائ قلعه
ولسوالی شیرین تگاب ولایت
فاریاب که در یک بر خورد با
روسها بدرجه شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



عبدالصمد شهید فرزند

حاجی سهراب خان مسکونه تخته
پل بندر شور آب ولسوالی خان
آباد که بتاریخ ۲۶ جدی ۱۳۶۱
در یک جنگ شدید با قوای
اشغالگر و وحشی روس در منطقه
زرغون شهر ولایت لوگر به
شهادت رسید.

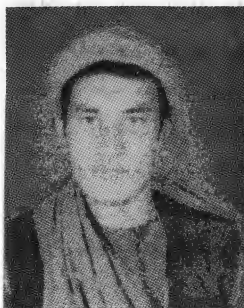
(انا لله وانا اليه راجعون)

اکثر جنگ ها علیه اشغالگران
روسی و غلامان کارملی شات
اشتراک میورزید ، بالاخره بتاریخ
۱۳۶۲-۷-۱۲ در وقت نبرد علیه
ملحدین در قلعه ملا نیک محمد



به شهادت نایل شد .

(انا لله وانا اليه راجعون)



بریالی ولد محمد حسن

مسکونه خواجه برهان ولسوالی
خلم ولایت سمنگان بعد از تقریباً
چهار سال جهاد مسلحانه بتاریخ
۱۳۶۱-۳-۲ در یک جنگ شدید
با روسها به شهادت رسید .

(انا لله وانا اليه راجعون)



رسانده در سال ۱۳۵۷ به صفت
معلم در مکتب ابتدائیه تنگی
مقرر گردید موصوف در قیام
۱۳۵۸ ولسوالی برکی برک اشتراک
ورزید ، در اواخر ۱۳۵۸ به
پاکستان مهاجر و بعد از مدتی
دوباره عازم سنگر های جهاد
گردید ، در سال ۱۳۶۰ بحیث
معاون نظامی حوزه ابو مسلم
تعیین و این وظیفه را صادقانه
به پیش می برد ، بالاخره بتاریخ
۱۳۶۱-۳-۳۰ ش در یک
برخورد با قوای روسی بعد از
به قتل رساندن تعدادی از دشمن
با هفت نفر از همسنگران مؤمنش
بدرجه شهادت نایل شد .

(انا لله وانا اليه راجعون)

اشرف خان شهید

فرزند رحیم باشنده ارشد جدران
ولسوالی زرمت ولایت پکتیا که
با هجوم روسها به کشور ما
شروع به جهاد مسلحانه کرد در



شهید تازه گل فرزله
محمد غوث باشندۀ قریۀ ابشاره
ولسوالی مرکز ولایت بادغیس
که در سال ۱۳۵۸ شروع به
جهاد مسلحانه نمود، در اکثر
جنگ‌ها در مقابل اشغالگران روسی
اشتراک می‌ورزید، بالاخره
بتاریخ ۲۵-۷-۱۳۶۲ در یک
جنگ رویا رویی با قوای روسی
به اثر بمباردیان طیارات دشمن به
شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



امان الله شهید فرزله
مقام بای مسکونه قریه کرزوان

ولسوالی شیرین تگاب ولایت
فاریاب که در برخورد مسلحانه
با قوای روس در برج حمل سال
۱۳۶۲ به شهادت رسید.



غلام نبی شهید
مسکونه قریه غرو تشلاق
ولسوالی چهار دره ولایت کندز
که بتاریخ ۲۱ برج رمضان سال
۱۳۶۲ به شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)



عقل الدین شهید
فرزنده محمد نظم خان مسکونه
قریه شیک خیل جدران ولایت
پکتیا یکی از جمله مجاهدین
فی سبیل الله بود که در اکثر
جنگ‌ها علیه قوای روسی و

مزدوران کارملی اشتراک می‌ورزید،
بالاخره بتاریخ ۴-۹-۱۳۶۱ در
وقت برخورد با ملحدین به
شهادت رسید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

حفیظ الله ولد حاجی
رحمت الله مسکونه خواجه سیاران
مرکز ولایت پروان بوده تحصیلات
خود را الی صنف هفتم در ولسوالی
خان آباد ادامه داد.
زمانیکه روسهای وحشی



وطن عزیز ما را مورد حمله
بی رحمانه قرار دادند سلاح گرفت
و در عملیات متعددی شرکت
ورزید و سه چند از دشمنان دین
و بشریت را به گودال نابودی
سپرد مدتی نگذشته بود که در
زمره چریکهای شهرچاریکار حساب
شد سر انجام بعد از گذشت یکسال
جهاد مسلحانه در اواخر برج حمل
(۱۳۶۲) در برخورد خونین
با روسها شربت شهادت نوشید.

(انا لله وانا الیه راجعون)

کوزکنر که بتاريخ ۲۵-۷-۱۳۶۲
به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



غلام حضرت شهید

فرزند صالح محمدباشنده قریه شیر
خانیل ولسوالی کوهستان ولایت
کاپساره در سال ۱۳۵۹ شروع
بجهاد مسلحانه نمود بالاخره بتاريخ
۱۳۶۱-۱۱-۱۳ به اثر بمباردمان
قوای هوایی روسها به درجه
شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)



- حاجی جوره شهید

شدیدا تمام مهمات به درجه والای
شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)

- هدایت الله خا شهید

فرزند حاجی بابہ جان مسکونه
قریه مهاجرین سر دوره ولسوالی
خان آباد ولایت کندز که بتاريخ
۱۳۶۱-۷-۵ در مندوی خان آباد
به شهادت رسید.



(انا لله وانا اليه راجعون)



خان محمد شهید

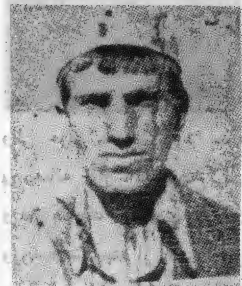
باشنده قریه سرو مربوط ولسوالی



عبدال بشیر فرزند حاجی

نذیر باشنده قریه بر قوت ولسوالی
سنگ چارک ولایت جوزجان که
در یک برخورد با روسهای
وحشی بعمر ۱۶ سالگی بدرجه
شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)



محمود شهید متخلص

به «زاهد» فرزند احمد خان
مسکونه قریه چشمه معاذ الله
خان که در یک نبرد شدید بین
مجاهدین و قوای متجاوز روسی
بتاریخ ۱۳۶۱-۱۱-۱۹ در محاصر
قرار گرفته و بعد از مقاومت

شهید اخند: د فتح

محمد زوی د لغمان ولایت قرغه
یې ولسوالی دد هونک کلی
اوسیدونکی او یوه تکړه مجاهدو.
دری کاله یې د ملحدانو پر ضد
په مقدس جهاد کې برخه واخیسته
بالاخره په ۱۳۶۱ هـ ش کال د



شهادت لور مقام ته ورسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

شهید عبدالنبي د عبدالقادر
زوی د هلمند ولایت د ناد علی
ولسوالی د مالکیرداب پاسک د



در زرغون شهر لوگر به شهادت
رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

محمد الله شهید فرزند
غلام مرتضی مسکونه قریه غرو
قشلاق ولسوالی چهار دره ولایت
کندهار که در یک حمله روسها



بالای ولسوالی مذکور به شهادت

رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

فرزند حاجی تغایمراد باشنده قریه
صیاد ولسوالی پانجوری ولایت
بغلان یکی از جمله مجاهدین
ورزیده و با شهامت منطقه خود
بود، بالاخره در یک برخورد با
قوای کفر بتاريخ ۱۳۵۹-۱-۲۶
به شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)



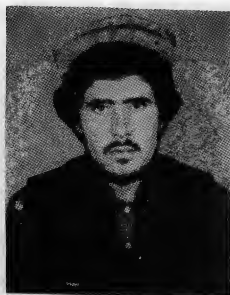
محمد عظیم شهید فرزند
حاجی کریم مسکونه ولایت کابل
که بتاريخ ۱۳۶۲-۲-۶ به
مباردمان طیارات روسی به
شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)

سید اشرف شهید فرزند
سید عبدالله مسکونه بندر بخاری
ولسوالی خان آباد ولایت کندهار
که بتاريخ ۲۶ جدی ۱۳۶۱ در
یک جنگ شدید با قوای روس

روس به شهادت نایل شد.
(انا لله وانا اليه راجعون)

غلام محمد شهید ولد
خابوری مسکونه قریه سموک
ولایت فاریاب که در یک یرخورد
شدید با قوای اشغالگر روس



سال ۱۳۶۰ شروع به جهاد
مسلحانه نمود و بالاخره بتاريخ
۱۴۰۱-۱۴۰۲-۵ ش. بدرجه
شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



بدرجه شهادت نایل شد.

(انا لله وانا اليه راجعون)

عبدالخالق شهید فرزند
اسلم باشندۀ ولسوالی خلم ولایت
سنگان که بتاريخ ۱۳۶۰-۴-۲۵
به شهادت رسید.

(انا لله وانا اليه راجعون)



شهید مامور الله فرزند
میر افغان مسکونه قریه تفرهای
مرکز ولایت بغلان یکی از جمله
مجاهدین فعال و هدفمند منطقه
خود بود، در جنگ ها علیه
قوای روسی فعالانه اشتراک
می نمود، بالاخره بتاريخ
۱۳۶۰-۸-۱۲-۵ ش. در یک
برخورد شدید با قوای اشغالگر

کلی اوسیدونکی و پد ۱۳۶۱-۲-۱۳
نیقه د هلمند ولایت د ناد علی
ولسوالی کی دروسانوسره په یوه
نېشته کی د دری ورځی مقاومت
څخه وروسته د شهادت لوړ مقام
ته ورسید.
(انا لله وانا اليه راجعون)

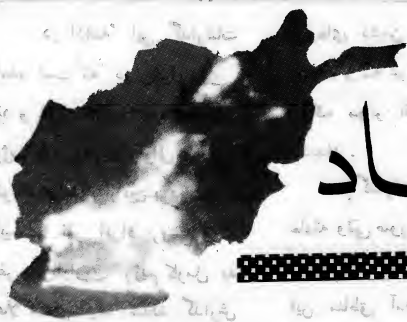


شهید خان وزیر:
د محمد عظیم زوی د پکتیا ولایت
په ځاځویکی داریوب د جبهی یو
تکړه او زړور مجاهدو. تقریباً
څلور کاله هرله پسی-یی ددښمن
په ضد جگړوکی فعاله ونډه لرله
او په زیاتو جگړوکی دښمن ته
زیات زیانونه واول بالاخره په
۱۳۶۲ هـ ش کال دلوی اختر په
لومړی ورځ د شهادت لوړ مقام ته
ورسید. انا لله وانا اليه راجعون.



عبدالخلیل شهید فرزند
محمد عزیز مسکونه قریه برج
مستوفی مرکز ولسوالی جبل
السراج ولایت پروان که در

اخبار جهاد



پروان: ...

نماینده ما از ولایت پروان خبر میدهد که مجاهدین دلیر این ولایت بتاريخ (۸-۹-۶۲) بالای پوسته های قره باغ حمله نموده در نتیجه یک روز برخورد (یکصد هشتاد) تن افراد روسهای ملحد هلاک و چندین دستگاه تانک و مهمات آنها طعمه حریق گردیده و از مجاهدین دلیر سه تن نیز مجروح شده اند.

و هم چنان جان پر کفان جبهه مرکزی ولایت پروان طی یک حمله دلیرانه در مسیر عمومی پروان جبل السراج بالای یک ستون نظامی قوای مشترک روسی و دولتی یک دستگاه تانک زرهی و یکتراده موتو چپ روسی دشمنان را توسط راکت طعمه حریق نموده و سر نشینان آنها را بقتل رسانیده اند.

منبع می افزاید که بعد از عملیات مجاهدین، تجاوز گران

لوگر: ...

به اساس راهپوهای واصله طی چند روز گذشته نیروهای مشترک اشغالگران روسی و کارملی، ولسوالی محمد آغه واقع در شمال ولایت لوگر و روستا های اطراف آنرا به شدت بمباران کرده و چندین روستا از توابع این ولسوالی را به خاک یکسان نموده اند درین رابطه تعداد کثیری از مردم بی دفاع به شهادت رسیدند.

به اساس همین گزارش به تاریخ (۲۶-۸-۶۲) و تئیکه چند هلیکوپتر روسی شروع به بمباران این روستا ها نمودند به مقاومت شدید اسلحه ضد هوایی مجاهدین مواجه گردیدند که درین رابطه یک هلیکوپتر توهدار روسی مورد اصابت گلوله مجاهدین قرار گرفته و در منطقه چمن از توابع موسهی ولایت لوگر سقوط نمود و هلیکوپتر های دیگر مجبور به ترک منطقه گردیدند.

روسی دست به عملیات انتقامجویانه زده توسط بمباران و موشک های دور برد منطقه را تحت آتش گرفته و خسارات کثیری را بر مردم مسلمان این منطقه وارد کردند. هلمند:

از هلمند گزارش میرسد که جبهه قهرمان طلباء اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان در ولسوالی کجکی ولایت هلمند

اخیراً پنج فروند طیاره نفر برد، دو فروند هلیکوپتر و یک فروند طیاره میگ (۲۱) روسی را به ذریعه دافع هوا سرنگون کرده و چهار نفر صاحب منصب های بلند پایه روسی در داخل این طیارات به هلاکت رسانیده شدند.

منبع خبری گفته است که بعد از سرنگون شدن طیارات مذکور مجاهدین راه اسلام یکتعداد اسلحه خفیه از کابین های طیارات به غنیمت گرفته اند.

نورو ورته يي وفرمايل :

ته د اهل كتابو يو قام ته ورځي نو اول به ي
د خداى بډگي ته راوبولى كه وي مننه نو پدي ئ
پوه كړه چي الله تعالى ورباندي په شپه او ورځ كښي
پنځه لمونځونه فرض كړيدي كه لمنځونه يي وكړل
نويي پوهوه چي الله تعالى ورباندي زكات فرض
كړيدي چي د دوي له مالونو څخه به اخيستي شي
او فقيرانو ته به يي بيرته وركول كيري كه وي مانه
نو زكات تري واخله خو داسي به نه كوي چي غوره
مال يي واخلي او ناكاره مال يي ورپريزيدي . د مظلوم
له ازاره به ځان ژغوري ځكه چي دده او د خداي
ترمنځ پرده نشته .

تشرېح :

پورتنى مبارك آيت او مبارك حديث د دعوت
او تبليغ لالدي اصول رابښي .

۱- د ضرورت وړ خورا مهمي موضوع گاني بايد
خلكو ته وپنول شي .

۲- هره خبره بايد په خورا قوي دليل سره
ورباندي شي .

۳- مناسب او موزون وخت بايد ولټول شي چي
مخاطب تري ښه فايده واخيستلاي شي .

۴- د استعداد او توان څخه پورته غوښتنى بايد
له چا څخه ونشي .

۵- بلونكي بايد خلکو ته ځان وروپيژني لكه يوسف
عليه السلام چي ځان معرفي كړي (واتبعتم ملة اباي
ابراهيم واسحاق ويعقوب ط) د خپلو پلرونو ابراهيم
اسحاق او يعقوب ليارمى غوره كړه .

۶- هر وخت او په هر ځاي كښي بايد د دعوت او
تبليغ لپاره د موقع لټه وشي او پدي هكه هيڅ فرصت
له لاسه ورنكړاي شي كه څه هم د زندان د پنځرو
ترشاوي .

۷- د دعوت او تبليغ په برخه كښي د شرايطو په
برابري بايد قدم واخيستل شي لكه يوسف عليه السلام
چي په ټول زندان كښي دوه څخه كسان چي څخه
ته يي رجوع كړي وه راوبلل او حضرت معاذ چي
د حاكم په صفت يې ته ټولو رسول الله ﷺ
وظيفه وركړه چي ټولو خلکو ته زما حكم ورسوه .
(توريبا)

د دښمن څخه موزيات خپل ځانونه له گناهونو

څخه وژغوري ځكه د اښكرو گناوى دوتـ

د دوى د دښمنانو څخه ډيري خطرناكي دي او شك

نشته چي مسلمانانوته دوى د دښمنانو د معصيت او

گناهگاري له كبله نصرت وركول كيږي --- پوه

شي چي پرتاسي باندي د خداى (ج) له لوري

ستاسي د مراقبت لپاره څارونكي او ساتونكي ملايكي

مقرر شوي دي نو پداسي حال كي چي تاسي د خداى

په لار كي حركت كوي د خداى (ج) د غضب او

نا فرماني اسباب مه را غونډوي .